

وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیهٔ معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

کتاب معلم

رهنمای تدریس

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف پنجم

(مذهب جعفری)

moe.curriculum@gmail.com

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.



وزارت معارف
معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف
کتب درسی

کتاب معلم رهنمای تدریس
تعلیم و تربیهٔ اسلامی
صنف پنجم

(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش.

مؤلفان

- **محمد باقر حلیمی (جعفری)**
- **محمدجواد «احسانی»**
- **فاطمه «راشدی»**

ایدیت علمی و مسلکی

ایدیت زبانی

کمیتهٔ دینی، سیاسی و فرهنگی

- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

کمیتهٔ نظارت

- دکتور اسدالله محقق معین نصاب تعلیمی، تربیهٔ معلم و مرکز ساینس
- دکتور شیر علی ظریفی مسؤول پروژهٔ انکشاف نصاب تعلیمی
- معاون سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: سیدکاظم (کاظمی)

تنظیم امور چاپ: محمدکبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.





بسم الله الرحمن الرحيم



ملي سرود

دا وطن افغانستان دی
دا عزت د هر افغان دی

کور د سولې کور د تورې
هر بچی یې قهرمان دی

دا وطن د ټولو کور دی
د بلوڅو د ازبکو

د پښتوناو هزاره وو
د ترکمنو د تاجکو

ورسره عرب، گوجر دي
پامیریان، نورستانیان

براهوي دي، قزلباش دي
هم ایماق، هم پشه یان

دا هیواد به تل ځلیږي
لکه لمر پر شنه آسمان

په سینه کې د آسیا به
لکه زړه وي جاویدان

نوم د حق مودی رهبر
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام وزیر معارف

استادان و معلمان محترم،

تعلیم و تربیه اساس انکشاف و توسعهٔ همه کشورهای جهان را تشکیل می‌دهد، نصاب تعلیمی یکی از عناصر بنیادی و اولیهٔ تعلیم و تربیه بوده که مطابق انکشافات علمی و نیازمندی‌های جامعه وضع می‌گردد، واضح است که انکشافات علمی و ضرورت‌های جامعه همواره در حال تَطَوُّر می‌باشد؛ بناءً لازم است نصاب تعلیمی نیز به صورت علمی و دقیق مطابق ایجابات عصر و زمان انکشاف نماید؛ البته نباید نصاب تعلیمی تابع تغییرات سیاسی، نظریات و تمایلات اشخاص گردد.

کتاب رهنمای معلم که امروز در دسترس شما قرار دارد بنابر همین مشخصات تهیه و ترتیب گردیده است، با تکیه بر میتودهای جدید تدریس، فعالیت‌هایی در آن اضافه شده که فعال نگاه داشتن شاگردان در عملیهٔ تدریس جزء پلان درسی گردیده است.

امیدوارم محتویات این کتاب که با استفاده از روش‌های آموزش فعال مطابق رهنمودها و پلان تعلیمی تعیین شده صورت گرفته مورد استفادهٔ شما استادان عزیز قرار گیرد، و از اولیای محترم شاگردان نیز تقاضا به عمل می‌آید که در تعلیم و تربیهٔ با کیفیت دختران و پسران خود همکاری متداوم نمایند، تا اهداف و آرزوهای نظام معارف برآورده گردیده، نتایج و دست آوردهای خوبی برای آنان و کشور ما داشته باشد.

باور دارم که استادان و معلمان گرانقدر ما در تطبیق مؤثر نصاب تعلیمی رسالت و مسؤولیت بزرگ خویش را اداء می‌نمایند.

وزارت معارف همواره تلاش می‌نماید تا نصاب تعلیمی معارف مطابق اساسات دین مبین اسلام، حس وطن دوستی و معیارهای علمی با در نظرداشت نیازمندی‌های مُبرم جامعهٔ ما انکشاف نماید.

در این عرصه از تمام شخصیت‌های علمی و دانشمندان تعلیم و تربیهٔ کشور و اولیای محترم شاگردان تمنا دارم، تا با ارائهٔ نظریات و پیشنهادات سالم و مفید خویش مؤلفان ما را در بهبود و غنامندی هرچه بیشتر تألیف کتب درسی و رهنمای معلم یاری رسانند.

از همهٔ دانشمندانی که در تهیه و ترتیب این کتاب سهم گرفته اند، و از مؤسسات محترم ملی و بین المللی و سایر کشورهای دوست که در تهیه و تدوین نصاب تعلیمی جدید و طبع و توزیع کتب درسی و رهنمای معلم همکاری نموده اند صمیمانه اظهار امتنان و قدردانی می‌نمایم.

و من الله التوفیق

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحیم

سخنی چند با معلم

کتاب تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف پنجم که داری ۳ فصل می باشد: عقاید، احکام، آداب و اخلاق که مجموعاً سی و نه درس که در ساعت های درسی معین تدریس می گردد.

روش تدریس:

ارتباط داشتن با اطفال و خورد سالان و آموزش آنان کاری بسیار مهم و ضمنا دشوار است. واین ارتباط باید طوری تنظیم گردد که برای خورد سالان و شاگردان گرایش وعلاقه به مکتب و آموزش ایجاد نماید و ساحات مختلف آموزشی برای آنان نشاط آور و جذاب باشد تا شاگردان با علاقه مندی خاص از خانه به طرف مکانهای آموزشی حرکت کنند و در فعالیت های درسی با اراده و شوق سهم بگیرند.

بنا بر این شیوه تدریس را خوب است طوری طراحی کنیم که بخواست فوق برسیم و شاگردان با انگیزه درس بخوانند و استاد محترم بر اساس تجربه تدریسی که دارد می تواند هر روز با پلان و طرح جذاب و جدید وارد صنف شود. به طور نمونه موارد از شیوه تدریس یاد آوری می کنیم تا کمک باشد برای استادان محترم:

سؤال و جواب: این روش در مباحث اعتقادی و نظری کار آیی بیشتری دارد این روش می تواند میان دو شاگرد و یا معلم و شاگردان اتفاق افتد و در این روش اشکالات درسی شاگردان برطرف می شود.

قصه گویی: این روش برای بیان سیرهٔ بزرگان انجام می شود همچنین برای آموزش غیر مستقیم از روشهای اخلاقی مؤثر است، داستان می تواند وسیله شروع فعالیت ها و تمرین های مختلف شاگردان قرار گیرد.

شاگردان با انواع قصه ها و داستان های قرآنی آشنا شده و علاقه برای آموزش در آنان بیشتر می گردد.

تمثیلی: آموزشی که از این طریق صورت می گیرد تا مدتهای زیادی در ذهن شاگردان تمثیل کننده و بیننده گان آن مانده گار است.

مشاهده و تحلیل مشاهدات: این روش در یادگیری اهمیت بسیار دارد.

غیز از روش های گفته شده شما معلمان محترم می توانید از تصاویری که در کتاب راهنمای معلم آورده شده برای ایجاد بیشتر انگیزهٔ شاگردان استفاده نمایید زیرا که به کار گرفتن تصاویر، ذهن شاگرد را فعال تر می سازد و باعث می شود که یک تصویر ذهنی از درس در ذهن شاگرد تا مدت های زیادی باقی بماند.

معلم محترم سعی نماید که فضای صنف جذاب، شاد و آرامش بخش باشد تا فرایند یاد گیری سهل و آسان جلوه کند و سعی شود تا از تشویق های کلامی و غیر کلامی استفاده گردد و از سخت گیری بیش از حد پرهیز شود و با توجه به تفاوت های فردی شاگردان در دست یابی به اهداف مورد نظر کوشش بعمل آید.

معلم محترم توجه داشته باشید که در جریان ارزیابی درس تنها به کلمه کدام یک، چه کسی و .... اکتفا ننموده و با توجه به تفاوتهای فردی شاگردان (قوی، متوسط، ضعیف) همه آنان را در فعالیت های صنفی سهیم سازید.

(ومن الله التوفیق)

فهرست

عنوان | **صفحه**

معلومات تکمیلی درس اول

بنام خداوند بخشنده و مهربان

از جمله عقایدی و باور های محکم و استوارما مسلمانان توحید است یعنی اعتقاد داریم به اینکه خدا یک و یگانه است و بیشتر از یکی نیست و برای اثبات آن ادله ای ذکر می گردد.

ادلهٔ توحید:

۱ – امتناع ترکیب در ذات حق.

یکی از دلایل توحیدامتناع ترکیب در ذات حق است، بدین معنا که خداوند از اجزای دیگر ترکیب نیافته است؛ زیرا دوگانگی و دوتا بودن در مورد دو موجود را هنگامی می توان فرض کرد، که آن دو موجود در یک جهت مشترک و در جهت دیگر از هم جدا باشند ویا اصولاً در تمام ذات و حقیقت از هم جدا باشند.

فرض دو خدایی در حقیقت فرض دو واجب الوجود است، پس هردو در واجب الوجود بودن با هم مشترکند، و در عین حال برای اینکه دو گانگی تحقق یابد بناچار باید در جهتی دیگر از همدیگر ممتاز باشند، و به تعبیر دیگر هریک ازین دو خدا علاوه بر واجب الوجود بودن، که در آن مشترکند، باید جزء دیگری نیز داشته باشند تا در پرتو آن جزء از یکدیگر جدا شده و دوگانگی تحقق پذیر شود و لازمه این سخن، مرکب بودن خدا است. از طرفی می دانیم ترکیب برای خدا محال است. بخاطری که هر کلّی به اجزای خود نیاز دارد، گرچه مغایرت کل با اجزایش اعتباری است و یک مغایرت عینی و واقعی نمیباشد ولی در هر حال همین مسألهٔ که کل نیاز به اجزای خود دارد موجب راه یابی نیاز و فقر و احتیاج در ذات الهی است و نیاز موجب امکان و معلولیت است و ذات حق نه ممکن است و نه معلول، در مجموع چنین نتیجه میگیریم که چون ترکیب در ذات حق راه ندارد باید یکتا و یگانه باشد.

۲ – نا متناهی بودن وجود محض: استدلال های فلسفی در مورد ذات خداوند به این نتیجه رسیده که خداوند وجود محض است، و دارای ماهیت نیست.

به چیزی که وجود محض است، بناچار نامحدود و غیر متناهی است، چرا که محدودیت همیشه از ماهیت پدید میآید. این ماهیت انسان است که وجود آنرا محدود ساخته است و در قالب انسانیت که وجود محدود است متبلور می سازد.

بنا براین آنجا که ماهیت را راهی نباشد، محدودیت را نیز راهی نیست، و به این ترتیب وجود محض که بدون ماهیت است، نامحدود خواهد بود، و چون نامحدود است فرض دوتایی برای آن محال است، چرا که اگر دو واجب الوجود فرض کنیم ناچار هر یک به دیگری محدود می شوند، و در مرز همین حد است که از یکدیگر جدا شده و دو تایی تحقق می یابد، و چون در خدا که وجود محض است، محدودیت محال است دو گانگی هم محال خواهد بود، و سرانجام به این نتیجه می رسیم که خداوند یکتا و یگانه است.

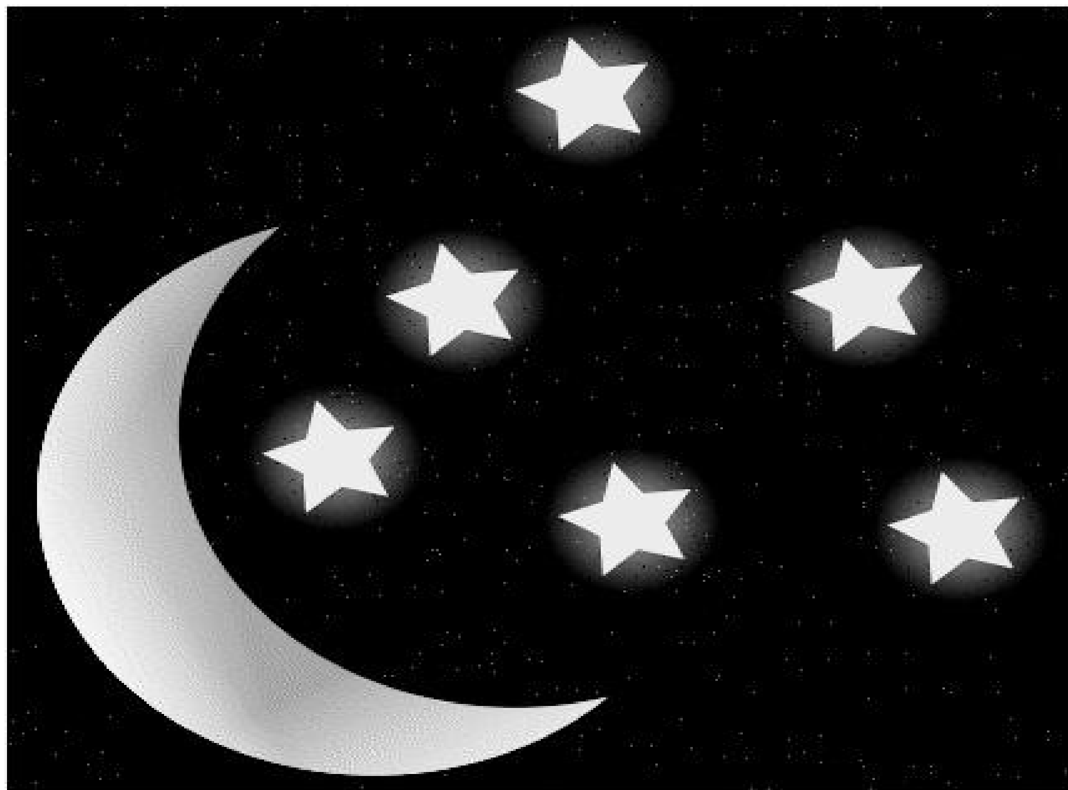
۳ – امتناع توارد علتین بر معلول واحد:

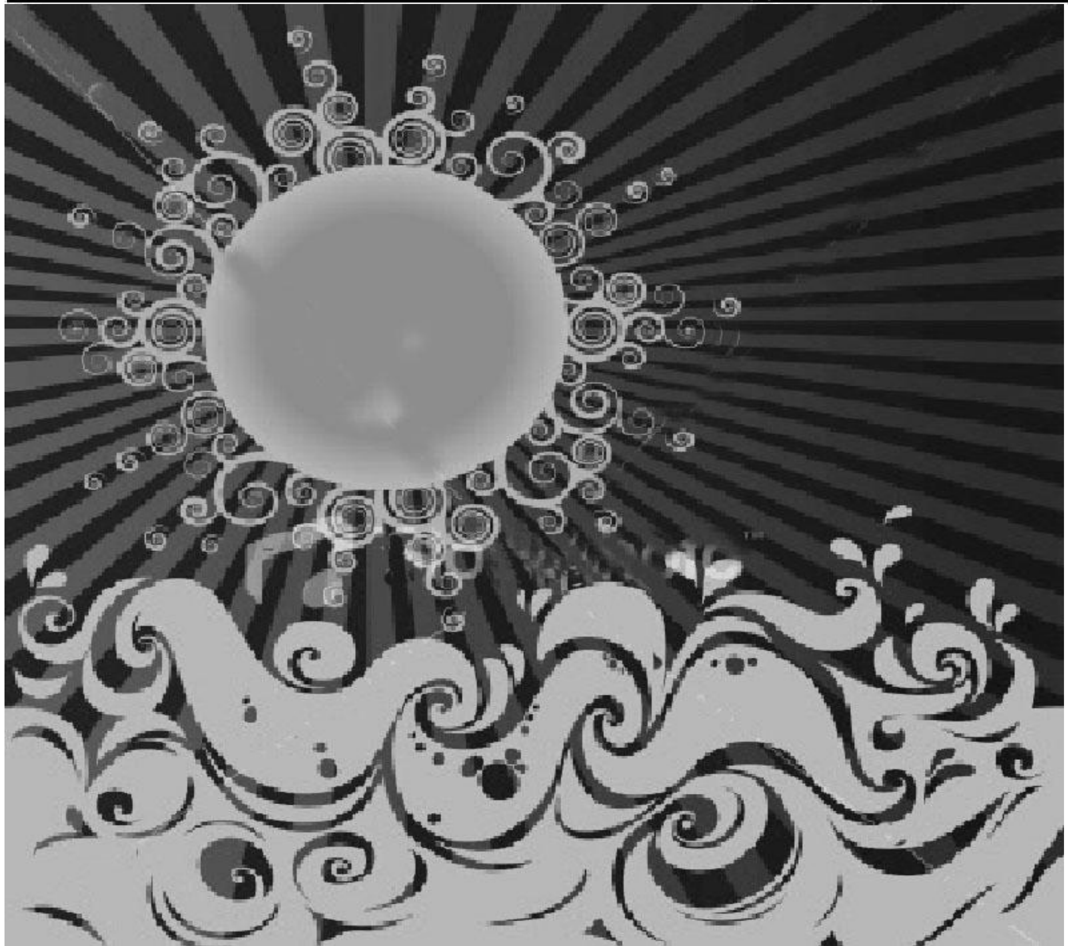
در فلسفه بحثی است پیرامون رابطهٔ علت و معلول و قوانین مربوط به آن و یکی از نتایج این بحث که به صورت قانون کلی ارائه شده است، این است که یک معلول جز یک علت نمی تواند داشته باشد.

با توجه به این قانون فلسفی نتیجه می گیریم که: چون جهان هستی بدلیل هم آهنگی و پیوستگی که در آن مشاهده می شود یک واحد است، بناچار علت آن هم که آفریننده و خالق آن میباشد و احد و یکتا است.

در مسئلهٔ توحید به ادلهٔ دیگری نیز استناد شده است: از قبیل دلیل تمانع که از آیهٔ شریفهٔ (**لَوْكَانَ فِيهِمَا الِهةٌ اِلاَّ اللهُ لَفَسَدَتَا**) گرفته شده است.

نقد و طرح اندیشه ها در مبانی اعتقادی ۱۴۴ –۱۴۶ سید رضی شیرازی





فصل اول: عقاید

درس : اول

عنوان: توحید

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با معنی توحید.

– آشنائی با برخی از دلایل یگانگی خداوند جل جلاله:

روش تدریس: انفرادی – سؤال و جواب – گروهی

مواد ممد درسی: چارت مربوط به شب وروز

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– معلم محترم در ابتدای ورود به صنف به سلام و احوال پرسی با شاگردان پرداخته و ارتقاء آنان به صنف پنجم را تبریک گفته و به آنان خوش آمد می گوید سپس به معرفی یکدیگر می پردازند.	– شاگردان به دقت گوش می کنند وجواب می دهند.
۳۰ دقیقه	– معلم محترم به معرفی بخش عقاید کتاب پرداخته سپس در مورد توحید و یگانگی خداوند به کمک دانش لازمی برای آنها با زبان ساده صحبت می کند سپس تصاویر را به آنها نشان داده می پرسد: • شما در این تصویر چه می بینید؟ • خالق این پدیده ها کیست؟ • به نظر شما اگر خداوند تنها روز و یا تنها شب را می آفرید زنده گی امکان پذیر بود؟ – معلم محترم در مورد آفرینش شب و روز و قدرت و یگانگی خداوند باشاگردان صحبت می کند. – سپس معلم محترم شاگردان را متوجه درس اول کتاب نموده و درس را با صدای بلند می خواند. – معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا خاموشانه درس را بخوانند. – معلم محترم از چند شاگرد می خواهد تا پیش روی صنف آمده و به نوبت درس را بخوانند. – معلم محترم شاگردان را به گروههای مناسب تقسیم نموده و از آنان می خواهد تا درس را با یکدیگر بخوانند و در مورد موضوع درس با یکدیگر بحث و گفتگو نمایند. – معلم محترم از هر گروه یک نفر را خواسته تا پیش روی صنف آمده و درس را بخواند و نتیجه گفتگوی خودرا برای هم صنفانش بیان نماید.	– شاگردان به دقت گوش می کنند و مطابق هدایات استاد عمل می کنند.



	– معلم محترم شاگردان را کمک و رهنمایی می کند و آنان را برای یادگیری بهتر درس آنان را تشویق می کند.	
۱۰ دقیقه	**ارزشیابی:** ● کی می تواند متن درس را به طور روان بخواند؟ ● کدام یک از شما می تواند در مورد معنی کلمه توحید صحبت نماید؟ ● کدام یک از شما علاقمند هستید تا در مورد دلایل یگانگی خداوند صحبت نمائید؟ ● مشاهده و دقت در مخلوقات خداوند چه اهمیتی دارد؟ **خلاصهٔ درس:** ما خواندیم که خداوند یگانه را می پرستیم و به او ایمان داریم و دلایل زیادی برای یگانگی خداوند وجود دارد که برخی آن با مشاهده و به کمک عقل اثبات می شود.	● شاگردان جواب می دهند.

کار خانه گی:

– شاگردان درس را بخوانند و دلایل یگانگی خداوندﷻ را به همراه معنی توحید یاد گرفته در کتابچه های خود بنویسند.



معلومات تکمیلی درس های ۲-۴

مسئله توحید یکی از مسائل عمیق و گسترده در مفاهیم دینی و قرآنی است، لذا توحید دارای انواع و مراتب است. از این رو است که در قرآن کریم بحث توحید به صورت مفصل و عمیق در سوره ها و آیات متعدد به بحث گذاشته شده است. این روش و اسلوب قرآن در مفاهیم اساسی است. امروزه از این روش به عنوان تفسیر موضوعی قرآن تعبیر می شود.

در آموزه های دینی هر جا که بحث از خداشناسی می شود، بحث از ذات الهی، با تمام صفات و مراتب آن، از جمله مراتب توحید است. بنابراین، هرجا که لفظ (الله) آمده، بر مراتب توحید دلالت دارد و این همان چیزی است که برخی از مفسران در تفسیر آیه ۱۳۶ سوره بقره به آن قائل اند. البته بدیهی است که این مطلب به دلالت لفظیه و صریح قابل استفاده نیست. بلکه به دلالت التزامی با توجه به قراین خارجی و ادله لفظی دیگری که از آیات و روایات استفاده می شود، قابل برداشت است.

بلی در قرآن برخی از سوره ها وجود دارد که در عین کوچک و مختصر بودن حاوی مباحث اساسی توحید و اصول دین هستند، مانند سوره حمد.

درباره مراتب توحید و انواع آن باید گفت: متکلمان مسلمان آن را چنین تقسیم کرده اند:

۱- توحید در ذات، ۲. توحید در صفات، ۳. توحید در فعل، که در تحت این اقسام، اقسام دیگر توحید داخل می شوند؛ مانند توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت، توحید در حاکمیت، توحید در طاعت و بندگی، توحید در تشریع و توحید در عبادت.

پاسخ تفصیلی

قرآن کریم در بیان مقاصد مفاهیم و رسالت خود، روش و اسلوب واضحی دارد و آن این است که بعضی از آیاتش، بعضی دیگر را تفسیر می کند. به این معنا که آیه ای در جایی معین و ضمن سیاق خاصی آمده، پس از آن آیه ای دیگر در جایی دیگر آمده و منظور و مراد از آیه ای پیشین را بیان کرده است.

در قرآن کریم آیاتی است که اشاره به برخی از انواع توحید دارد، مانند آیه: "آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) از آن او (به فرمان او) است. پر برکت (و زوال ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

در این آیه واژه "له الخلق" اشاره به توحید در خالقیت دارد، و کلمه "امر" بیانگر توحید در تدبیر و اداره است که نوعی از حاکمیت بر جهان است.

البته برخی از سوره های کوتاه و کوچک قرآن حاوی بعضی از مراتب اصلی توحیدند مانند سوره حمد، با این که از سوره های کوچک قرآن است، در عین اختصار، در آن مطالبی است که در سوره های دیگر نیامده است.

در این سوره انوع و مراتب سه گانه توحید بیان شده است. "رب العالمین" بیانگر توحید ربوبی است.

توحید در الوهیت و عبودیت و این که عبادت مخصوص خدای تعالی است، از کلمه «الله» و آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» استفاده می شود.



مراتب توحید:

در این جا ابتدا عناوین آن را بیان کرده، سپس به صورت خیلی خلاصه و فشرده به اقتضای مقام بـه بیـان آنها می پردازیم:

عالمان و متکلمان مسلمان توحید را این گونه تقسیم کرده اند:

۱ - توحید ذاتی، ۲. توحید صفات، ۳. توحید در خالقیت، ۴. توحید ربوبی، ۵. توحید در حاکمیت، ۶. توحید در طاعت، ۷. توحید در تشریع، ۸. توحید در عبادت.

۱- توحید ذاتی:

توحید ذاتی یعنی خدای متعال یکی است و برای او نظیر و مانندی نیست. از بارزترین صفات خدای تعـالی این است که، یکی است و دومی برایش قابل فرض نیست. این همان چیزی است که در اصطلاح متکلمان به آن توحید ذاتی می گویند و با توحید ذاتی هرگونه مثل و نظیری را از خداوند نفی می کنند.

گاهی نیز از توحید ذاتی این معنا اراده می شود که خدای سبحان یکی است؛ یعنی بسیط است و بـرای او جزء فرض نمی شود. برای جدایی و فرق گذاشتن بین این دو نوع توحیـد ذاتـی، از توحیـد اول بـه توحیـد احدی تعبیر می کنند که اشاره به این دارد که برای خداوند دومی قابل تصور نیست و از توحید بـه معنـای دوم، اراده می کنند که خداوند دارای اجزاء نیست و بسیط است.

خدای متعال در سوره توحید (اخلاص) به این دو نوع توحید اشاره کرده است. در ابتـدای ایـن سـوره مـی فرماید: "قل هو الله احد"؛ بگو: خداوند، یکتا و یگانه است. این همان توحید ذاتـی بـه معنـای آن اسـت کـه خداوند دارای اجزا نیست. و در آخر سوره می فرماید: "و لم یکن له کفواً احد"؛ و برای او هیچ گـاه شـبیه و مانندی نبوده است؛ یعنی دومی برای خداوند وجود ندارد.

این دو آیه به این معنایی که ذکر کردیم تفسیر شده است، با هدف پیشگیری از لزوم تکرار در آیه.[۱۱]

۲- توحید در صفات:

الاهیون در این مسئله اتفاق و اجماع دارند که خداوند متصف به تمام صفات کمال و جمـال اسـت؛ ماننـد علم، قدرت، حیات و ... از صفات ذاتی. اما در چگونگی اتصاف خداوند به این صفات اختلاف دارند.

امامیه معتقدند که صفات خداوند عین ذات اویند. معتزله برآنند که ذات نایب از صفات است، بدون این که صفاتی در خداوند باشد. اما اشاعره می گویند: صفات کمالیه خداوند زاید بر ذات هستند هم از جهت مفهوم و هم از لحاظ مصداق.

این بحث از مباحث عمیق و گسترده کلامی است که این جا فرصت آن نیست و به همین مقدار اکتفا مـی کنیم.



۳- توحید در خالقیت:

دلایل و براهین عقلی به ما می گوید که در جهان هستی هیچ خـالقی جـز خـدای سـبحان وجـود نـدارد. موجودات امکانی، آثار و افعال آنان، حتی انسان و تمام اختراعات و اکتشافاتش حقیقتاً و بدون گـزاف گـویی مخلوق خداوند هستند. آنچه را که در عالم هستی است تمام مخلوق اوینـد، منتهـا برخـی بـدون واسـطه و برخی با واسطه.

این چیزی است که با دلایل و براهین عقلی و نقلی ثابت شده است. از جمله آن ادله است، آیات زیر:

..." بگو: خدا خالق همه چیز است، و اوست یکتا و پیروز.

" خداوند آفریدگار همه چیز است و حافظ و ناظر بر همه اشیا است.

" آری، این است خداوند، پروردگار شما! هیچ معبودی جز او نیست، او را بپرستید.

۴- توحید در ربوبیت:

توحید در ربوبیت به این معنا است که تدبیر امور عالم تنها منحصراً از آن خداوند است و ربوبیـت خداونـد عبارت از مدبریت او است نسبت به عالم نه به معنای خالقیت. توحید در ربوبیت اعتقاد به این است که خیر و شر و تدبیر زندگی تماماً از آن خدا است و لو این که در عالم هستی اسباب و مدبراتی است. اما تمام اینهـا از جنود و عوامل الاهی اند به امر و مشیت او کار می کنند. در مقابل توحید ربوبی، شرک در ربوبیت اسـت. شرک در ربوبیت آن است که انسان تصور کند که در عالم هستی مخلوقاتی هستند که اگرچه مخلوق خـدا هستند، اما خداوند تدبیر امور و مسیر انسان در حیات تکوینی و تـشریعی اش را بـه آنهـا سـپرده و بعـد از خلقت آنها خود را کنار کشیده و امور عالم را به آنها تفویض نموده است.

۵- توحید در حاکمیت:

به معنای انحصار حاکمیت در خداوند است. توحید در حاکمیت از شؤون توحیـد ربـوبی اسـت؛ یعنـی ربّ (پروردگار) صاحب و مالک مربوب است. به عبارت دیگر رب خالق و ایجاد کننده همـه موجـودات از عـدم و نیستی است. برای او حق تصرف و تسلط بر نفوس و اموال آنها است و حق ایجاد محدودیت در تصرفات او را دارد، و در جای خود ثابت است که تصرف در اموال و نفوس، احتیاج به ولایت نسبت به مسلط علیـه دارد و اگر این ولایت نباشد، تصرف، تصرف عدوانی است.

از آن جا که تمام موجودات در پیشگاه خداوند مساوی و یکـسانند و همـه مخلـوق و محتـاج بـه سـوی او هستند، و مالک چیزی حتی وجود خود و افعال و افکار خود نیستند، پس کسی بر کسی دیگر ولایت بالذات و بالاصالت ندارد. بلکه ولایت فقط برای خداوند است که مالک حقیقی انسان و عالم است که وجود و حیات به او ارزانی داشته است.

چنان که خود می فرماید: "در آن جا ثابت شد که ولایت (و قدرت) از آن خداوند بر حق است، او اسـت کـه برترین ثواب و بهترین عاقبت را (برای مطیعان) دارد.

بنابراین، حاکمیت مخصوص خدای سبحان و منحصر در او است و از مراتب توحید شمرده می شود. به این نوع از توحید (توحید در حاکمیت) ظاهر بسیاری از آیات دلالت دارد:



..." حکم و فرمان، تنها از آن خدا است، حق را از باطل جدا می کند و او بهترین جداکننده (حق از باطل) است.

..." بدانید که حکم و داوری مخصوص او است، و او سریع ترین حسابگران است.

۶- توحید در تشریع:

توحید در تشریع به این معنا است که، حق تشریع و قانون گذاری تنها از آن خداوند است و هیچ کس بدون مراجعه به قرآن و سنت حق ندارد که قانون وضع کند.

۷- توحید در طاعت:

به معنای انحصار حق طاعت و بندگی در خداوند است؛ یعنی انحصار حق طاعت از شؤون انحصار در ربوبیت است. پروردگار از آن جهت که صاحب انسان، مدبر حیات و ترسیم کننده راه و رسم زندگی او است، برای او حق طاعت و بندگی است، همان گونه که برایش حق حاکمیت است.

پس در عالم هستی مطاع (اطاعت شونده) بالذات، غیر از خداوند، یا کسی که خداوند اطاعت او را واجب کرده باشد، نیست.

به عبارت دیگر، چون تنها خداوند مالک وجود انسان و پروردگار او است، پس اطاعت و بندگی مخصوص او است. منظور از اطاعت این است که انسان وجود خود و آنچه را از نعمت ها که خداوند به او عنایت کرده در مسیری به کار گیرد که مورد رضایت او است. و سرپیچی از این اطاعت دشمنی و ظلم به پروردگار است که عقل آن را تقبیح می کند.

۸- توحید در عبادت:

توحید در عبادت یعنی هیچ معبودی غیر از خداوند نیست، این از مسائلی است که مورد اتفاق و اجماع مسلمانان است. خداوند در این باره می فرماید: "ما در میان هر امتی رسول برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.



فصل اول

درس : دوم

عنوان: اقسام توحید

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با اقسام توحید.
- باور مندی به یکتایی خداوند در همه ابعاد.

لغات و اصطلاحات:

استدلال: دلیل آوردن، **فوق**: بالا

روش تدریس: انفرادی – سؤال و جواب – دو نفری

مواد ممد درسی: چارت مربوط به سیارات

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– سلام و احوال پرسی ، ترتیب و تنظیم صنف، دیدن نظافت، گرفتن حاضری، دیدن کار خانه گی.	– شاگردان خوب گوش داده و جواب می دهند.
۳۰ دقیقه	– جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان می پرسد که: • کی می تواند درس را به طور روان بخواند؟ • کی می تواند اقسام توحید را نام ببرد؟ • کدام یک از شما می تواند دلیلی بر یگانگی خداوندﷻ بیاورد؟ – بعد از دریافت جواب معلم محترم در مورد موضوع درس با شاگردان صحبت نموده و اولین آیه مبارکه درس را روی تخته همراه با معنی آن می نویسد ومی خواند. – معلم محترم شاگردان را متوجه کتاب نموده و درس را می خواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد تا چند نفر به نوبت درس را بخوانند. – معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا درس را خاموشانه بخوانند و موضوع درس را یاد بگیرند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو نفر، دو نفر پیش روی صنف آمده و در مورد موضوع درس از یکدیگر سؤال و جواب نمایند. – معلم محترم بر فعالیت آنها نظارت کرده و اگر مشکلی داشتند آن را برطرف می سازد و آنان را تشویق می نماید تا برای یادگیری بهتر تلاش نمایند.	– شاگردان به دقت گوش می کنند و به فعالیت می پردازند.



۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کدام یک از شما می تواند آیهٔ مبارکهٔ **۱٦۱**سورهٔ بقره را به طـــور درست تلاوت نماید و ترجمه آن را بیان کند؟ • کی می تواند درس را درست بخواند؟ • کی می تواند اقسام توحید که در درس آمده را نام ببرد؟ **خلاصهٔ درس:** خداوند یکتا است و هیچ شریکی ندارد و اگر چند معبود وجود می داشت همه نیست و نابود و تباه می شدند.و چهار قسم از اقسام توحید را در این درس قرار ذیل می خوانیم ۱– توحید ذاتی ۲– توحید صفاتی ۳– توحیـــد افعالی ۴– توحید عبادی.	– شـــاگردان گـــوش داده و جواب می دهند.

کار خانه گی:

– شاگردان درس را بخوانند و ترجمه آیهٔ های مبارکهٔ درس را در کتابچه های خود نوشته و یاد بگیرند.



فصل اول

درس سوم

عنوان: توحید ذاتی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با معنی توحید ذاتی.

– باورمندی به توحید در ذات.

روش تدریس: انفرادی – گروهی

مواد ممد درسی: چارت مربوط به سیارات

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم درس گذشته را ارزیابی می کند: – کی می تواند دلایل یگانگی خداوند را بیان کند؟ – کی می تواند اقسام توحید را نام ببرد؟ – جهت دادن انگیزه، معلم محترم از شاگردان می پرسد که: – توحید در ذات به چه معنا است؟	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰ دقیقه	– معلم محترم با دریافت جواب از شاگردان به بحث و گفتگو با آنان می پردازد و سپس از آنان می خواهد که درس را بطور کامل خاموشانه بخوانند. – معلم محترم درس را بطور کامل برای شاگردان با صدای بلند می خواند. – از چند شاگرد می خواهد تا درس را به نوبت بخوانند. – معلم محترم به شاگردان هدایت می دهد تا در گروههای سه نفری درس را بخوانند و در ۳سطر خلاصه نمایند. – معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند تا از سهم گیری تمام شاگردان در فعالیت صنفی اطمینان حاصل نماید. – معلم محترم از هر گروه با درنظرداشت سویهٔ شاگردان (قوی، متوسط و ضعیف) یک نفر را خواسته و از آنان می خواهد تا درس را بخوانند و خلاصه درس را بیان نمایند. – معلم محترم مشکلات درسی شاگردان را برطرف می کند و آنان را برای بهتر یاد گیری درس تشویق مینماید.	– شاگردان به بحث و گفتگو با معلم خود میپردازند. – شاگردان به دقت گوش می دهند و مطابق هدایات استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی گفته می تواند توحید ذاتی چیست؟	– شاگردان جواب می دهند.



	• کدام یک از شما می تواند آیه ۱ ســـورهٔ اخـــلاص را روی تختـــه بنویسد و بخواند؟ • به نظر شما چرا پرستش غیر خدا باعث ذلت و پستی انسان ها می گردد؟ **خلاصهٔ درس:** ما آموختیم که خداوند در ذات خود یکتا است و اجزاء هم ندارد و ما تنها او را می پرستیم چرا که عبادت غیر او باعث ذلت و پستی ما می گردد.	

کار خانه گی:

– شاگردان درس را به دقت خوانده و مفهوم درس را در ۵ سطر در کتابچه های خود بنویسند.



فصل اول

درس: چهارم

عنوان: توحید صفاتی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

– آشنایی با توحید صفاتی.

– شاگردان دربارهٔ یگانه گی ذات و صفات خداوند معلومات بدست بیاورند.

لغات و اصطلاحات:

مرور زمان: گذشت زمان

روش تدریس: انفرادی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم برای ارزشیابی درس گذشته از شاگردان سؤالاتی را پرسان می کند مثلاً: – به نظر شما چرا خداوند یکی است؟ – کدام یک از شما می تواند دلیلی بر یگانگی ذات خداوند از قرآن کریم بیاورد؟ – معلم محترم برای ایجاد علاقه در شاگردان به درس از آنها می پرسد : – آیا میدانید خداوند متعال چه صفاتی دارد؟	– شاگردان به حرفهای معلم توجه می کنند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم در ابتدا درس را برای شاگردان با صدای بلند می خواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم از چند شاگرد می خواهد که درس را به نوبت با صدای بلند بخوانند. – معلم محترم لغات دشوار درس را برای شاگردان معنی می کند. – معلم محترم در اثنای قرائت درس توسط شاگرد برنظم صنف و گوش گرفتن شاگردان دیگر نظارت می کند. – معلم محترم با استفاده از دانش لازمی دربارهٔ توحید صفاتی برای شاگردان معلومات می دهد و اگر شاگردان سؤالاتی داشتند معلم محترم به سؤالات آنها پاسخ می دهد.	– شاگردان به حرفهای معلم توجه می کنند و به فعالیت ها سهم می گیرند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی می تواند درس را بخواند؟ • به نظر شما آیا صفات خداوند کسبی است؟ **خلاصهٔ درس:** صفات خداوندﷻ مانند صفات انسانها نیست بلکه صفات خداوند با ذات او تعالی یکی است و صفات خداوند در مرور زمان بدست نمی آید.	• شاگردان جواب می دهند.

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که از روی درس یک مرتبه بنویسند و درس را یاد بگیرند.



معلومات تکمیلی

توحید در عبادت

بنام خداوند بخشنده و مهربان

یکی از عقایدی که ما مسلمانان در بخش توحید داریم، توحید در عبادت است، بدین معنا که غیر خداوند کسی را مورد پرستش و عبادت قرار ندهیم، آن چیزی را که مورد عبادت قرار میدهیم هوای نفس ما باشد، أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ. سوره فرقان آیه ۴۳. آیا دیدی آنکس را که هوای نفس خود را خدا و معبود خویش قرار داده است؟ و چه آنکس که امر و فرمان شخص دیگر را که خدا به اطاعت او فرمان نداده اطاعت کند و در برابر آن تسلیم محض باشد. اتَّخَذُواْ أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ. سورهٔ توبه آیهٔ ۳۱ همانا عالمان دینی خود و زاهدان خود را به جای خدا، خدای خویش ساخته اند. وَلاَ يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللّهِ. سورهٔ آل عمران آیهٔ ۶۴ همانا بعضی از ما انسانها، بعضی دیگر را خدای خویش و مطاع و حاکم بر خویش قرار ندهیم.

بنابر این، توحید عملی یا توحید در عبادت، یعنی تنها خدا را معبود و قبلهٔ روح و جهت حرکت قرار دادن و طرد هر معبود و جهت و قبلهٔ دیگر، یعنی برای خدا خم شدن و راست شدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا خدمت کردن، برای خدا نشستن و برای خدا مردن، آنچنانکه ابراهیم خلیل الله عليه السلام فرمود: إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۷۹) قُلْ إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لاَ شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳). سورهٔ انعام آیات ۷۹،۱۶۲ و ۱۶۳. روی دل و چهرهٔ قلب خود را حق گرایانه سوی حقیقتی کردم که ابداع کنندهٔ همهٔ جهان، بالا و پائین (آسمان و زمین) است و هرگز جزء مشرکان نیستم. همانا نمازم، عبادتم، زیست و زنده گی ام مردنم برای خداوند پروردگارجهانیان است او را شریکی نیست، به این فرمان داده شده ام و من از تسلیم شده گان به حق هستم و ما که از پیروان دین ابراهیمی هستیم پا را روی هوا ها و خواهشهای نفسانی خویش گذاشته و رو را به سوی معبود واحد نماییم و او را عبادت و پرستش نموده و هیچ چیزی را همتای آن قرار ندهیم. مقدمهٔ بر جهان بینی اسلامی– جهان بینی توحیدی صفحه ۵۵–۵۹ چاپ امیر سال ۵۷ شهید مرتضی مطهری.

و در مقابل توحید شرک است. شرک چیست؟

شرک یعنی به غیر از خدا تکیه کردن و به مخلوق خداوند مقام خدایی دادن و قدرتی را در برابر قدرت خداوند علم کردن، اطاعت بی چون و چرا غیر از خدا کردن، چنانچه خداوند در قرآن در سورهٔ هود آیه ۴۳ دربارهٔ فرزنده حضرت نوح عليه السلام می فرماید: حضرت نوح به فرزند خود هشدار داد و به او اخطار کرد که همهٔ کفار با غضب خداوند در آب غرق خواهند شد، فرزندش گفت: من تا قهر خدای تو را ببینیم به کوه پناه می برم، مشاهده می فرمایید که منطق فرزند نوح چیست؟ او کوه و قدرت کوه را در برابر قدرت و قهر خدا قرار می دهد. این نمونهٔ روحیهٔ شرک است (اصول عقاید– محسن قرائتی صفحه ۸۱) شرک ظلم بزرگ و گناهی نا بخشودنی است، چنانچه خداوند در سورهٔ نسأ آیه های ۴۸ و ۱۱۶ میفرماید: إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء. یعنی خداوند گناه شرک را نمی بخشد و غیر آن، تمام گناهان را ممکن است ببخشد. و در سوره لقمان آیهٔ ۱۳، می فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». در مقام موعظه به فرزندش گفت ای فرزندم هرگز به خداوند شرک نورز، یعنی برای خداوند در هیچ مورد شریک قرار نده که شریک قرار دادن برای خداوند ظلم بسیار بزرگ و گناهی نا بخشودنی است. که هیچ گناهی به پای شرک ورزیدن برای خداوند نمی رسد.

در قران و در روایات اطاعت و پیروی از او امر و دستورات پدر و مادر را واجب دانسته اند، مگر در جائیکه پدر و مـــادر انسان را از مدار توحید خارج نموده و به سوی شرک بکشانند که در این صورت اطاعت از دستورات آنان واجب نیـــست چنانچه در قرآن در سورهٔ عنکبوت آیهٔ ۸ میفرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِن جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَـكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَـا». و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند، و اگر پدر و مادر شما به شـــما دستور دهند که به من شرک ورزید، از دستورات و فرمانهای آنها پیروی نکنید. پس نتیجه می گیریم کـــه گنـــاه شـــرک و رزیدن در رأس تمام گناهان کبیره می باشد. هم چنان که توحید مراتب و در جاتی دارد، شرک نیزبه نوبهٔ خویش مراتبی دارد که از مقایسهٔ با مراتب توحید مراتب شرک به حکم (تعرف الاشیاء بَاَضْدادِها) هم توحید را بهتر می توان شـــناخت و هـــم شرک را. تا ریخ نشان می دهد که در برابر توحیدی که پیامبران الهی از ابتدای خلقت به آن دعوت می کرده انـــد، انـــواع شرکها نیز وجود داشته است.

۱- شرک ذاتی:

بعضی از انسانها به دو (ثنویت) یا سه یا چند اصل قدیم ازلی مستقل از یکدیگر قائل بوده اند وجهان را چند پایـــه ای و چند قطبی و چند کانونی میدانسته اند.

۲- شرک در خالقیت:

برخی از انسانها مخلوقات خداوند را با او در خالقیت شریک می دانند.

۳- شرک در پرستش:

بعضی از مردمان، در پرستش، چوب یا سنگ یا فلز یا حیوان یا ستاره، یا خورشید یا درخت یا دریا را می پرستیده اند. ایـــن نوع از شرک فراوان بود، و هنوز هم در گوشه و کنار جهان یافت می شود، این شرک، شرک در پرستش اســـت و نقطـــه مقابل توحید در عبادت است.

شرک بر دو قسم است: ۱- شرک (مشخص) ۲- شرک (پنهان)، شرک (مشخص) چنانکه عرض شد که آفتاب و مـــاه و مانند آنرا پرستش کردن، اما شرک (پنهان) چنان ریز و کوچک هستند که با ذره بین های پیش رفته به سختی دیده می شود، چنانچه در حدیثی از رسول اکرمﷺ آمده است که فرمود: **اَلشّرْکُ اَخْفیٰ مِنْ دَبِیْبِ الذَّرعَلی الصَّفافی اللَّیْلَه الظَّلْماء وَاَدْنـــاهُ یُحبُّ علی شَیءٍ مِنَ الْجَوْرِ یُسْعِفُ عَلی شَیءٍ مِنَ الْعَدْلِ وَهَل الّدِنْ اِلاّ الحُب واَلْبُغْضُ فی اللهِ. قالّ الله تعالیٰ اِنْ کنْتمُ تُحبُّوْنَ اللهَ فَاتَّبِعُوْنی یُحْبِبْکُمُ اللهُ.**

شرک (راه یافتن شرک) مخفی تر است از رفتن مورچه برسنگ صاف در شب تاریک، کمترین شرک این است که انـــسان ظلم را دوست بدارد و از آن راضی باشد و یا از عدل را دشمن بدارد. آیا دین چیزی جز دوست داشتن و دشـــمن داشـــتن برای خداست؟

خداوند میفرماید: بگو اگر مرا دوست می دارید دستورات مرا پیروی کنید تا شما را دوست بدارم.

مقدمه بر جهان بینی شهید مرتضی مطهری صفحه ۸۰-۸۹

فصل اول

درس: پنجم (بخش اول)

عنوان: توحید عبادی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

– آشنایي با توحید عبادی.

– شاگردان متوجه شوند هیچ منافاتی میان محبت رسول گرامی اسلام وائمه معصومین و عبادت خداوند یگانه وجود ندارد.

لغات و اصطلاحات:

مشرک: کسی که برای خداوند شریک بیاورد **همتا:** مثل و مانند

روش تدریس: انفرادی، گروهي، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته سؤالات زیر را ازشاگردان مـی پرسـد مثلاً: – چه تفاوت بین صفات خداوند با صفات انسانها وجود دارد؟ – معلم محترم برای دادن انگیزه به شاگردان از آنها می پرسد کـه چـرا غیـر از خداوند یکتا و یگانه هیچ ذاتی قابل عبادت نیست؟ – معلم محترم در ابتداء درس را با صدای بلند می خواند. – معلم محترم درس را برای شاگردان با استفاده از معلومات تکمیلی کاملا توضیح می دهد. – معلم محترم سپس شاگردان را به چند گروه تقسیم می کنـد و از آنهـا مـی خواهد که تمام درس را با همدیگر بخوانند . – معلم محترم بر کار گروه ها نظارت کرده و از سهم گیری تمـام شـاگردان در کارهای گروهي اطمینان حاصل می کند.	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند. – شاگردان به گـروه های معین تقسیم مـی شوند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را بطور صحیح می خواند؟ • چه کسی می تواند معنی توحید عبادی را بیان نماید؟ • آیا شما تفاوت توحید عبادی و توحید ذاتی را درک کرده اید؟ • به نظر شما کلمه طیبه چه اهمیتی دارد؟ **خلاصۀ درس:** هیچ ذاتی غیر از ذات خداوند یکتا لایق عبادت نیست و محبت و دوستی رسول اکرم ﷺ وائمۀ معصومین منافات و ضدیتی با عبادت خداوند یکتـا ندارد، بلکه آنها از نزدیکان درگاه خداوندی است و ما به اذن خداوندﷻ به آنها متوسل می شویم زیرا آنها از جایگاه بلندی در پیشگاه خداوند برخوردار هستند.	• شاگردان جواب مـی دهند.

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که درس توحید عبادی را در ۵سطر خلاصه نمایند و در کتابچه های خود بنویسند.



فصل اول

درس: پنجم (بخش دوم)

عنوان: توحید عبادی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

- آشنایی با توحید عبادی.
- شاگردان متوجه شوند هیچ منافاتی میان محبت رسول گرامی اسلام وائمه معصومین و عبادت خداوند یگانه وجود ندارد.

لغات و اصطلاحات:

مشرک: کسی که برای خداوند شریک بیاورد **همتا:** مثل و مانند

روش تدریس: انفرادی، گروهی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته سؤالات زیر را ازشاگردان می پرسد مثلاً: - کی می تواند بگوید مفهوم توحید عبادی چیست؟	- شاگردان گوش داده جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم برای دادن انگیزه به شاگردان از آنها می پرسد که چرا غیر از خداوند یکتا و یگانه هیچ ذاتی قابل عبادت نیست؟ - معلم محترم از چند شاگرد می خواهد که درس را با صدای بلند به نوبت بخوانند. - معلم محترم با شاگردان همکاری می کند و اشتباهات آن ها را اصلاح می کند. - معلم محترم سپس شاگردان را به چند گروه تقسیم می کند و از آنها می خواهد که تمام درس را با همدیگر بخوانند و در آخر هر گروه خلاصهٔ درس را بنویسند. - معلم محترم بر کار گروه ها نظارت کرده و از سهم گیری تمام شاگردان در کارهای گروهی اطمینان حاصل می کند. - معلم محترم در ختم کار گروهی از هر گروه یکی را خواسته که خلاصه درسی را که نوشته اند پیش روی صنف قرائت نمایند.	- شاگردان دقیق گوش می کنند و مطابق رهنمایی معلم محترم فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را بطور صحیح می خواند؟ • چه کسی می تواند درس را به طور صحیح توضیح دهد؟ • چه کسی معنی (**قولوا لا اله الاالله تفلحوا**) را می داند ؟ • به نظر شما کلمه طیبه چه اهمیتی دارد؟	• شاگردان جواب می دهند.



	خلاصهٔ درس: هیچ ذاتی غیر از ذات خداوند یکتا لایق عبادت نیست و محبت و دوستی رسول اکرم ﷺ وائمهٔ معصومین منافات و ضدیتی با عبادت خداوند یکتا ندارد، بلکه آنها از نزدیکان درگاه خداوندی است و ما به اذن خداوند ﷻ به آنها متوسل می شویم زیرا آنها از جایگاه بلندی در پیشگاه خداوند برخوردار هستند.	

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که درس توحید عبادی را در ۵سطر خلاصه نمایند و در کتابچه های خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

در ابتدا باید اشاره شود توحید افعالی یک باور دینی است که همه فرقه های اسلامی با آن اعتقاد دارند، گرچه ممکن است تفسیر ها و بر داشته ای متفاوت از آن ارایه دهند. با توجه به این نکته حال باید گفت: منظور از توحید در افعال این است که خداوند در هیچ یک از افعال خود، محتاج یار و یاوری نیست و فاعل هر فعلی که از او سر می زند، منحصراً ذات واحد اوست.

به عبارت دیگر: همان گونه که خداوند در ذات خود شریکی ندارد، در فاعلیت نیز هیچ گونه شریکی ندارد «ماشأ اللّه لا قوّة إلاّ باللّه »(۱) هر چه خدا بخواهد،[همان می شود] نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست. خداوند فاعل مستقل است و به هیچ چیز در فاعلیت خود نیازمند نیست. ضمن آن که فاعل تمام افعال عالم خدا است و همه چیز به اراده او صادر می شود.

منظور از این که فاعلی در کنار فاعلیت خداوند نیست، فاعل عرضی است نه طولی.

توضیح:

فعلی که در خارج صورت می گیرد، گاهی چند فاعل در کنار یکدیگر آن را انجام می دهند. مثلاً یک سنگ را که پنج نفر در کنار یکدیگر از زمین بلند می کنند، هر یک از آنها فاعلی در عرض و در رتبه دیگران است. اما گاه ممکن است چندین فاعل در طول هم قرار گیرند و فعلی انجام شود؛ برای مثال، چندین توپ که در طول هم قرار دارند، اگر با ضربه پا توپ اول به حرکت در آید و به توپ دوم و سوم و... برخورد کند ،همه به حرکت در می آیند. در این مثال به نظر می رسد که حرکت پا صرفاً فاعل حرکت توپ اول است و توپ اول فاعل حرکت دوم و...؛ اما در حقیقت، فاعل حقیقی حرکت های دوم و سوم، نیروی پا است و فاعلیت و محرک بودن توپ های اوّل و دوم در طول و در اثر فاعلیت پا می باشد.

پس از بیان مثال فوق، معلوم می شود، فاعل های طبیعی و انسانی در جهان، در عرض فاعلیت خداوند نیستند ؛یعنی خود آنها مستقل در تأثیر نیستند. چون فاعلیت نامحدود الهی به آنها محدود می شود. پس این فاعل ها در طول فاعلیت خداوند هستند و خداوند هر کاری را که بخواهد انجام بدهد، با آفرینش فاعل و اسبابش آن کار را انجام می دهد.

فصل اول

درس: ششم (بخش اول)

عنوان: توحید افعالی خداوند جل جلاله

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با مفهوم توحید افعالی خداوند تعالی.

– باور پیدا کردن به اینکه تمام کار ها با اراده خداوند انجام میگیرد.

لغات و اصطلاحات

ناشی: بوجود آمده **منتهی:** ختم ، پایان

اذن: اجازه

روش تدریس: گروهی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم جهت ارزشیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – چه کسی معنی (قولوا لا اله الاالله تفلحوا) را بیان می کند؟ – کی می تواند تفاوت بین توحید عبادی و توحید ذاتی را بگوید؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: – آیا میتوانید در باره توحید افعالی خداوند توضیح دهید؟ – معلم محترم عنوان درس را روی تخته نوشته و از شاگردان می خواهد که به صفحهٔ کتاب خود توجه کنند و در مورد درس با استفاده از معلومات تکمیلی توضیح می دهد. – معلم محترم درس را یکبار با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که بطور دونفره در مورد موضوع درس بایکدیگر گفتگو کنند و توحید افعالی خداوند را بطور کامل یاد بگیرند. – معلم محترم با سهم گیری و رهنمایی در فعالیت درس، شاگردان را تشویق می کند.	– شاگردان گوش داده جواب می دهند. –شاگردان مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کنند
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را از رو بخواند؟ • کی می تواند توحید افعالی خداوند جل جلاله را تعریف کند؟ • چه کسی علاقمند است که در مورد موضوع درس توضیح بدهد؟ **خلاصهٔ درس:** ما مسلمانان باور داریم که توحید افعالی به این معنا است که همهٔ کارهایی که در هستی انجام می شود، ناشی از قدرت خداوند جل جلاله است. قرآن کریم در سورهٔ بقره، آیهٔ ۱٦۵	• شاگردان جواب می دهند.

	می فرماید :أَنَّ الْقُوَّةَ لِلّهِ جَمیعاً ؛ تمام قدرت و نیرو از آنِ خداوند است و هم چنان در دعاها می خوانیم : ما شاءَ الله وَ لا قُوّة إلاّ بِهِ، وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّة إلاّ بالله العَلِيِّ العَظِيمِ ؛ هرچه را خداوند بخواهد[همان خواهد شد]و هیچ حول و قوه ای وجود ندارد مگر قوة خداوند بلند مرتبه و بزرگ	

کار خانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب بخوانند و در مورد توحید افعالی خداوند ﷻ سه سطر در کتابچهٔ های خود بنویسند.

فصل اول

درس: ششم (بخش دوم)

عنوان: توحید افعالی خداوندﷻ

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با مفهوم توحید افعالی خداوند تعالی.
- باور پیدا کردن به اینکه تمام کار ها با اراده خداوند انجام میگیرد.

لغات و اصطلاحات

ناشی: بوجود آمده **منتهی:** ختم ، پایان

اذن: اجازه

روش تدریس: گروهی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم جهت ارزشیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند تفاوت بین توحید عبادی و توحید افعالی را بگویید؟ - معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا میتوانید در باره توحید افعالی خداوند توضیح دهید؟ - معلم محترم از چند شاگرد می خواهد که درس را با صدای بلند به نوبت بخوانند. - معلم محترم با شاگردان همکاری می کند و اشتباهات آن ها را اصلاح می کند. - معلم محترم سپس شاگردان را به چند گروه تقسیم می کند و از آنها می خواهد که تمام درس را با همدیگر بخوانند و در آخر هر گروه خلاصهٔ درس را بنویسند. - معلم محترم بر کار گروه ها نظارت کرده و از سهم گیری تمام شاگردان در کارهای گروهی اطمینان حاصل می کند. - معلم محترم در ختم کار گروهی از هر گروه یکی را خواسته که خلاصه درسی را که نوشته اند پیش روی صنف قرائت نمایند.	- شاگردان گوش داده جواب می دهند. - شاگردان گوش داده و مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را از رو بخواند؟ • کی می تواند توحید افعالی خداوندﷻ را تعریف کند؟ • چه کسی علاقمند است که موضوع درس را توضیح بدهد؟ **خلاصهٔ درس:**	• شاگردان جواب می دهند.



	ما مسلمانان باور داریم که توحید افعالی به این معنا است که همهٔ کارهایی که در هستی انجام می شود، ناشی از قدرت خداوند است. قرآن کریم در سورهٔ بقره، آیهٔ ۱٦٥ می فرماید :أَنَّ الْقُوَّةَ اللهِ جَمِيعاً ؛ تمامِ قدرت و نیرو از آنِ خداوند است و هم چنان در دعاها می خوانیم : ما شاءَ الله وَ لا قُوّة إلاّ بِهِ، وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّة إلاّ بِالله العَلِيِّ العَظِيمِ ؛ هرچه را خداوند بخواهد[همان خواهد شد]و هیچ حول و قوه ای وجود ندارد مگر قوة خداوند بلندمرتبه و بزرگ	

کار خانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب بخوانند و در مورد توحید افعالی خداوند‌ﷻ سه سطر در کتابچهٔ های خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

صفات خداوند جل جلاله

بنام خداوند بخشنده و مهربان

اندیشمندان اسلامی در حوزه مسائل اعتقادی و دینی پس از تبیین دلیل های اثبات ذات خداوند متعال، به بیان اثبات صفات خداوند می‌پردازند. در نظر آنان صفات خداوند به چند دسته تقسیم می‌شود؛ یکی از آن تقسیمات: تقسیم صفات به ثبوتی و سلبی است. صفات ثبوتی را گاهی صفات جمال یا کمال نیز می‌نامند. مقصود از صفات ثبوتی، صفاتی است که دارای معنای وجودی است و در حقیقت کمالی است که سزاوار ذات متعالی خداوند است؛ مانند: علم، قدرت، وحدت، حیات، اراده، ادراک، سمیع و بصیر بودن. اما صفات سلبی که به آن صفات جلالی یا تنزیهی نیز می‌گویند صفاتی است که دارای معنا و مفهوم سلبی و نفی است و در حقیقت نفی و سلب نقص و عیب از ساحت قدس خداوند است؛ مانند: مرکب نبودن، جسم نداشتن، حلول نکردن، محسوس نبودن و ظالم نبودن.

صفات سلبیه خداوند در این یک بیت جمع شده است:

نه مرکب نه مجسم نه مرئی و نه محل   لاشریک است و معانی تو غنی دان خالق

صفت محتاج بودن ریشه تمامی صفات سلبیه است و همه آن صفات برگشت به صفت احتیاج و نیازمندی می کند.

چرا که اگر مرکب از اتمها و یا اجزای ذهنیه چون جنس و فصل و یا اجزای عقلیه چون وجود و ماهیت باشد نیاز مند اجزاء خود خواهد بود. و اگر جسم باشد هر جسمی مرکب از اتمها و اجزا است. و اگر مرئی باشد مرئی بودن بدون جسمیت نخواهد بود.

و اگر محل داشته باشد، محل داشتن خاصیت مادی و جسمانی است.

اگر شریک داشته باشد، در شرکت پای دو امر به میان خواهد آمد: ۱- مشترک   ۲- مختص و تمام این صورت به ترکیب سپس به احتیاج و نیازمندی برگشت دارد.

اما اگر خداوند واجب الوجود باشد، یعنی وجود صرف بدون هرگونه تعین، خود بخود تمامی این صفات از او سلب خواهد شد لذا این صفات را صفات سلبیه نامیده اند.

صفات ثبوتیه و جمال را نیز در یک بیت خلاصه کرده اند:

عالم وقادر و حی است و مرید و مدرک   هم قدیم و ازلی پس متکلم صادق

اصولاً هر پدیده نمایانگر دو چیز است:

۱- نیازمندی به علت: یعنی موجودی وقتی که موجود می شود نیاز به علت دارد.

۲- هر معلول و پدیده در حقیقت بازگو کنندهٔ اوصاف علت خود نیز است؛ یعنی هر صفت و خاصیتی که در معلول پیدا شود، حتماً و باید علت آن صفات و خصوصیات را دارا باشد چرا که عطا کننده یک چیز آنرا باید داشته باشد. و علتی که خود قادر عالم و زنده نباشد چگونه به مخلوقش حیات قدرت و دانایی را بدهد.

پس خداوند وجودی است نا محدود و نا متناهی و هیچ محدودیتی، چه در قسمت حیات و چه در قسمت علم و قدرت .... برای او نمیباشد.

در توضیح نامحدودیت به این داستان توجه کنیم:

پیامبر گرامی اسلام از دنیا رحلت نمود، مرد یهودی بخاطر تحقیق اسلام به مدینه آمد، و از حضرت علی علیه السلام این سؤال را کرد که خدا در کجاست؟

علی علیه السلام در جواب فرمود: روزی حضرت موسی علیه السلام نشسته بود فرشته ای از بالا آمد، موسی علیه السلام سؤال کرد از کجا آمده ای؟ در جواب گفت از نزد خدا، فرشته ای دیگری از جانب راست آمد و فرشته دیگر از جانب چپ و دیگری از پیش روی و پنجمی از پشت سر و حضرت موسی علیه السلام از همه آنها سؤال کرد: از کجا آمده اید؟

همه در پاسخ گفتند از جانب خدا.و این کنایه از این است که خدا در همه جا است و محدود به حدودی خاصی نیست. (فَأَيْنَمَا تُوَلُّواْ فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ) سورهٔ بقره آیهٔ ۱۱۵؛ یعنی به هر طرف که روی بگردانند آنجا خدا را خواهید دید. (نقد و طرح اندیشه ها در مبانی اعتقادی صفحهٔ ۱۵۰-۱۵۴ سید رضی شیرازی).

فصل اول

درس: هفتم

عنوان: صفات خداوند ﷻ

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با برخی از صفات خداوند تعالی.
- شاگردان بتوانند تفاوت بین صفات ثبوتی و سلبی خداوند را بدانند.
- شاگردان مهم ترین صفات خداوند را بتوانند نام بگیرند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند توحید افعالی را تعریف کند؟	- شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا می توانید از صفات خداوند چند مورد را نام ببرید؟ - معلم محترم عنوان درس را به روی تخته می نویسد و با استفاده از دانش لازمی معلومات لازم را در مورد موضوع درس به شاگردان می دهد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های مناسب تقسیم شوند و در گروه در مورد صفات خداوند بحث و گفتگو کنند و نتیجه بحث را برای هم صنفی های خود بگویند. - معلم محترم مهمترین صفات خداوند را که در درس آمده بروی تخته می نویسد و از شاگردان می خواهد که در کتابچه های خود بنویسند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که صفات خداوند را خوب یاد بگیرند. - معلم محترم به روی تخته یک جدول به شکل زیر می کشد و از شاگردان می خواهد که در تکمیل کردن جدول کمک کنند.	- شاگردان گوش داده و در فعالیت ها سهم می گیرند.

صفات	ثبوتی	سلبی
۱- علم		
۲- قدرت		
۳- حیات		
۴- اراده		
۵- قدیم بودن		
۶- خالق بودن		

	– معلم محترم تمام صفاتی که در آخر درس آمده را به همین روش بر روی تخته می نویسد و ثبوتی یا سلبی بودن آن را مشخص می کند.	
۱۰ دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند در مورد صفات خداوند پیش روی همصنفی های خود صحبت نماید؟ • کی می تواند درس را روان و درست بخواند؟ • چه کسی علاقمند است که صفات خداوند را نام ببرد؟ • چه کسی می تواند اهمیت دانستن صفات خداوند را بگوید؟ **خلاصۀ درس:** معلم محترم یکبار دیگر در مورد صفات خداوند که به صفات ثبوتی و صفات سلبی تقسیم شد صحبت می کند و مهم ترین صفات خداوند را نام می برد.	

کار خانه گی:

– شاگردان درخانه درس را خوب بخوانند و مهم ترین صفات خداوند را حفظ کنند و چند مثال در مورد صفات ثبوتی و سلبی در کتابچه های خود بنویسند.

فصل اول

درس هشتم

عنوان: صفات ثبوتی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با صفات ثبوتی خداوند تعالی.
- شاگردان بتوانند تفاوت بین صفات ثبوتی و سلبی خداوند را بدانند.
- شاگردان بتوانند مهم ترین صفات ثبوتی خداوند را نام بگیرند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند صفات خداوند را نام ببرد؟	- شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا می توانید از صفات ثبوتی خداوند چند مورد را نام ببرید؟ - معلم محترم عنوان درس را به روی تخته می نویسد و با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات لازم را در مورد موضوع درس به شاگردان می دهد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های مناسب تقسیم شوند و در گروه در مورد صفات ثبوتی خداوند بحث و گفتگو کنند و نتیجه بحث را برای هم صنفی های خود بگویند. - معلم محترم مهمترین صفات ثبوتی خداوند را که در درس آمده بروی تخته می نویسد و از شاگردان می خواهد که در کتابچه های خود بنویسند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که صفات ثبوتی خداوند را خوب یاد بگیرند. - معلم محترم به روی تخته یک جدول به شکل زیر می کشد و از شاگردان می خواهد که در تکمیل کردن جدول کمک کنند.	- شاگردان خوب گوش می کنند و فعالیت صنفی را انجام می دهند.

صفات ثبوتی	معنا
۱- علم	
۲- قدرت	
۳- حیات	
۴- اراده	
۵- قدیم بودن	
٦- خالق بودن	

	– معلم محترم تمام صفاتی ثبوتی خداوندﷻ که در درس آمده را به همـــین روش بر روی تخته می نویسد و معنای هر کدام را از شاگردان می پرسد.	
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند در مورد صفات خداوند پیش روی همصنفی های خود صـــحبت نماید؟ • کی می تواند درس را روان و درست بخواند؟ • چه کسی علاقمند است که صفات خداوند را نام ببرد؟ • چه کسی می تواند اهمیت دانستن صفات خداوند را بگوید؟ **خلاصهٔ درس:** معلم محترم یکبار دیگر در مورد صفات خداوند که به صفات ثبـــوتی و صـــفات سلبی تقسیم شد صحبت می کند و مهم ترین صفات خداوند را نام می برد.	شاگردان جواب می دهند.

کار خانه گی:

– شاگردان درخانه درس را خوب بخوانند و صفات ثبوتی خداوند را با معنی آن حفظ کنند.

فصل اول

درس نهم

عنوان : صفات سلبی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با صفات سلبی خداوند تعالی.
- شاگردان بتوانند تفاوت بین صفات ثبوتی و سلبی خداوند را بدانند.
- شاگردان بتوانند مهم ترین صفات سلبی خداوند را نام بگیرند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند صفات ثبوتی خداوند را نام ببرد؟ - معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا می توانید از صفات سلبی خداوند چند مورد را نام ببرید؟	- شاگردان گوش داده و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم عنوان درس را به روی تخته می نویسد و با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات لازم را در مورد موضوع درس به شاگردان می دهد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های مناسب تقسیم شوند و در گروه در مورد صفات ثبوتی خداوند بحث و گفتگو کنند و نتیجه بحث را برای هم صنفی های خود بگویند. - معلم محترم مهمترین صفات سلبی خداوندﷻ را که در درس آمده بروی تخته می نویسد و از شاگردان می خواهد که در کتابچه های خود بنویسند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که صفات سلبی خداوند را خوب یاد بگیرند. - معلم محترم به روی تخته یک جدول به شکل زیر می کشد و از شاگردان می خواهد که در تکمیل کردن جدول کمک کنند.	- شاگردان گوش داده و مطابق رهنمایی استاد عمل می کنند.

صفات سلبی	معنا
۱- نه مرکب	
۲- نه مجسم	
۳- نه مرئی	
۴- نه محل	
۵- لاشریک	

	– معلم محترم تمام صفاتی سلبی خداوندﷻ که در درس آمده را به همین روش بر روی تخته می نویسد و معنای هر کدام را از شاگردان می پرسد.	
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند در مورد صفات خداوند پیش روی همصنفی های خود صحبت نماید؟ • کی می تواند درس را روان و درست بخواند؟ • چه کسی علاقمند است که صفات خداوند را نام ببرد؟ • چه کسی می تواند اهمیت دانستن صفات خداوند را بگوید؟ **خلاصهٔ درس:** صفات سلبی صفاتی اند که در ذات خداوند راه ندارد .این صفات را«صفات سلبیه » یا «صفات جلال » می گویند؛ چون ذات اقدس خداوندی از آ نها منزه است.	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند.

کار خانه گی:

– شاگردان درخانه درس را خوب بخوانند و صفات سلبی خداوند را با معنی آن حفظ کنند.

معلومات تکمیلی

بحث عصمت دراصول عقاید اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، چون بدون آن نمی توان یک جهان بینی روشن و بدون نقص ارایه کرد. زیرا در جهان بینی از مبدأ و مقصد عالم و راهی که برای رسیدن انسان به مقصد وجود دارد، بحث می شود و بدون عصمت، هرگز راهی «تضمین شده» و مطمئن وجود نخواهد داشت، به این ترتیب تمام ارکان جهان‌بینی متزلزل خواهد بود. این گونه است که در مباحث اعتقادی و به ویژه در بحث راه شناسی و راهنما شناسی، عصمت وسائط و راهنمایان (انبیا، ائمه، فرشتگان) موقعیت خاصی پیدا می کند.

قرآن کریم، این موضوع را مورد عنایت قرار داده و گاهی به طور صریح و گاه ضمنی و تلویحی مورد بحث قرار داده است.

تعریف عصمت

عصمت در لغت به معنای حفظ و نگهداری و منع است. گفته می شود «عصم اللّه فلانا من المکروه» ای حفظه و وقاه یعنی خداوند فلانی را از مکروه حفظ کرده (عصمه) یعنی او را حفظ کرد و نگهداشت. در تعریف اصطلاحی آن نیز گفته می‌شود:«عصمت عبارت است از ملکه‌ی اجتناب از گناه و خطا» واژه‌ی عصمت به همین معنا در قرآن استعمال شده است. از جمله می فرماید: یا أیّها الرّسول بلّغ ما اُنزل إلیک من ربّک وإن لم تفعل فما بلّغت رسالته واللّه یعصمک من النّاس إنّ اللّه لایهدی القوم الکافرین. (مائده، ۶۷/۵) ای پیامبر آن چه از خداوند بر تو نازل شده است، به خلق برسان که اگر نکنی رسالتت را تبلیغ نکرده‌ای و خداوند تو را از شرّ مردم حفظ می کند و نگه می دارد، حتماً خداوند گروه کافر را هدایت نمی کند.

ملاحظه می شود که واژه‌ی «یعصمک» به مفهوم« نگاه می دارد» و «حفظ می‌کند»، به کار رفته است و در آیه‌ی دیگری آمده است: قل من ذاالّذی یعصمکم من اللّه إن أراد بکم سوءاً أو أراد بکم رحمهً ولایجدون لهم من دون اللّه ولیّا ولا نصیرا. (احزاب، ۳۳/ ۱۷) (ای پیامبر) به آنها بگو: اگر خدا نسبت به شما اراده‌ی شرّ کند و یا اراده‌ی رحمتی، کیست که شما را در برابر اراده‌ی خدا حفظ کند؟ (و چه کسی می تواند از اراده‌ی خدا منع کند؟) و هرگز غیر خدا از مردم یاوری وکمک کاری نمی یابند.

تعریف اصطلاحی عصمت

در تعریف دیگر عصمت را می‌توان گفت: «عصمت عبارتست از آن‌چه انسان را از گناه و اشتباه مصون می‌دارد». این تعریف حاوی نکات لازم و قابل یاد آوری است:

نکات تعریف

۱- گناه عبارتست از ترک واجب یا فعل حرام. بنابراین ترک و فعل امور مباح (در بعض موارد) و یا فعل مکروه و یا ترک مستحب خلاف عصمت محسوب نمی‌شود، بلکه به اصطلاح «ترک اولی» است، و لطمه‌ای برعصمت معصوم نمی‌زند.



۲- مصونیت از خطا و گناه مطلق است چه عمدی باشد و چه سهوی، چه قبل از نبوت و امامت باشد و چه بعد از آن. هم‌چنین شامل قبل از بلوغ و بعد از آن می‌شود، چنان‌که تمام گناهان را بـه طـور مطلـق شـامل می‌شود، چه کبیره و چه صغیره،

۳- مصونیت غیر از عدم ارتکاب است. توضیح : ممکن است شخصی در طول عمر خود ـ به ویژه اگر کوتـاه باشدـ زمینه‌ی ارتکاب گناه یا وقوع در خطا را پیدا نکند، اما چنین شخصی را معصوم نمی‌گوینـد، چـون در مقابل گناه و اشتباه مصونیت ندارد. چه بسا اگر در شرایط حادّی قرار گیرد مرتکب گناه و خـلاف شـود. بـه عبارت دیگری معصوم کسی است که عدم ارتکاب گناه و خطا در او «تضمین شده» است نه کسی که عمـلاً گناه و اشتباه نکرده باشد.

۴- مراتب پایین‌تر عصمت در انسان‌های عادی نیز وجود دارد، به عبارت دیگر عصمت عبارتـست از مراحـل عالی تقوی، چون انسان با تقوا کسی است که در حد خود گناه نمی‌کند و از اشتباه بـه دور اسـت. در واقـع تقوا وقایه‌ای (سپری) است که شخصی را از گناه و اشتباه حفظ می‌کند. چون بـه انـسان بـا تقـوا وسـیله‌ی تشخیص حق از باطل و حرکت در مسیر حق عنایت می‌شود، قرآن کریم می‌فرماید: إن تتّقوا اللّه یجعل لکم فرقاناً (انفال، ۲۹/۸) اگر تقوای الهی را پیشه کنید برای شما فرقانی (وسیله‌ی تشخیص حـق از باطـل) قـرار می‌دهد.

۵- چنان‌که از این تعریف روشن می‌شود، عصمت دارای دو شاخه است: مصونیت از گناه یا عصمت عملی، و مصونیت از خطا یا عصمت علمی.

معصومین کیانند؟

از نظر قرآن کریم چهار گروه دارای عصمت می‌باشند که عبارتند از: ملائکه، پیـامبران، ائمـه و بعـضی افـراد خاص مانند حضرت زهرا (س) و حضرت مریم علیها السلام، در مورد دو دسته از معصومین، یعنـی پیـامبران وامامـان علاوه برقرآن و سایر دلایل نقلی، براهین عقلی روشن و متقنی نیز می‌توان اقامه کـرد. در ذیـل بـه بررسـی دلایل عصمت پیامبران علیهم السلام می‌پردازیم.

پیامبران

در مورد عصمت انبیا بین متکلمان اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. گروهی مطلقاً عصمت انبیا را قبول ندارند و ارتکاب هر نوع گناهی را بر انبیا جایز می دانند. گروه دیگری ارتکاب گناه را قبل از بعثت جایز می دانند و بعد از آن خیر، و گروهی تنها ارتکاب گناهان صغیره را جایز می دانند، نه کبیـره و عـده‌ای ارتکـاب عمـدی گناه توسط پیامبران را جایز نمی دانند ولی سهوی را بی اشکال می دانند و... ولی شیعه‌ی امامیه به عصمت مطلق پیامبران قائل است، چه قبل از بعثت و چه بعد از آن، چه از صغائر و چه از کبائر، عمدی و یا سهوی.

دلایل عقلی

الف) اعتماد به پیامبر بدون عصمت حاصل نمی شود: پیامبران برای هدایت و ارشاد مردم مبعوث می شوند، به همین دلیل باید مردم آنها را باور داشته و به عنوان هادی بپذیرند، و برای این امر باید پیغمبر مورد وثوق و اعتماد مردم باشد، تا به حرف او گوش فرا دهند و به آن عمل کنند. حال اگر پیامبر مرتکب گناه یا اشتباه شود، اعتماد مردم از او سلب می شود و هر چه بگوید احتمال می دهند اشتباه باشد و هر کار کند گمان می

کنند گناه و انحراف است، در این صورت دیگر برای وجود پیامبر حکمتی باقی نمی ماند، و غرض از ارسال رسل منتفی می شود .

ب) تربیت و ارشاد حقیقی در گرو پاکی و عصمت مربی است: یک مربی در صورتی در کار خود موفق است که به آن‌چه می گوید خود عامل باشد ، در غیر این صورت در کار خود توفیق چندانی نخواهد داشت.

از این رو خدای متعال از این که کسی چیزی را بگوید که خود انجام نمی دهد، به شدت نهی می کند. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ أَن تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف، ۲/۶۱) یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید چرا آنچه را انجام نمی‌دهید، می گویید. این که آنچه را انجام نمی دهید بر زبان جاری کنید نزد خدا (کار بس ناپسندی است و) خشم و غضب شدیدی بر آن مترتّب است.

ج) لزوم اطاعت: لازم است مردم از پیامبران بدون قید و شرط اطاعت کنند. در غیر این صورت وجود پیامبر بی فایده خواهد بود وفلسفه‌ای برای ارسال رسل باقی نمی‌ماند. از سوی دیگر اگر پیامبر معصوم نباشد ممکن است امر به گناه و اشتباه کند، در این صورت اگر از پیامبر اطاعت کند خدا را نافرمانی کرده است و اگر از خدا اطاعت کند، پیامبر را نافرمانی کرده است یعنی مکلّف در تناقض گیر می کند. هم لازم است از پیامبر اطاعت کند و هم لازم است اطاعت نکند و این امر محال است.

دلایل قرآنی

الف) مخلصین از تیررس وسوسه‌ی شیطان به دور و معصومند. پیامبران مخلصند، پس پیامبران معصومند. اینک توضیح مقدمات برهان: شیطان بعد از تمرد از فرمان خدا و رانده شدن از درگاه الهی، تقاضا کرد تا قیامت به او مهلت داده شود و خداوند نیز تا زمان معلومی به او مهلت داد، در این حال چنین اظهار داشت: قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ (حجر، ۳۹/۱۵ ـ ۴۰) شیطان گفت: پروردگارا چنان‌که مرا گمراه کردی، من نیز حتماًدر زمین همه چیز را در نظر آنها (فرزندان آدم) جلوه می دهم تا آنها از یاد تو غافل شوند و حتماً همگی را گمراه خواهم کرد. مگر بندگان پاک و خالص شده تو را. این معنا در سوره‌ی «ص» آیات ۸۲ و ۸۳ نیز آمده است.

از این آیه استفاده می شود که شیطان از گمراه نمودن مخلصین ناامید است و سراغشان نمی رود. زیرا مخلصین کسانی هستند که خالص شده‌اند و صرفاً برای خدا هستند. به طوری که فکر و ذکر و عمل و رفتار آن‌ها همگی برای خدا است و زبان حال آن‌ها این است: قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام،۱۶۲/۶) دیگر جای پایی برای شیطان در وجودش باقی نمانده است. از سوی دیگر قرآن، پیامبران را مخلص معرفی می کند. از جمله: وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ ۚ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ ۚ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (یوسف،۲۴/۱۲) آن زن آهنگ او را کرد و اگر لطف خاص خدا و مشاهده‌ی برهان پروردگارش نبود برحسب میل غریزی او نیز آهنگ آن زن را می کرد، (ولی چنین نشد و لطف خاصِ خدا شامل حالِ او شد). این چنین بدی و فحشا را از او برگرداندیم. زیرا او از بندگان مخلص ما بود.

فصل اول

درس: دهم

عنوان: عصمت پیامبران

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- شاگردان با معنی عصمت آشنا شوند.
- شاگردان بتوانند بیان کنند که چرا پیامبران باید معصوم باشند.

لغات و اصطلاحات

- ویژگی ها: خصوصیات شخصی
- لطف خداوند: بخشش خداوندﷻ

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	- فعالیت مقدماتی - معلم محترم برای ارزیابی درس گذشته سؤالاتی را از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند ۴صفت از صفات سلبی خداوند را نام ببرد؟ - معلم برای ایجاد علاقه در شاگردان از آنها می پرسد که آیا معنی عصمت را می دانید؟ - آیا میدانید پیامبران چرا معصوم اند؟ - معلم محترم در ابتدای درس با استفاده از معلومات تکمیلی درباره معنی و مفهوم عصمت با شاگردان به گفتگو میپردازد. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که به نوبت درس را با صدای بلند بخوانند. - معلم محترم به حل مشکلات درسی شاگردان پرداخته و شاگردان را جهت فهم درست عصمت انبیاء کمک می نماید. - معلم محترم درباره عصمت انبیاء از شاگردان سؤال می کند و به سؤالات آنها جواب می دهد.	- شاگردان به دقت حرفهای معلم را می شنوند وبه سؤال ها جواب میدهند. -شاگردان گوش نموده ودر تمامی فعالیت ها سهم میگیرند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • عصمت به چه معنی است کی گفته می تواند؟ • کدام یک از شما دربارۀ عصمت انبیاء می تواند توضیح دهد؟ • اهمیت داشتن عصمت برای پیامبران را کی توضیح می دهد؟ **خلاصۀ درس:** عصمت، یک دارايي و لطف خداوندي است و به این معنا است که پیامبران الهي، به عنوان	• شاگردان جواب می دهند.

	راهنماها و الگوهاي انسان هاي ديگر، هرگز گناه نمي كنند؛ كار اشتباه را انجام نمي دهند و دُچار خطا و فراموشي نمي شوند؛ زيرا آن ها پیامبران الهی هستند و پیام خداوند متعال را برای هدایت انسان ها می آورند تا مردم راه درست و صحیح را در زندگی پیدا کنند و از گمراهی و بدبختی نجات یابند.	

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را در کتابچه های خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

معجزه

نبوت مقامی شامخ و عظیم است و کسی که به این مقام دست می یابد، نزد مردم مؤمن، محبوبیت و تقدس یافته، اطاعت و پیروی از او، وظیفۀ دینی مردم می شود. از این رو است که قدرت پرستان و فرصت طلبان ممکن است به دروغ ادعای نبوت کنند تا از مزایای ظاهری آن بهره مند شده بر مردم تسلط یابند. همین امر ایجاب می کند که بدانیم از چه راههایی میتوان به صدق گفتار کسی که مدعی پیامبری است، پی برد، برای پی بردن به صدق ادعای پیامبری سه راه وجود دارد:

۱- جمع قراین

یکی از راه های پی بردن به صدق ادعای پیامبری آن است که محیط دعوت، سابقۀ زنده گی، خصوصیت های اخلاقی، محتوای پیام، و سایر امور مربوط به کسی را که مدعی نبوت است مورد بررسی قرار داده، از طریق جمع آوری قراین و شواهد، راستی گفتار او را بسنجیم.

۲- معرفی پیامبر پیشین

اگر کسی که پیامبری او به هر دلیلی برای ما ثابت و مسلم است، خبر داده باشد، که پس از من پیامبری با ویژه گیهای چنین و چنان از طرف خداوند مبعوث می گردد، و تمام آن ویژه گیها بر فرد مورد نظر منطبق باشد، برای همه کسانی که به پیامبر سابق ایمان دارند و از این بشارت آگاه اند، تردیدی نمی ماند که آن فرد، پیامبر خداوندﷻ است.

۳- معجزه

پیامبران الهی عموماً برای اثبات نبوت خویش معجزه آورده اند، و از آیات قرآن کریم استفاده می شود.که مردم از پیامبرﷺ در خواست معجزه می کردند و هرگاه این درخواست شما به انگیزۀ حقیقت جویی بود، پیامبر آنرا پاسخ میدادند، البته در بسیاری از موارد نیز مشرکان برای تمسخر، سرگرمی و انگیزه های نا درست دیگر، پس از اتمام حجت از سوی پیامبر و روشن شدن حقانیت او، دوباره معجزه می طلبیدند. طبیعی است که در این موارد، به خواست آنان اهمیتی داده نمیشد و معجزه ای تازه ای ظهور نمی کرد.

تعریف معجزه:

معجزه اسم فاعل اعجاز است که در لغت بمعنای (ناتوان یافتن) و (ناتوان ساختن) است.

لسان العرب- ابن منظور- مادۀعجز

و در اصطلاح عبارت است از: امر خارق العاده ای که به ارادۀ خداوند از کسی که مدعی پیامبری است، سرمیزند.

(کشف المراد- خواجه نصیرالدین طوسی صفحه ۳۵۰).

میدانیم که پدیده های که در جهان روی می دهند بر دو دسته اند: ۱- امور عادی ۲- امور خارق العاده.

۱- امور عادی، یعنی اموری که تحقق آن از راه علل و اسبابی است که با آزمایشها و بررسی های گوناگون تجربی قابل شناسایی می باشد.

۲- امور خارق العاده و غیرعادی، یعنی پدیده ها ی که نمی توان همه علل و اسباب آنها را از راه آزمایش ها و بررسی های حسی شناسایی کرد، بلکه شواهدی وجود دارد که در پیدایش آنها نوعی دیگری از علل و عوامل مؤثر است. و معجزه از این قبیل حوادث است.

امور خارق العاده نیز دو گونه اند:

۱- اموری که هرچند علل و اسباب عادی ندارند، اما اسباب غیرعادی آنها، کم و بیش دست نیافتنی است و می توان با آموزش ها و تمرین های ویژه به آنها دست یافت، مانند کارهای مرتاضان.



۲– اموری که تحقق آن مربوط به اذن خاص خدا است و اختیار آن هرگز به دست کسانی که تحت هدایت الهی نیستند، سپرده نمی شود. به همین سبب، این امور دارای دو ویژگی اساسی هستند:

۱– آن که قابل تعلیم و تعلم نیستند.

۲– تحت تاثیر نیروی قوی تر قرار نمی گیرند، و مغلوب عامل دیگری نمی شوند. چنین کاری هرگاه از کسی که مدعی پیامبری است، سرزند معجزه نامیده می شود و دلیل برصدق ادعای او خواهد بود.

(درس نامه عقاید– علی شیروانی صفحه ۱۵۰–۱۵۲)

سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که: چگونه می شود از یک قطعه سنگ که انسان آنرا با دست خود بر میدارد چشمه ها جاری شود؟ آیا محال به ممکن تبدیل می شود؟ آیا شئ از لاشئ و یا زیاد از کم به وجود میاید؟ اگر انسان زمین را هزاران متر چقور بکند، باوجود این اگر آب در آنجا نباشد، آب بیرون نخواهد آمد؟

نه، پس چگونه ممکن است، از سنگی که هیچ اثری از آب در آن وجود ندارد، آب بجوشد؟

جواب که علم و طبیعت، مطلقاً نمی تواند این حادثه را تفسیر کند. معجزه از مسایل عادی زنده گی بالاتر است. جز سخن خدای توانا که به هرچیز میگوید: موجود شو، پس موجود می شود. (وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ). سوره انعام آیه ۷۳، هیچ توجیه دیگری برای آن وجود ندارد. کاملاً همانند شکافته شدن دریا و ایستادن آب آن همچون کوه، نازل شدن من و سلوی (غذای مخصوص) از آسمان، سرد و سلامت شدن آتش بر ابراهیم، زاده شدن عیسی بدون پدر و زنده شدن مردگان به دست او آفریدن او و پرنده را از گِل و حوادثی از این قبیل.

بنابر این کسی که به خدا و قدرت او ایمان دارد، به همان اکتفا می کند، و کسی که منکر قدرت او است لجاجت می کند، چگونه با اینکه او منکر بوده واصل قدرت خداوند را انکار می کند، ما با او درباره پیامبران و معجزات آنها سخن بگوییم.

در این جا شایسته است کلامی را از ملا صدرای شیرازی بیاوریم فیلسوف بزرگی که صدها سال پیش از ما زنده گی می کرد، زمانی که نه ابزار علمی وجود داشت و نه ازمایشگاه، او در تفسیر این آیه چنین می گوید: ماده عنصری است که قابلیت دارد که تا بی نهایت به صورتهای مختلف و پی درپی در آید، بنابر این ممکن است که برخی از اجزای سنگ به آب تحول پیدا کند. **(تفسیر کاشف جلد ۱ صفحه ۲۳۷–۲۳۸ علامه محمد جواد مغینه).**

فصل اول

درس: یازدهم (بخش اول)

عنوان: معجزه

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شاگردان با معنی معجزه آشنا شوند.

– آشنایی با انواع معجزات پیامبران.

– شاگردان بتوانند بیان کنند که چرا پیامبران به همراه خود معجزه می آوردند.

لغات و اصطلاحات

معجزه : عاجز کننده ساحران : جادو گران

سحر : جادو

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم برای ارزیابی درس گذشته سؤالاتی را از شاگردان پرسان می کند: – کی می تواند معنی عصمت را بیان کند؟ – معلم برای ایجاد علاقه در شاگردان از آنها می پرسد که آیا معنی معجزه را می دانید؟	– شاگردان به دقت حرفهای معلم را می شنوند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	– آیا با معجزات پیامبران آشنایی دارید؟ – معلم محترم در ابتدای درس با استفاده از معلومات تکمیلی درباره معنی و مفهوم معجزه برای شاگردان به گفتگو میپردازد. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که به نوبت درس را با صدای بلند بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دربارۀ معجزه ۳سطر بنویسند. – معلم محترم به حل مشکلات درسی شاگردان پرداخته و شاگردان را جهت نوشتن دربارۀ معجزه کمک می نماید. – معلم محترم از شاگردانی که نوشته های خود را تمام کرده اند می خواهد که آنرا پیش روی صنف بخوانند. – معلم محترم درباره معجزه از شاگردان سؤال می کند و به سؤالات آنها جواب می دهد. – معلم محترم نوشته های شاگردان را اصلاح می کند و آنان را مورد تشویق قرار می دهد. – معلم محترم وقت بیشتری را در اختیار شاگردان کم جرأت می گذارد تا	– شاگردان دقیق گوش نموده و مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کنند.

	آنها با روحیهٔ خوب نوشته های خود را بخوانند.	
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • معجزه به چه معنی است کی گفته می تواند؟ • کدام یک از شما نوشتهٔ خود را دربارهٔ معجزه دوباره می خواند؟ • آیا تا حال کار باور نکردنی که کسی انجام داده باشد دیده اید، آن کارها با معجزه به نظر شما چی فرق دارد؟ • اهمیت داشتن معجزه برای پیامبران را کی توضیح می دهد؟ **خلاصهٔ درس:** هر پیامبری که از طرف خداوندﷻ فرستاده شده است دارای معجزاتی بوده اند، کارهایی که مردم عادی توان انجام آنرا نداشته اند و مردم از هرکسی که ادعای پیامبری می کرد معجزه می خواستند.	• شاگردان جواب می دهند.

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را در کتابچه های خود بنویسند.



تبدیل شدن آتش به گلستان

معجزه حضرت ابراهیم علیه‌السلام

فصل اول

درس: یازدهم (بخش دوم)

عنوان: معجزه

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با انواع معجزات پیامبران.

– شاگردان دربارۀ این که چرا پیامبران دارای معجزه هستند معلومات بدست آورند.

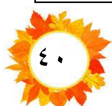
- شاگردان با معجزات حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، بیان داستان، سؤال و جواب

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم برای ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – کی گفته می تواند که معجزه به چه معنا است؟ – معلم محترم توجه شاگردان را به درس جلب نموده و پرسان می کند: – کی گفته میتواند چرا پیامبران دارای معجزه بودند؟ – کی گفته میتواند حضرت موسی علیه‌السلام و حضرت عیسی علیه‌السلام چه معجزات داشتند؟ – معلم محترم جهت علاقمندی شاگردان به درس دربارۀ حضرت موسی علیه‌السلام و معجزات آن پیامبر الهی صحبت می کند حضرت موسی یکی از پیامبران الهی بود که دارای کتاب می باشد، نام کتاب او تورات می باشد. حضرت موسی برای هدایت قوم بنی اسرائیل مبعوث گردیدند، تورات یکی از کتاب های آسمانی است که مورد تحریف قرار گرفته است و تورات واقعی نیست. حضرت موسی برای هدایت بنی اسرائیل زحمات فراوان کشیدند. – در دوران حضرت موسی علیه‌السلام جادوگری رواج فراوانی داشت از همین خاطر معجزۀ آن حضرت این بود که عصای خود را وقتی بر زمین می انداخت تبدیل به اژدها می شد و جادوی جادوگران را باطل می ساخت، حضرت موسی علیه‌السلام هنگامیکه اراده می کرد دستش را در گریبان خود نموده و وقتی بیرون می آورد دستش مثل مهتاب (ماه) می درخشید. – نام مادر حضرت عیسی مریم است، حضرت عیسی وقتی که به دنیا آمد در گهواره با مردم سخن می گفت و به یکتا بودن خداوند شهادت می داد. حضرت عیسی علیه‌السلام مردگان را به امر خداوند یگانه زنده میکرد و یکی دیگر از معجزات او این بود که از گِل پرنده می ساخت و سپس آنرا به هوا می	 – شاگردان به حرفهای معلم محترم گوش فرا می دهند و جواب می دهند. – شاگردان به دقت گوش می دهند و مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کنند.



	انداخت و آن گِل تبدیل به پرنده واقعی می شد. حضرت عیسی علیه‌السلام روزی به درخواست یاران خود از خداوند غذا طلبید و به امر خدا سفره ای با انواع غذاهای بهشتی از طرف خدا نازل گردید. – معلم محترم در ابتدا درس را ابرای شاگردان می خواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را به نوبت با صدای بلنـــد بخوانند.	
۱۰ دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی می تواند یکی از معجزات حضرت موسی را بیان کند؟ • آیا علاقه دارید درباره پیامبران الهی بیشتر بدانید؟ • چه کسی می تواند یکی از معجزات حضرت عیسی را بیان کند؟ • چه کسی درس را با صدای بلند می خواند؟ • چه کسی خلاصهٔ زنده گی حضرت عیسی علیه‌السلام را میگوید؟ • اهمیت آشنایی با زنده گی پیامبران چیست؟ **خلاصهٔ درس:** حضرت موسی علیه‌السلام برای هدایت قوم بنی اسرائیل مبعوث گردیدند، اژدهـــا شدن عصا، درخشیدن دستش از معجزات آن پیامبر بوده است. حـــضرت عیسی علیه‌السلام برای هدایت قوم بنی اسرائیل مبعوث گردیدند، ایشان مرده ها را زنده می کرد، از گل پرنده می ساخت و آن پرواز می کرد و خداوند سفرهٔ بهشتی برایش فرستاد.	• شاگردان جواب مـــی دهند.

کار خانه گی:

۱– شاگردان در مورد معنی معجزه و از آن جمله معجزه حضرت موسی علیه‌السلام با اعضای فامیل خود صحبت نمایند.

نام پیامبر	معجزه
حضرت موسی علیه‌السلام	۱– ۲– ۳–
حضرت عیسی علیه‌السلام	۱– ۲– ۳–
حضرت محمد صلی‌الله علیه وآله وسلم	۱– ۲– ۳–

۲– شاگردان می توانند به دلخواه خود معجزات دیگری از سایر پیامبران را نوشته و برای هم صنفان خود بخوانند.



معلومات تکمیلی

چنانچه در درس گذشته بیان شد، که یکی از مهم ترین راههای اثبات نبوت آن است که مدعی نبوت معجزه بیاورد و از این طریق، ارتباط خاص خود را با خدا برای مردم روشن سازد.

اما پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ معجزات فراوانی برای بشر نشان داده است از قبیل سخن گفتن سنگ ریــزه هــا در دســتان مبارکش، شهادت دادن گرگ به رسالت او، انشقاق قمر، حرکت کردن درخت به سوی او و باز گشتن آن به محل اولیه، و پیشگویی های بسیار دربارهٔ حوادث آینده.

(دلایل النبوة جلد ٦ صفحه ١٣-٢٦٨ و بحار الانوار جلد ١٧ صفحه ٣٥٥-٣٩٤) .

اما یکی از معجزات مهم که پیامبر از طرف خداوند برای بشر آورده است قرآن می باشد، و هیچ کسی دیگــری غیــر از پیامبر نمی تواند مانند قرآن را برای بشر بیاورد، که حتی خود قرآن با صراحت و قاطعیت تمام، اعلام میدارد که هــیچکس توان آوردن کتابی همانند آنرا ندارد، و حتی اگر همهٔ آدمیان و جنیان با یکدیگر همکاری کنند قدرت چنین کاری را نخواهد داشت.

(قُل لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَن يَأْتُواْ بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لاَ يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا).

سوره اسراء آیهٔ ۸۸.

و نه تنها قدرت بر آوردن کتاب کاملی مثل کل قرآن را ندارند بلکه قدرت بر آوردن ده سوره و حتی یک ســورهٔ کوچــک راهم نخواهند داشت. (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ). **سورهٔ هود آیه ۱۳ و در سورهٔ یــونس در آیــهٔ ۳۸** میفرماید: (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ). اینکه کافران می گویند قرآن از سخنان و بافته های محمد است.، بگــو اگر راست می گویید شما هم یک سورهٔ کوچک را همانند سخنان محمد بگویید و بیاورید.

سپس با بیشترین تأکیدات، همگان را مورد تهدید قرار داده و به مبارزه طلبیده و عدم قدرت ایشان را بر چنین کاری، دلیلی بر خدایی بودن این کتاب و رسالت پیامبر گرامی اسلام ﷺ دانسته است. چنانچه در سورهٔ بقره آیه ۲۳ میفرماید:

وَإِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُواْ بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُواْ شُهَدَاءكُم مِّن دُونِ اللّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. پس جای شک نیست که این کتاب شریف، ادعای معجزه بودن خودش را دارد و آورنده این کتاب، آنرا بعنوان معجــزهٔ جــاودانی و برهان قاطع بر پیامبری خودش، به همه جهانیان و برای همیشه، عرضه داشته است. و هم اکنون بعد از گذشتن چهارده قرن، این ندای الهی هر صبح و شب بوسیله فرستنده های دوست و دشمن، بگوش جهانیان می رسد و حجت را بر آنان تمام مــی کنند. از سوی دیگر میدانیم که پیامبر اسلامﷺ از نخستین روز اظهار دعوتش، با دشمنان سرسخت و کینه تــوزی مواجــه شد، که از هیچ گونه تلاش و کوششی برای مبارزه با این آئین الهی، کوتاهی نکردند و پس از نومید شدن از تأثیر تهدیــدات کمر به قتل آنحضرت بستند، که با تدبیر الهی، این توطئه هم با هجرت شبانه و مخفیانه آن بزرگوار به سوی مدینه خنثی شد.

بنابر این، هر فرد عاقلی که جویای حقیقت باشد با توجه به این نکات، یقین خواهد کرد که قرآن کریم، کتابی استثنایی و غیر قابل تقلید است، و هیچ فرد یا گروهی با هیچ آموزش و تمرینی، نمی تواند مانند آنرا بیاورد؛ یعنی همه ویژه گیهــای یــک معجزه (خارق العاده بودن، الهی و غیر قابل تقلید بودن، و بعنوان دلیلی بر صحت نبوت ارائه شدن) را دارا است. و از ایــن روی، بهترین دلیل قاطع بر صدق دعوت پیامبرﷺ و دین مقدس اسلام می باشد.

و از بزرگترین نعمتهای الهی بر جامعهٔ انسانی همین است که این کتاب شریف را به گونه ای نازل فرموده که همیــشه بــه صورت معجزهٔ جاودان باقی بماند و دلیل صدق و صحتش را با خودش داشته باشد.

اکنون که اجمالاً و سربسته دانستیم که قرآن مجید، سخن الهی و اعجاز آمیز است، به توضیح بعضی از جهات اعجاز آن می پردازیم.

۱- فصاحت و بلاغت قرآن:

نخستین وجه اعجاز قرآن کریم، شیوایی (فصاحت) و رسایی (بلاغت) آن است، یعنی خدای متعال برای بیان مقاصد خـــود، در هر مقامی شیواترین و زیبا ترین الفاظ، و سنجیده ترین و خوش آهنگ ترین ترکیباتی را به کار گرفته که بهترین و رساترین وجه معانی مورد نظر رابه مخاطبین می فهماند. و گزینش چنین الفاظ و ترکیبات مناسب و هماهنگ با معانی بلند و دقیـــق، برای کسی میسر است که احاطهٔ کامل بر همهٔ ویژه گیهای الفاظ و معانی و روابط متقابل آنها داشته باشـــد و بتوانـــد بـــا درنظرگرفتن همگی اطراف و ابعاد معانی مورد نظر و رعایت مقتضیات حال و مقام، بهترین الفاظ و عبارات را انتخاب کند، و چنین احاطه و علمی بدون وحی و الهام الهی برای هیچ انسانی فراهم نمی شود.

اساساً حکمت و عنایت الهی، اقتضا دارد که معجزهٔ هر پیامبری متناسب با علم و هنر رایج در آن زمان باشد تـــا امتیـــاز و برتری اعجاز آمیز آن را بر آثار بشری، به خوبی درک کنند چنانچه امام هادی علیه السلام در پاسخ (ابن سُکیت) که پرسید: چرا خدای متعال، معجزهٔ حضرت موسی علیه السلام را ید بیضاء و اژدها کردن عصا و معجزهٔ حضرت عیسی علیه الـــسلام را شفاء دادن بیماران، و معجزه پیامبر اسلام ﷺ را قرآن کریم قرار داد؟ امام در جواب فرمود: هنر رایج در زمان حـــضرت موسیعليه‌السلام سحر و جادو بود از این روی، خدای متعال معجزهٔ آن حضرت را شبیه کارهای آنان قرار داد، عجز و نـــاتوانی خود شان را از آوردن مانند آن دریابند. هنر رایج زمان حضرت عیسیعليه‌السلام فن داکتری بود از این روی، خدای متعال معجزهٔ آنحضرت را شفا دادن بیماران علاج ناپذیر، قرار داد تا جهت اعجاز آنرا به خوبی درک کنند. اما هنـــر رایـــج در زمـــان پیامبرﷺ سخنوری و شعر سرایی بود از این جهت، خدای متعال قرآن کریم را بازیبا ترین اسلوب، نازل فرمود تـــا برتـــری اعجاز آمیز آنرا باز شناسند. و بزرگترین سخن شناسان آن عصر مانند ولید بن مغیرهٔ مخزومی و عتبه بن ربیعه و طفیـــل ابـــن عمرو، به نهایت فصاحت و بلاغت قرآن و برتری آن بر شیواترین سخنان بشری، گواهی دادند.

سیرهٔ ابن هشام جلد ۱ صفحه ۲۹۳-۴۱۰

۲- امی بودن آورندهٔ قرآن کریم:

قرآن کریم، کتابی است که با وجود کوچکی نسبی حجم، مشتمل بر انواعی از معارف و علوم و احکام و قوانین فـــردی و اجتماعی است. و بررسی کامل هر دستهٔ از آنها نیازمند به گروههای متخصصی است که در طول سالیان دراز، به تحقیـــق و تلاش علمی دربارهٔ آنها بپردازند و تدریجاً رازهای نهفته آنرا کشف کنند و به حقایق بیشتری دست یابند هرچند کشف همـــه حقایق و اسرار آن، جز بوسیلهٔ کسانی که دارای علم الهی و تأیید خدایی باشند میسر نخواهد بود.

این مجموعهٔ گوناگون که شامل ژرف ترین و بلند ترین معارف، ووالاترین و ارزشمند ترین دستورات اخلاقی، و عادلانه ترین و استوار ترین قوانین حقوقی و جزایی، و حکیمانه ترین مناسک عبادی و احکام فردی و اجتماعی، و سودمند ترین مواعظ و اندرزها، و آموزنده ترین نکات تاریخی، و سازنده ترین شیوه های تعلیم و تربیت، ودر یک جمله حاوی همه اصول مورد نیاز بشر برای سعادت دنیا و آخرت است با اسلوبی جدید وبی سابقه، درهم آمیخته شده، بگونه ایکه همهٔ اقشار جامعه بتوانند به فرا خور استعداد شان از آن بهره مند شوند.

فراهم آوردن همهٔ این معارف و حقایق در چنین مجموعه ای، فرا تر از توان انسانهای عادی است، ولی آنچه بر شـــگفتی آن میافزاید این است که این کتاب عظیم بوسیلهٔ یک فرد درس نخوانده و تعلیم ندیده که هرگز قلمی بروی کاغذ نکشیده و در محیط دور از تمدن و فرهنگ، پرورش یافته بود، عرضه شد. و عجیبتر آنکه در زنده گی چهل سالهٔ قبل از بعثتش، نمونه ای از این سخنان، از وی شنیده نشده بود و در دوران رسالتش هم آنچه را بعنوان وحی الهی، ارائه می کرد اســـلوب ویـــژه و هماهنگ و موزونی داشت که کاملاً آنرا از دیگر سخنانش متمایز می ساخت و تفاوت آشکار میان این کتاب باسایر ســـخنان وی مشهود و محسوس بود.

۳- هماهنگی و عدم اختلاف:

قرآن کریم کتابی است که در طول بیست و سه سال دوران رسالت پیامبر گرامی اسلام که دوران بحرانی و پُر ماجرا و توأم بافراز و نشیبها و حوادث تلخ و شیرین فروان بود نازل گردید، ولی این دگرگونیهای عجیب تأثیری در انسجام مطالب و شیوهٔ اعجاز آمیز آن نگذاشت. و همین هماهنگی و یک نواختی آن از نظر شکل و محتوا، جهت دیگری از جهت اعجاز به شمار می رود که مانند دوجهت دیگر در خود قرآن به آن اشاره شده است چنانچه میفرماید: (أَفَلاَ يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُواْ فِيهِ اخْتِلاَفًا كَثِيرًا). سوره نساء آیه ۸۲

آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمینگرند تا بر آنان ثابت شود که از طرف خداوند است، و اگر از جانب غیر خداوند بود، در آن اختلاف زیاد دیده می شد.

پس نتیجه می گیریم که هماهنگی و عدم اختلاف در مضامین قرآن و در سطح بلاغت اعجار آمیز آن نشانهٔ دیگری از صدور این کتاب شریف، از منبع علم ثابت و نا متناهی خدای متعال است.

(آموزش عقاید صفحه ۲۶۱-۲۶۷ آیت ... مصباح یزدی).

فصل اول

درس: دوازدهم

عنوان: معجزات رسول گرامی اسلام

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با معجزهٔ بزرگ پیامبر اسلام: قرآن کریم

– شاگردان معجزات پیامبران الهی را کاملاً یاد بگیرند

- شاگردان با یکی از نشانه های نبوت انبیاء آشنا شوند.

لغات و اصطلاحات

– جاوید : همیشگی   شق القمر: دو نصف شدن مهتاب

روش تدریس:

انفرادی، گروهی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی – معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سؤال از شاگردان ارزیابی می کند:	– شاگردان به حرفهای معلم محترم گوش فرا می دهند.
۳۰دقیقه	– معجزات حضرت عیسیعليه‌السلام را چه کسی گفته می تواند؟ – معلم محترم برای ایجاد انگیزه از شاگردان می پرسد که معجزات پیامبر گرامی اسلام چیست و مهم ترین معجزه آن حضرت ﷺ کدام است؟ – معلم محترم از شاگردان می پرسد که موضوع درس امروز ما چیست و آنگاه موضوع و عنوان درس را روی تخته می نویسد. – معلم محترم درس را با صدای بلند برای شاگردان میخواند و از شاگردان می خواهد که تکرار کنند. – معلم محترم از چند شاگرد می خواهد که درس را بخوانند. – معلم محترم محتوای درس را برای شاگردان با کمک معلومات تکمیلی توضیح می دهد و سپس از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم از شاگردان دربارهٔ درس سؤالاتی را مطرح می کند و شاگردان را به تفکر دربارهٔ معجزات حضرت پیامبر دعوت می کند. – معلم محترم با ذکر معجزات سایر پیامبران دربارهٔ معجزات حضرت محمدﷺ صحبت می کند و بیان می کند که قرآن معجزهٔ جاودان رسول خدا است که برای هدایت ما مسلمانان فرستاده شده است.	– شاگردان سؤالاتی را که در ذهن دارند از معلم محترم پرسان می کنند و در فعالیت صنفی سهم می گیرند.

۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را می خواند؟ • چه کسی دربارهٔ معجزات پیامبر اسلام صحبت می کند؟ • آیا علاقه دارید دربارهٔ بزرگترین معجـزهٔ پیـامبر معلومـات بیشتری کسب کنید؟ • اهمیت بلند بودن ارزش قرآن کریم در چه چیز نهفته است؟ **خلاصهٔ درس:** زهرا و لطیفه دربارهٔ نشانه های پیامبر اسلام گفتگو کرده، لطیفه داشتن معجزه را یکی از نشانه های پیامبران الهی می گوید و دربارهٔ معجـزه بودن قرآن علاوه می کند که پیش گویی های علمی زیادی در قـرآن وجود دارد.	• شاگردان جواب می دهند.

کار خانه گی:

– معلم محترم از شاگردان می خواهد ۳ سطر در مورد قرآن کریم بنویسند.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

درمیان تمام انبیاء، تنها پیامبر بزرگوار اسلام است که جزئیات تاریخ زنده گی او به روشنی ثبت و ضبط شده که افتخار بزرگی برای مسلمانان به شمار میرود، زیرا زنده گی سایر انبیاء مدتی بعد از آن بزرگواران، با تحریفات فراوان و همراه با انواع تهمت ها نوشته شده است.

مناسب است گوشهٔ از سیرهٔ آن پیامبر عزیز را در اینجا ذکر کنیم زیرا آشنایی با سیره و روش زنده گی و اخلاق فردی و اجتماعی آن بزرگوار برای همه مردم بدون استثنا مفید است.

عبادت پیامبر:

چون پاسی از شب میگذشت رسول خدا از بستر بر می خواست و پس از وضونمودن و زدن مسواک و تلاوت چند از آیات قرآن کریم، در گوشه ای به عبادت می پرداخت و اشک می ریخت. بعضی از همسران آن بزرگوار او را به این حال میدیدند می گفتند: تو که گناهی نداری چرا اینقدر اشک می ریزی؟ در جواب می فرمود: آیا بندهٔ شاکر خدا نباشم؟

ام سلمه می گوید: شبی پیامبر در خانه من بود، نیمه شب، او را نیافتم به سراغش شتافتم، دیدم در تاریکی ایستاده، دستها را بلند کرده، اشک می ریزد و می گوید: خدایا هرچه نعمت به من داده ای از من مگیر، دشمنم را خشنود مکن، به بلا هایی که مرا از آنها نجات دادی گرفتارم مکن، حتی به اندازهٔ چشم به هم زدنی مرا به خودم وامگذار. به او گفتم پدر و مادرم فدایت شوند، شما که بخشوده شده ای فرمود هیچ کس از خدا بی نیاز نیست. حضرت یونس لحظه ای به خودش واگذار شد، در شکم ماهی زندانی شد. **بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۲۱۷**

چون ماه مبارک رمضان می رسید، پیامبر همه بردگان خود را آزاد می کرد.

به هنگام نماز می لرزید و هرگاه نماز را به تنهایی میخواند رکوع و سجود آنرا طول میداد، ولی هرگاه با مردم به جماعت نماز میخواند بسیار عادی و ساده برگذار می کرد. به یکی از یارانش که امام جماعت سایر مسلمانان شده بود سفارش فرمود: هرگاه با مردم به نماز میایستی سعی کن بعد از حمد سوره کوچکی را قرائت کنی و نماز را طول ندهی.

زهد پیامبر:

روزی پیامبر ﷺ دوازده درهم به حضرت علی علیه السلام داد و فرمود: لباسی برای من تهیه کن علی به بازار رفت و لباسی به همان قیمت تهیه کرد و خدمت رسول اکرم آورد. پیامبر فرمود: اگر لباس ارزانتر و ساده تر بود بهتر بود. اگر فروشنده حاضر است لباس را به او برگردان. حضرت علی علیه السلام لباس را برگرداند و پول را پس گرفت و خدمت پیامبر ﷺ برگشت. رسول خدا ﷺ با علی علیه السلام به سوی بازار راه افتادند، در راه کنیزی را دیدند که گریه می کند، از حالش جویا شدند. گفت: چهار درهم پول برای خرید جنس به من داده اند ولی پول را گم کرده ام و اکنون می ترسم که به خانه برگردم. پیامبر چهار درهم از دوازده درهم را به او داد و آنگاه به بازار رفتند و پیراهنی به قیمت چهار درهم خریدند.

هنگام باز گشت برهنهٔ را دیدند، لباس را به او بخشیدند و دوباره به بازار برگشته و پیراهن دیگری خریدند. در راه باز گشت به منزل دوباره همان کنیز را دیدند که ناراحت است از او سؤال کردند که چرا باز نگشته است در جواب گفت که چون برگشتن به خانه طول کشیده می ترسم مرا بزنند. پیامبر بزرگوار اسلام همراه کنیز به منزل صاحبش رفت، صاحب خانه به احترام تشریف فرمایی پیامبر کنیز را بخشید و او را آزاد نمود. رسول گرامی اسلام فرمود: چه دوازده درهم بابرکتی که دو برهنه را پوشاند و یک بنده را آزاد کرد. **بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۲۱۵**

یک نفر یهودی چند درهم از پیامبر طلب داشت . روزی مطالبه کرد ولی پیامبر چیزی نداشت که به او پرداخت نمایند، یهودی گفت همین جا در پهلوی تو میمانم تا بدهی خود را بپردازی، و پیامبر را در پهلوی (کنار) خود نگهداشت. ظهر شد مردم، نماز ظهر را خواندند، عصر هم گذشت و وقت نماز مغرب و عشا فرا رسید و آن یهودی، همچنان عملاً پیامبر را

بازداشت کرده بود. مردم از رفتار آن مرد یهودی عصبانی شدند اما پیامبر فرمود: ما حق ظلم نداریم. این رفتار پیامبر باعث شد، تا آن مرد یهودی به خاطر صبر، متانت و خوش اخلاقی پیامبر مسلمان شد و مقداری از مال خود را نیز در راه خدا داد و گفت: این کار من نسبت به رسول خدا جنبهٔ آزمایشی داشت نه جسارت.

رفتار پیامبر با مخالفان:

پیامبر سخنان مخالفان را چنان گوش میداد که خیال می کردند پیامبر ﷺ زود باور و سراپا گوش است،
«وَيِقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ » سوره توبه آیه ٦١ ولی در عمل هرگز تحت تاثیر گفته ها و سوگند های آنها قرار نمی گرفت.
در سال هشتم هجری پیامبر گرامی اسلام وقتیکه مکه را فتح نمود و بت ها را درهم کوبید، پس از فتح مکه سخت ترین دشمنان خود را عفو نمود، حتی کافری را که به تهیه غذای مسمومی توطئه قتل رسول خدا را چیده بود بخشید. یکی از سران بت پرست بنام صفوان که از قبیلهٔ بنی امیه بود به شهر جده که در چند فرسخی مکه است فرار کرد، برخی نزد رسول خدا ﷺ ، آمدند و برای او امان نامه ای در خواست کردند، پیامبر عمامهٔ خود را برای او فرستاد تا با این نشانه در امان باشد و به مکه وارد شود صفوان از جده برگشت و خدمت پیامبر رسید و گفت: دو ماه به من مهلت دهید تا فکر کنم پیامبر ﷺ چهار ماه به او مهلت داد. صفوان در بعضی آمد و رفت ها همراه و در کنار پیامبر ﷺ قرار می گرفت جذب این مکتب و رهبر شد و با اختیار اسلام را پذیرفت.

اعرابی و رسول اکرم ﷺ:

عرب بیابانی و وحشی داخل مدینه شد و یکسره به مسجد آمد تا از رسول خدا سیم و زری بگیرد. در هنگامی وارد شد که رسول اکرم در میان انبوه اصحاب و یاران خود بود. حاجت خویش را اظهار کرد و از پیامبر درخواست چیزی را کرد، رسول اکرم مقدار کمی از آن چیزی را که خواسته بود به او داد، ولی او قانع نشد وآنرا کم شمرد، به علاوه سخن رکیک و زشتی را به زبان آورد و نسبت به رسول خدا جسارت کرد. اصحاب و یاران پیامبر ﷺ سخت در خشم شدند و چیزی نمانده بود که او را لت و کوب نمایند، ولی رسول خدا ﷺ مانع آنان شد.
رسول خدا اعرابی را به خانه برد و مقدار دیگر به او کمک نمود، وقتیکه مرد اعرابی وضعیت رسول خدا را دید که وضع پیامبر به رؤسا و حکامی که تا کنون دیده شباهت ندارد و مانند آنان دارای سیم و زر نیستند، از رسول گرامی اسلام اظهار رضایت و تشکر نمود. در این وقت رسول خدا ﷺ به او فرمود: تو دیروز سخن زشت را به زبان راندی و موجب خشم اصحاب و یاران من گردید. من می ترسم از ناحیهٔ آنها به تو آسیبی برسد. ولی اکنون در حضور من این کلمه تشکر آمیز را گفتی، آیا ممکن است همین جمله را در حضور جمع بگویی تا خشم و ناراحتی که آنان نسبت به تو دارند از بین برود؟ مرد اعرابی گفت مانعی ندارد.

روز دیگر مرد اعرابی به مسجد آمد، در حالیکه همه اصحاب جمع بودند، رسول اکرم ﷺ رو به جمعیت کرد فرمود:
این مرد اظهار میدارد در مقابل آن جسارتی که دیروز کرده بود عذر خواهی می کند، آیا چنین است؟ مرد اعرابی گفت: بلی چنین است و همان کلمهٔ تشکر آمیز را نسبت خدمتی که رسول خدا به وی کرده بود در حضور اصحاب تکرار نمود، و اصحاب و یاران رسول خدا همگی خوش وخندان شدند.
در این هنگام رسول خدا ﷺ رو به جمعیت کرد و فرمود: مثل من و این گونه افراد، مثل همان مردی است که شترش رمیده بود و فرار می کرد، مردم به خیال اینکه به صاحب شتر کمک کنند فریاد کردند و به دنبال شتر دویدند. آن شتر بیشتر یاغی شد و فرار نمود، صاحب شتر مردم را صدا زد و گفت خواهش می کنم کسی به شتر من نزدیک نشود، من خودم بهتر میدانم که از چه راه شتر خود را رام کنم.

همینکه مردم را از تعقیب باز داشت، رفت و یک مشت علف بر داشت و آرام آرام در حالیکه علف به دستش بود به طـــرف شتر می رفت، بدون اینکه نعره ای بزند و فریادی بکشد و بدود، بعد با کمال سهولت مهار شتر خویش را در دست گرفـــت و روان شد.

اگر دیروز من شما را آزاد گذاشته بودم حتماً این اعرابی بدبخت به دست شما کشته شده بود و در چه حالی بدی کشته می شد، در حال کفر و بت پرستی، ولی مانع دخالت شما شدم و خودم با نرمی و ملایمت او را رام کردم.

«کحل البصر صفحه ۷۰ به نقل از داستان راستان مجموعهٔ آثار ۱۸ صفحه ۲۰۹–۲۱۰ مرتضی مطهری».

فصل اول

درس: سیزدهم

عنوان: نبی رحمت

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با شخصیت و زنده گی پیامبر گرامی اسلام.

– شاگردان دربارۀ رفتار و اخلاق پیامبر اسلام آگاهی بدست بیاورند.

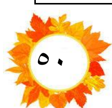
– شاگردان با زحمات زیادی که آن حضرت برای گسترش اسلام انجام داده اند آشنا شوند

روش تدریس:

انفرادی، سؤال و جواب

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	فعالیت مقدماتی – معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سؤال ارزیابی می کند: – معجزه چیست؟ – معجزه جاویدانه پیامبر اسلام چیست؟ – معلم محترم برای ایجاد انگیزه در شاگردان از آنان می پرسد: در باره زنده گی حضرت محمد ﷺ چه می دانید؟ – معلم محترم عنوان درس را روی تخته نوشته و درس را برای شاگردان با صدای بلند می خواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم از چند تن از شاگردان می خواهد که به نوبت پیش روی صنف آمده و درس را با صدای بلند بخوانند و دیگران تکرار نمایند. – معلم محترم به شاگردان وقت کافی می دهد که اگر سؤالاتی داشتند از او پرسان نمایند.	– شاگردان به حرفهای معلم محترم توجه می کنند و جواب می دهند. – شاگردان گوش داده و به رهنمایی استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی می تواند درس را درست بخواند؟ • چه کسی آیه ای را که در درس آمده معنی می کند؟ • آیا علاقه دارید درباره زنده گی حضرت محمدﷺ بیشتر بدانید؟ • اهمیت آشنایی با رفتار و اخلاق پیامبر اسلام در چیست؟	• شاگردان جواب می دهند.



	خلاصهٔ درس: حضرت محمد ﷺ شخص بی نهایت مهربان بودند، او بـــرای اینکـــه مردم زیادتری مسلمان شوند زحمت زیاد می کشیدند، ایشان هیچ گاه دست از تبلیغ اسلام بر نداشتند. و همواره انسانها را بـــه راه راســـت هدایت می نمودند.	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که دربارهٔ زنده گی پیامبر اسلام معلومات بدست بیاورنـــد و خلاصـــهٔ آن را در ۳سطر در کتابچه های خود بنویسند.

معلومات تکمیلی برای معلم:

بنام خداوند بخشنده و مهربان

امام محمد باقرعلیه‌السلام در اول ماه رجب سال۵۷ هجری قمری بنا به روایت بسیاری از مورخان و در سوم ماه صفر سال ۵۷ هجری قمری بنابه روایت بیشتری از نویسنده گان تاریخ در مدینهٔ منوره از دامن مادری بنام فاطمه دختر امام حسن از تبار امام حسن مجتبی بدنیا آمد.

امام محمد باقرعلیه‌السلام اولین علوی است که از جانب پدر و مادر علوی و فاطمی نسب می باشد.

مادر آن بزرگوار در طهارت و پاکی بی بدیل بود، و در پاکی به مرحله ای رسیده است که خاندان پیامبر ﷺ از آن به عنوان صدیقه یعنی راستگو یاد می کنند. آن هم پاکی و برتری که همانند ندارد. **كانَتْ صِدّيْقَةٌ لَمْ تُدْرِكْ فى آلِ الْحَسَّنِ اِمْرأةٌ مِثلَها.**

اصول کافی باب مولد ابی جعفرعلیه‌السلام حدیث اول.

وی صدیقه ای می باشد که در تبار امام حسن مجتبی زنی همانند وی نیست.

ستایش با این لقب زیبا همان ستایشی است که قرآن از مادر پاک حضرت مسیح، یعنی مریم مینماید، «**وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ**».

سوره مائده آیه ۷۵.

یعنی مادر حضرت مسیح پاک و صادق است.اما پدر آن بزرگوار حضرت امام زین العابدین می باشد که در جایش دربارهٔ زنده گی آن بزرگوار بحث شده است.

نام امام محمد باقر:

بی تردید نام نیک برخاسته از فرهنگ غنی و پربار است. افراد آشنا با فرهنگ غنی همواره در گزینش نام برای کودکان این جهت را از نظر دور نمی دارند. به همین خاطر نام گرامی امام محمد باقر نیز ده ها سال پیش از ولادتش از جانب خداوند توسط پیامبر انتخاب شده است. همان گونه که جابر بن عبدالله انصاری صحابی بزرگ پیامبرﷺ نقل می کند که رسول خدا به وی بشارت داده بود که به زودی، فرزندی از فرزندان مرا ملاقات خواهد نمود که همنام من و ملقب به لقب زیبای باقر العلوم میباشد. **يُوْشِكُ اَنْ تَبْقىٰ حَتّٰى تَلْقىٰ وَلَدًا لى مِنَ الْحُسَّيْنِ يُقالُ لَهُ مُحُمْدٌ يَبْقَرُ عِلْمُ الّدِيْنِ بقراً.** امید است تو زنده بمانی تا یکی از فرزندان حسینم را ملاقات کنی که نامش محمد است، وی دانش دین را شگوفا می سازد.

ارشاد جلد ۳ صفحه ۱۵۹

امام محمد باقرعلیه‌السلام: در زمان هشام بن عبدالملک زمامدار ستمگر اموی در سال ۱۱۴ هجری قمری در سن ۵۷ سالگی توسط زهری که به او داده به شهادت می رسد. «امام باقرعلیه‌السلام الگوی زنده گی، حبیب الله احمدی صفحه ۱۹–۳۱»

حضرت امام صادقعلیه‌السلام در روز هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سه هجری قمری در مدینه منوره از دامن مادری بنام ام فروه متولد شد. پدر آن بزرگوار امام محمد باقرعلیه‌السلام می باشد.

مادر امام صادقعلیه‌السلام نامش فاطمه ملقب به (ام فروه) دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر است. مادر ام فروه نیز اسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر است. این خانم از دو جانب به حضرت ابوبکر صدیق(رض) متصل می گردد. و از امام صادقعلیه‌السلام نیز روایت است: **وَلَّدَنىْ ابوبكر مَرَتَيْن.** ابوبکر دوبار مرا متولد ساخت. **طبقات الکبری جلد ۵ صفحه ۹۵**

ام فروه سرآمد زنان روزگار بود، خانه اش محل رفت و آمد زنان مدینه در امور دینی بود. وی زنی با شرافت و با جاه و جلال بود. به همین خاطر امام صادقعلیه‌السلام را ابن المکرمه یعنی فرزند زنی با جاه و جلال می نامیدند.

امام صادقعلیه‌السلام در دوران دو جریان متضاد اموی و عباسی زنده گی می کردند، جریان اول هم زمان بود با خلافت پنج تن از خلفای بنی امیه یعنی هشام ابن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد معروف به مروان حمار، آخرین خلیفهٔ بنی امیه . جریان دوم همزمان بود با دو تن از خلفای بنی عباس یعنی عبدالله بن محمد، معروف به سفاح اولین خلیفه عباسی و برادرش منصور دوانیقی.

در دوران سراشیبی سلطهٔ حاکمان اموی جریانهای اجتماعی و فرهنگی از هرسو آنان را محاصره نموده بود. یکی از جریانهـــای مهـــم اجتماعی همان تشکل همسویی اهل بیت علیهم السلام بود که موجب شکوفائی فرهنگی شد. امام باقرعليه‌السلام از فرصت پـــیش آمـــده بخوبی بهره برد و فقه و فرهنگ تشیع را شکوفا ساخت.

زمانی که دوران امامت امام صادق فرا رسید وی از دگرگونی اوضاع سیاسی بهترین بهره را برد و بزرگترین پوهنتون علمی در آنزمان دایر کرد که در آن بیش از ۴هزار شاگرد درس می خواندند.

این تلاش ها از دو بعد توسعه یافت، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی، از لحاظ کمی بیش از چهار هزار نفر در مدرسه فقهـــی و فرهنگی امام صادقعليه‌السلام گردهم آمده بودند و از محضر امام بهره می برند. این افراد گروه گروه در موضوعات گوناگون مانند علوم اعتقادی، فقهی، حقوق، طب، نجوم، ستاره شناسی، فیزیک و کیمیا بهره مند می شدند.

فقه و فرهنگ در مدرسه امام صادقعليه‌السلام آن گونه بارور و شکوفا گردید که بیشترین نگاه فقهی و فرهنگی را سخنان امام صادقعليه‌السلام شکل می دهند و این امر تا آنجا پیش میرود که مذهب تشیع و پیروان امام صادق را «مذهب جعفری» عنوان داده اند.

اکنون که چهارده قرن از زمان امام صادقعليه‌السلام سپری شده است تمام مدرسه های فقهی شیعه به پشتوانه احادیث امام صادقعليه‌السلام دایر می باشند. بسیاری از مدارک و احکام فقهی از سخنان امام باقرعليه‌السلام و فرزند برومندش امام صادقعليه‌السلام تأمین می شوند.

از هیچ امامی به مقدار امام صادقعليه‌السلام سخن و سند در حوزه فقه و فرهنگ اسلامی باقی نمانده است.

در مدرسه امام صادق افراد و شخصیتهای علمی زیادی پرورش یافت که هر کدام آنها سهم به سزایی در رشد و شـــکوفایی فرهنـــگ اسلامی داشتند که به طور نمونه به چند تای آنها اشاره می گردد:

محمد بن مسلم، زراره، ابان بن تغلب، نعمان بن ثابت (ابوحنیفه (رض)) مالک بن انس، ابن ابی لیلا، ابن ابی العوجأ، واصل بن عطا، سفیان ثوری، سفیان بن عینیه، حفص بن سالم، یحیی بن سعید، ابن جریح، شعبة بن الحجاج، ابوایوب سجستانی، روزاعـــی، اعمـــش، حسن بصری، داود ظاهری، ابوثور، قطان، محمد بن اسحاق و ...

به علاوه مردان، زنان هم از محضر امام صادقعليه‌السلام استفادهٔ علمی زیادی برده اند که به طور نمونه اشاره می گردد:

ام الحسن، سالهة، ام سعید، ام ولد، مغیره، قنواء، غینمه، جده، حماده، اباب، سعیده.

«امام صادقعليه‌السلام الگوی زنده گی- حبیب الله احمدی- صفحه ۱۸۰-۲۵۰»

سرانجام امام صادقعليه‌السلام در سن ۶۵سالگی در سال ۱۴۸هجری قمری به شهادت رسید و ایشان در قبرستان بقیع مدفون می باشند.

حضرت امام موسی کاظمعليه‌السلام: روز یکشنبه ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری قمری در محلی بنام ابواء میان مکه و مدینه چشم به جهـــان گشود، پدر آن بزرگوار امام صادقعليه‌السلام می باشد. و مادر آن بزرگوار حمیده نام داشت حمیده از زنان با فضیلت و مرد آفرین بـــود هنگام معرفی او به فرزند گرامی خود جعفربن محمدعليه‌السلام فرمود: حمیده مثل زر ناب تصفیه شده، از آلودگیها و پلیدی ها پاک است، و این از لطف خدا برمن و امام بعد از من است که پای چنین بانوی پاک دامنی را به خانهٔ من گشود.

گوهر شخصیت این بانوی بزرگ، در خانه ای امام صادقعليه‌السلام بیش از پیش صیقل یافت و در پرتو زنده گی مشترک با آن پیـــشوای بزرگ و استفاده از علوم سرشار آن حضرت، به پایه ای رسید که امام صادق دستور می داد، زنان مسلمان برای فراگرفتن احکـــام و مسایل دینی به این بانوی عالیقدر مراجعه کنند.

امام موسی بن جعفرعليه‌السلام همان راه و روشی را ادامه داد که پدرش در روبرو شدن با اجتماع، بر محور عمل، برنامه ریزی اتخاذ کرده بود. برنامه ریزی فکری و آگاهی دادن عقیدتی و چاره سنجی در روبرو شدن با عقاید منحرف از اصول اساسی حرکت امام موسی بن جعفر بود.

از خطرناکترین تبلیغات زهراگین، تبلیغ افکار الحادی و کفر آمیز بود که تزریق زهر آن با فعالیت و گسترش در دل هـــای نوجوانـــان مسلمان آغاز شده بود، موضع امام موسیعليه‌السلام در برابر این تبلیغات، آن بود که با دلایل استوار در برابر آن بایستد و با پوچی و بـــی مایگی آن به مبارزه برخیزد و دوری آن را از منطق و واقعیت توضیح دهد و عیوب آنرا باز گوید، تا آنجا که گروهی انبوه از پیروان آن عقاید به اشتباه و فساد خط مشی اتخاذی خود اعتراف کردند. به این جهت جنبش امام درخشندگی یافت و قدرت علمی آن منتـــشر

گردید و به گوش های جویندگان علم و فرهنگ رسید. گروهی بزرگی از مسلمانان پیروی از آن کردند، و آنرا پذیرفتند و این امر بر مسؤلان حکومت گران آمد و با آنان با شدت و فشار و شکنجه رفتار کردند و در زمینه های عقیده تی آنان را از گفتگو باز داشتند.

هارون الرشید که به حکم حسادت و مقتضیات سیاست تصمیم گرفته بود موسی بن جعفر علیه السلام را از میان بردارد به هرکس که این کردار زشت و ناشایستهٔ از بین بردن امام را پیشنهاد می داد جز عذر و بهانه و عجز جوابی نمی شنید.

عیسی بن جعفر برادر ملکه زبیده در آن هنگام که در بصره امام موسی کاظم را تحت نظرداشت به هارون الرشیدچنین نوشت: در طول این مدت که ابوالحسن بن جعفر تحت نظر من محبوس است از وی جز علم، عبادت، آرامش و سلوک نیک خصلتی ندیده ام. به امیرالمؤمنین اطلاع میدهم که مراقبت از موسی بن جعفر را در مسؤلیت دیگری قرار دهد و گرنه من وی را با احترام از زندان آزاد خواهم ساخت. به اقتضای همین گزارش بود که هارون الرشید امام کاظم را از بصره به بغداد انتقال داد. در بغداد یحیی بن خالد برمکی و فرزندانش که همه از شخصیتهای منفور بودند و در راه حفظ این شخصیت از هیچ جنایتی رو گردان نبودند با این وصف هیچکدام شان راضی نشدند که امام موسی بن جعفر علیه السلام را مسموم سازند. فقط سندی بن شاهک بود این جنایت را به عهده گرفت، در همان تاریخ یعنی در روز بیست و پنجم ماه رجب سال ۱۸۳هجری قمری در سن ۵٦سالگی بوسیلهٔ خرما (رطب) که مسموم کرده بود به شهادت رسید. و پس از شهادت، پیکر پاک امام موسی کاظم علیه السلام را در محلی بنام مقابر قریش در غرب بغداد به خاک سپردند.

سیردر زنده گی امام موسی کاظم علیه السلام سید محمد صالحی.

امام رضا علیه السلام در یازدهم ذیقعده در سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینهٔ منوره از دامن مادری بنام نجمه به دنیا آمد، نجمه در تقوی و عفاف از بهترین زن عصر خویش بود، ایشان نقل می کند که در دوران بارداری هیچگونه احساس سنگینی در خود نکردم و همینکه بخواب می رفتم، صدای تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند تبارک و تعالی را از شکم خود می شنیدم.

در سال ۱۸۳ هجری بعد از آنکه امام موسی بن جعفر علیه السلام در زندان بغداد به دستور هارون شهید گردید امامت حضرت رضا به مدت ده سال در دوران حکومت وی سپری گردید.

آن عصر اختناق و استبداد و خود کامگی هارون، دوران آزادی نسبی و فعالیت فرهنگی و علمی امام رضا علیه السلام به شمار میرود زیرا هارون در این مدت متعرض امام نمی شد و حضرت آزادانه فعالیت می کرد. شاید علت اصلی این کاهش فشار از طرف هارون الرشید، نگرانی وی از عواقب شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط هارون الرشید بود.

با استقرار مأمون بر سریر خلافت، کتاب زندگانی امام ورق خورد و صفحهٔ تازه ای در آن گشوده شد، صفحه ای که در آن علی بن موسی الرضا علیه السلام سالهایی با اندوه و نا ملایمات بسیاری به سر برد. مأمون نخست از امام به صورتی محرمانه دعوت کرد که همراه با بزرگان آل علی به مرکز خلافت بیاید، امام از قبول این دعوت خوداری ورزید، و از سوی مأمون اصرار و تأکید های فراوانی صورت گرفت و مراسلات و نامه های متعددی رد و بدل شد تا سرانجام امام همراه جمعی از آل ابی طالب به طرف مرو حرکت نمود.

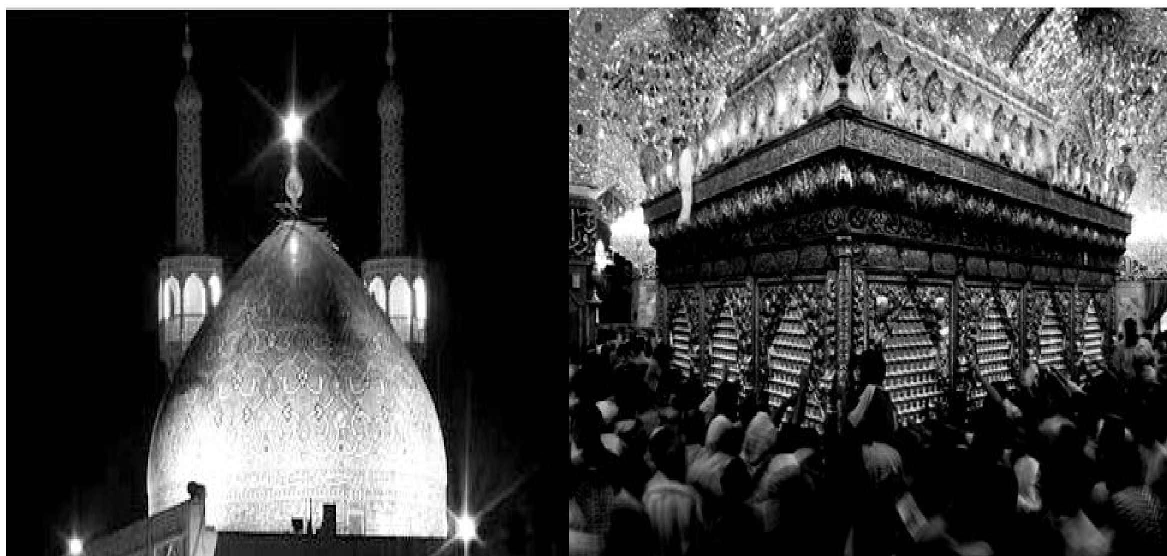
اینکه مأمون امام را به مرو دعوت نمود و ولا یتعهدی را برای او پیشنهاد نمود چند دلیل داشت که اشارتاً بیان می گردد:

۱- فرونشاندن شورشهای علویان
۲- گرفتن اعتراف از علویان مبنی بر اینکه حکومت عباسیان حکومتی مشروع است.
۳- ازبین بردن محبوبیت و احترامی که علویان در میان مردم از آن برخوردار بودند.
۴- کسب اعتماد و مهر اعراب نسبت به خویش.
۵- راضی نگهداشتن عباسیان و هواخواهان شان.
٦- تقویت حس اطمینان و اعتماد مردم نسبت به شخص مأمون، چرا که او با کشتن برادرش، شهرت و اعتماد مردم را نسبت به خود سست کرده بود.
۷- ایجاد مصونیت برای خویشتن در برابر خطری که او را از سوی شخصیتی گرانقدر تهدید می کرد، آری مأمون از شخصیت با نفوذ امام رضا بسیار بیم داشت و میخواست خود را از این خطر در امان نگاه دارد.

سر انجام مأمون امام را توسط زهر در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری در سن ۵۵ سالگی به شهادت رساند، و بعد از شهادت جسد آن امام همام را در سرزمین خراسان به خاک سپرد.

سیمای پیشوایان– مهدی پیشوایی – قسمت زنده گی امام رضا علیه‌السلام





مرقد امام رضا علیه‌السلام

مرقد امام موسی کاظم علیه‌السلام

فصل اول

درس: چهار دهم (بخش اول)

عنوان: امامان خود را بشناسیم

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با زنده گی و شخصیت ائمه اهل بیت علیهم السلام.

– شاگردان با زنده گی امام باقرعلیه‌السلام آشنا شوند.

– شاگردان با زنده گی امام صادقعلیه‌السلام آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، دونفری.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – وقتی کفار قریش از پیامبر خواستند که دست از تبلیغ اسلام بردارند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه فرمودند؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان می پرسد که: – آیا دوست دارید در مورد زندگانی امامان خود آشنایی پیدا کنید؟	– شاگردان به سخنان استاد گوش داده وپاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم تصویر مربوط به درس را که در کتاب راهنمای معلم آمده است به شاگردان نشان می دهد و با استفاده از دانش لازمی معلومات لازم به شاگردان می دهد. – معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که درس را با صدای بلند بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دونفر، دو نفر با یکدیگر درس را مرور کنند و خلاصه درس را خوب یاد بگیرند. و از هر دو نفر، یک نفر آمده و خلاصهٔ درس را بیان کند.	– شاگردان مطابق رهنمایی معلم محترم عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی می تواند دربارهٔ زنده گینامه امام محمد باقر توضیح بدهد؟ • چه کسی می تواند درس را درست بخواند؟ • چه کسی علاقمند است که خلاصهٔ درس را برای هم صنفی های خود بیان کند؟ • کی می تواند بگوید که اهمیت شناخت امامان معصوم در چیست؟	• شاگردان جواب می دهند.

	خلاصهٔ درس: امام محمد باقر فرزند امام سجادعليه السلام می باشد که در سال ۵۷ هجــری در مدینهٔ منوره متولد گردید و در سن ۵۷سالگی در ســال ۱۱۴هجــری بــه شهادت رسید و مرقد این امام در قبرستان بقیع می باشد. امام جعفر صادقعليه السلام فرزند امام محمدباقرعليه السلام است .امام جعفر صادق عليه السلام در هفدهم ربيع الاول سال هشتاد و سوم هجري قمری در شهر» مدينه « متولد شد و در سال ۱۴۸ هجري قمری در سن شصت و پنج سالگي به شهادت رسيد . امام جعفر صادقعليه السلام نيز در «بقيع» مدفون است.	

کارخانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب بخوانند و خلاصهٔ درس را بتوانند توضیح دهند.

کاش....

کـــــاش من یـــک بـــچه آهو می شدم / می دویدم روز و شب در دشت ها

توی کوه و دشت و صحرا روز و شب / می دویـــدم تـــا که می دیدم تورا

کـــاش روزی مــی نشـــستی پیش من / می کشیدی دست خود را بر سرم

شـــاد مـــی کـــردی مـــرا با خنده ات / دوســـت بودی با من و با خواهرم

چـــون که روزی مـــادرم می گفت: تو / دوســـت با یک بچه آهو بوده ای

خـــوش به حـــال بـــچه آهـــویی که تو / تـــوی صحـــرا ضامن او بوده ای!

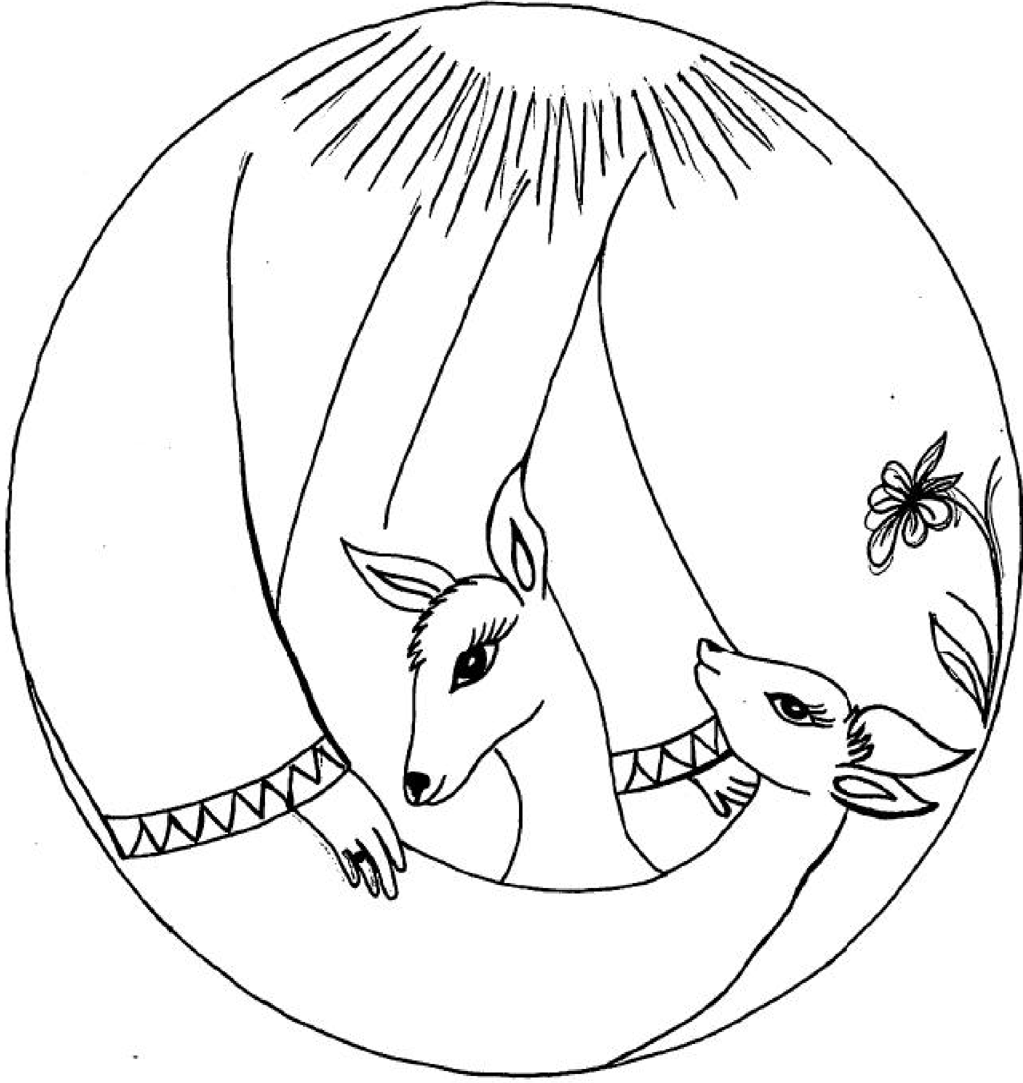
پـــس بیـــا مـــن بـــچه آهـــو می شوم / بـــچه آهـــویی که تنها مانده است

بـــچه آهـــویی کـــه تـــنها و غـــریب / در میان دشت و صحرا مانده است

روز و شـــب در انتـــظارم، پـــس بـــیا / دوســـت شو با من، مرا هم ناز کن

بنـــد غـــم را از دو پـــای کـــوچـــکم / با دو دســـت مهـــر بانـــت باز کن

السَّلامُ عَلَیْکَ یاضامِنِ آهو



فصل اول

درس: چهار دهم (بخش دوم)

عنوان: امامان خود را بشناسیم

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

– آشنایی با زنده گی و شخصیت ائمه اهل بیت علیهم السلام.

– شاگردان با زنده گی و شخصیت امام موسی کاظم علیه‌السلام آشنا شوند.

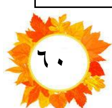
– شاگردان با زنده گی و شخصیت امام رضا علیه‌السلام آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – کی می تواند بگوید که امام محمد باقر علیه‌السلام در چه سالی و در کجا متولد گردیده است؟ – کی می تواند بگوید امام صادق علیه‌السلام در چه سن و در کدام سال به شهادت رسید؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان می پرسد که: – آیا دوست دارید با زنده گی امام موسی کاظم و امام رضا علیه‌السلام آشنایی پیدا کنید؟	– شاگردان به سخنان معلم محترم گوش داده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم عنوان درس را که دربارۀ آشنایی با امام موسی کاظم و امام رضا علیه‌السلام می باشد برروی تخته می نویسد و از شاگردان می خواهد که درس را خاموشانه بخوانند. – معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات لازم را به شاگردان می دهد و دربارۀ امام موسی و امام رضا علیه‌السلام توضیح می دهد. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که با یکدیگر، دو دو نفر گفتگو کنند و خلاصۀ درس را خوب یاد بگیرند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که به پیش روی صنف آمده و خلاصه درس را برای هم صنفی های خود بگویند.	– شاگردان گوش داده ومطابق رهنمایی استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند خلاصه درس را بیان کند؟	• شاگردان جواب می دهند.



	• کی می تواند درس را درست و بدون اشتباه بخواند؟ • چه کسی علاقمند است که در مورد موسی کاظمعلیه‌السلام یک داستان تعریف کند؟ • چه کسی می تواند بگوید که اهمیت آشنایی ما با زنده گی امامان در چیست؟ **خلاصهٔ درس:** امام هفتم ما موسی کاظمعلیه‌السلام است. نام پدر: امام جعفرصادقعلیه‌السلام نام مادر: بانو حمیده سال تولد: هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری قمری سال شهادت: ۱۸۳ هجری در زندان هارون الرشید محل دفن: شهرکاظمین. امام هشتم ما امام رضاعلیه‌السلام است. **نام پدر**: امام موسی کاظمعلیه‌السلام **نام مادر**: نجمه **سال تولد**: ۱۱ ذی القعده، **سال شهادت**: ۲۰۳هجری قمری **محل شهادت:** طوس خراسان (مشهد)	

کارخانه گی:

– شاگردان متن درس را بخوانند وجدول در کتابچه های خود بسازند و در جاهای خالی جواب مناسب را بنویسند.

امام موسی کاظمعلیه‌السلام	در...	به شهادت رسید.
امام جعفر صادقعلیه‌السلام	در سال	متولد گردید.
امام رضاعلیه‌السلام	در	متولد شد
امام محمد باقرعلیه‌السلام	در ..	مدفون گردید.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

یکی از عقایدی که ما مسلمانان داریم مسئلهٔ معاد است، یعنی اعتقاد داریم بر اینکه یک روزی از این جهـــان میـــرویم و در جهان دیگری زنده گی می کنیم.

آیا ما از این جهان میرویم و در سرای دیگری زنده گی می کنیم؟ آیا واقعاً جهان دیگری وجود دارد؟ و آیا واقعاً ما دوبـــاره زنده خواهیم شد؟ و بدن ما بعد از پوسیده شدن و متلاشی شدن، دوباره به صورت اولی باز خواهد گشت؟

برای روشن شدن پاسخ سؤالات، بهتر است که ما به سراغ قرآن رفته و پاسخ آنرا از قرآن که خود خبر از معاد داده اســـت دریافت نماییم.

بیش از یک سوم آیات قرآن کریم ارتباط با زنده گی ابدی دارد، چنانچه از دقت در آیات قرآنی بدست میاید که بخش عمده ای از سخنان پیامبران و بحث ها و جدالهای ایشان با مردم، اختصاص به موضوع معاد داشته و حتی می توان گفت که تلاش آنها برای اثبات این اصل، بیش از تلاشی بوده که برای اثبات توحید کرده اند زیرا اکثر مردم، سرســـختی بیـــشتری بـــرای پذیرفتن این اصل، نشان می دهند، علت این سرسختی را می توان در دو عامل، خلاصه کرد: یکی عامل مشترک در انکـــار هر امر غیبی و نا محسوس و دیگری عامل مختص به موضوع معاد یعنی میل به بی بندوباری و عدم قبول مسئوولیت؛ زیـــرا اعتقاد به معاد و قیامت و حساب، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیتهای رفتاری و خود داری از ظلم و تجاوز و فساد و گناه است، و با انکار آن، راه برای هوسرانیها و شهوت پرستیها و خود کامگیها باز می شود.

قرآن نمونه های زیادی در قسمت وجود معاد در زنده گی دوبارهٔ بعد از مرگ دارد که به چند نمونهٔ آن اشاره می گردد:

خداوند در قرآن در سورهٔ بقره آیه ۲۵۹ دربارهٔ سرگذشت عُزَیزْ پیغمبرمیفرماید: که حضرت عُزَیزْ در حالیکه بـــر مـــرکبش سوار بود و از دهکده ای می گذشت که ویران شده بود، حضرت عُزَیزْ در آنجا ایستاد و به تعجب فرو رفت که اهل ایـــن دهکده چگونه بعد از این وضعیت که هیچ گونه آثاری از آن باقی نمانده است دوباره زنده خواهد شد.

خداوند برای اینکه قدرت و توانایی خویش را برای حضرت عُزَیزْ نشان دهد که چگونه دوباره موجوداتی که مرده است را زنده می کند، حضرت عُزَیزْ را به مدت صد سال می راند (عُزَیزْ به مدت صد سال مرد) و بعد از مدت صدسال دوباره زنده شد، وقتیکه حضرت عُزَیزْ زنده شد خداوند از او سؤال نمود که چه مدتی در اینجا ماندید و درنگ نمودید، حضرت عُزَیـــزْ در جواب عرض کرد که یک روز یا نصف روز در اینجا ماندیم، خداوند در جواب عُزَیزْ فرمود صدسال در اینجا ماندید اگر قبول ندارید به طرف مرکب خود ببین و به طرف غذایت که انگور و انجیر بود و آبی که همراهت بود آب انگور و مقـــدار شیر بود، نگاه کن که هنوز خراب نشده است، ظاهراً اول خود حضرت عُزَیزْ را زنده نمود و بعد از آن مرکبش را چنانچـــه از آیه این طور استفاده می شود و قرائن هم دلالت بر آن دارد چون اول باید حضرت عُزَیزْ زنده شود و ببیند وقتیکه خداوند به او میگوید که شما را میراندم برای آن شاهدی داشته باشد و شاهد بر این امر مرکب شما است و نگاه کنید که چگونه از هم پوسیده شده است و خداوند در پیش چشم حضرت عُزَیزْ گوشت را به استخوانهای پوسیده شده ای الاغش می پوشاند و در پیش چشم عُزَیزْ زنده می شود.

«أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىَ يُحْيِي هَذِهِ اللّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى العِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». **سوره بقره آیه ۲۵۹**

و همچنین در سوره بقره آیه ۲٦۰ دربارهٔ حضرت ابراهیم خلیل الله میفرماید: از خداوند خواست که پروردگارا به من نشان دهید که چگونه خداوند دوباره مردگان را زنده خواهد کرد، خداوند در جواب حضرت ابراهیم فرمود آیا شما مگر قیامت و معاد و زنده شدن دوبارهٔ مردگان را قبول ندارید حضرت ابراهیم در جواب خداوند فرمود چرا! قبول دارم امـــا میخـــواهم مطمئن شوم و قلبم آرام بگیرد.

خداوند در جواب حضرت ابراهیم فرمود: چهار تا از پرنده گان را بگیرید و آنها را بکشید و گوشتهای آنهـــا را در بـــالای چهار کوه بگذارید، و بعد از آن هرکدام آنها را بنام صدا کنید و آنگاه می بینید که خداوند چقدر دانا و توانا است حضرت ابراهیم دستورات خداوند را انجام داد و چهار تا از پرنده گان را گرفت و آنها را کشت و گوشتهای آن ها را درهم کوبیـــد و به چهار قسمت تقسیم نمود و هر قسمت آنرا در بالای کوهی گذاشت و مرغها را بنام صدا زد و آن مرغها زنده شـــدند و به طرف حضرت ابراهیم آمدند.

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَى وَلَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْـرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

سورهٔ بقره آیه ۲٦۰

در سوره قیامت می فرماید قسم به روز قیامت (از اینکه خداوند به روز قیامت قسم یاد کرده است فهمیده می شود کـــه روز قیامت یک روز مهم و با ارزش است و قسم به نفس پرحسرت و ملامت گر. بعد میفرماید آیا انسان گمان می کند کـــه مـــا استخوانهای پوسیده شده و از هم پاشیده شده شانرا دوباره جمع نخواهیم کرد؟ و به صورت اولی در نخواهیم آورد، نه تنها که این کار را می کنیم بلکه حتی خطوط ریز ریز بند انگشتان را هم جمع آوری می کنیم، بدین معنا که خداوند می فرماید: نه تنها استخوان های انسان که بزرگ است جمع آوری می کنیم که حتی کوچکتر از آن را که خطوط بند های انگـــشتان دست می باشد نیز دوباره جمع نموده و به صورت اولی شان در میآوریم.

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ.

سوره قیامت آیه ۱-۴.

از آیاتی که ذکر شد فهمیده می شود که قیامت و معادی وجود دارد و یکبار دیگر بعد از اینکه از این دنیا رفتیم دوباره زنده خواهیم شد و مورد حساب و کتاب قرار می گریم و همچنین این آیات دست رد به سینهٔ کسانی که منکر قیامـــت و معـــاد هستند میزند و ثابت می کند که همان خداییکه بار اول توان خلقت انسان و جهان را دارد و آنان را از هیچ آفریده اســـت، همان خداوند بار دیگر قدرت و توان این را دارد که موجوداتی که از هم پوسیده شده انـــد بـــه صـــورت اولـــی در آورد.

فصل اول

درس: پانزدهم (بخش اول)

عنوان: معاد

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با معنی و مفهوم معاد.
- شاگردان بتوانند معاد را تعریف کنند.
- شاگردان با مفهوم آخرت آشنا شوند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - آیا می توانید توضیح دهید امام موسی کاظم علیه السلام به کجا متولد شد و محل دفنش کجا است؟ - کی میتواند بگوید مرقد مطهر امام رضا علیه السلام کجا است؟	- شاگردان گوش داده جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا تا به حال در مورد روز قیامت فکر کرده اید؟ - معلم محترم در مورد درس با استفاده از معلومات تکمیلی به شاگردان معلومات می دهد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در مورد معاد هر دونفر با یکدیگر بحث و گفتگو کنند و نتیجه بحث و گفتگوی خود را در چند سطر بنویسند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که از هردونفر یک نفر نتیجهٔ گفتگوی خود را پیش روی صنف برای هم صنفی های خود بخواند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خوب یاد بگیرند و در مورد ارتباط بین دنیا و آخرت تفکر کنند. - معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که اگر داستان یا قصه ای در مورد معاد یا روز قیامت یاد دارند برای هم صنفی های خود بیان کنند.	- شاگردان خوب گوش نموده و مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند درس را روان و درست بخواند؟ • کی می تواند معاد را تعریف کند؟ • چه کسی علاقمند است که در مورد ارتباط بین دنیا و آخرت برای هم صنفی های خود صحبت کند؟ • چه کسی می تواند بگوید که اعتقاد داشتن به آخرت چه اهمیتی دارد؟	• شاگردان جواب می دهند.

	خلاصۀ درس: **يكي از اصول دين، اعتقاد به معاد است .معاد يعني اينكه انسانها بعد از مردن دوباره زنده** **مي شوند و تمامي اعمال آنها محاسبه مي گردد .زندگي انسان به اين جهـــان محدود نمي شود** **و خداوند جهان ديگري را نيز آفريده است كه انسان ها بعد از مرگ به آن منتقل مي شوند و** **ما به آن آخرت مي گو ييم.**	

کارخانه گی:

– شاگردان در خانه در مورد معاد و روز قیامت با خانوادۀ خود گفتگو کنند.

فصل اول

درس: پانزدهم (بخش دوم)

عنوان: معاد

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با برزخ و مفهوم آن.
- شاگردان با مفهوم جهان آخرت آشنا شوند.
- شاگردان در مورد بهشت و جهنم معلومات کسب کنند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی، مقایسوی، تمثیلی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزشیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند معاد را تعریف کند؟ - کی می تواند بگوید که آیا زنده گی انسان به این جهان محدود می شود؟ چرا؟	- شاگردان گوش نموده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان می پرسد: - آیا دوست دارید بدانید که در عالم آخرت چه اتفاقی می افتد؟ - معلم محترم عنوان درس را روی تخته می نویسد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند . - معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو نفر گفتگو بین حسن و امام مسجد خود را به روش تمثیلی برای دیگر همصنفی های خود اجرا نمایند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در مورد سؤالاتی که در درس آمده است تفکر کنند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروههای مناسب تقسیم شده و در گروه با یکدیگر دربارهٔ معاد و روز قیامت و عالم برزخ بحث و گفتگو کنند. - معلم محترم از گروه ها می خواهد که از هر گروه یک نفر به پیش صنف آمده و یک سطر در مورد روز قیامت بر روی تخته بنویسند. - معلم محترم یکبار دیگر از گروه ها می خواهد که در مورد بهشت و جهنم هر گروه یک جمله مناسب آماده کنند. - معلم محترم یک جدول بر روی تخته کشیده و نظریات گروهها را در یک جمله در جدول بر روی تخته می نویسد.	- شاگردان گوش داده و مطابق رهنمایی معلم محترم عمل می کنند.

<table>
<tr>
<td></td>
<td>
<table>
<tr><td>گروه</td><td>بهشت</td><td>جهنم</td></tr>
<tr><td>گروه (۱)</td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>گروه (۲)</td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>گروه (۳)</td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>گروه (۴)</td><td></td><td></td></tr>
</table>
– معلم محترم بهترین و خوبترین جمله در مورد بهشت و جهنم را انتخاب کرده و گروه برنده را مورد تشویق قرار می دهد.
</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>۱۰ دقیقه</td>
<td>
ارزشیابی:
• کی می تواند بگوید که جهان آخرت چیست؟
• کی می تواند در مورد اتفاقاتی که در جهان آخرت می افتد توضیح بدهد؟
• چه کسی علاقمند است که در مورد عالم برزخ برای هم صنفی های خود توضیح بدهد؟
• چه کسی می تواند بگوید اهمیت کار های خوب و بد ما در این دنیا چیست؟
خلاصهٔ درس:
وقتی که ما می میریم و از این دنیا به جهان دیگری می رویم که به آن جهان، جهان آخرت می گویند و هرکسی در آن جا نتیجه اعمال خود را می بیند نیکوکاران به بهشت و بدکاران به جهنم می روند.
پیش از رسیدن روز قیامت انسان ها بعد از مردن به عالم انتقال پیدا می کند عالم برزخ نام گذاری شده است.
</td>
<td>• شاگردان جواب می دهند.</td>
</tr>
</table>

کار خانه گی: شاگردان در خانه در مورد معاد و روز قیامت با خانوادهٔ خود گفتگو کنند.

فصل دوم– احکام

معلومات تکمیلی

تیمم

در هفت مورد، به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

۱ – پیدا نکردن آب

۲ – مشقت بیش از حد

۳ – ترس از ضرر

۴ – نیاز به آب برای حفظ جان

۵ – نیاز به آب برای تطهیر

٦ – نداشتن آب مباح

۷ – نداشتن وقت برای وضو یا غسل

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

تیمم به خاک ، ریگ ، کلوخ و سنگ ، اگر پاک باشند، صحیح است .

به آجر و کوزه قبل از پخته شدن نیز صحیح است . تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک قبل از پخته شدن ، صحیح است .

۱ (مرحله اوّل:

عبارت است از همه زمین غیر از رویيدنیها و معادن آن؛ مثل: طلا، نقره، نمک و... بنابراین در مرحله اول می توان با خاک یا ریگ یا کلوخ یا سنگ تیمم کرد، ولی اگر خاک باشد، بهتر است. چیزی که بر آن تیمم می شود، مستحب است گردی داشته باشد که در دست بماند و اگر هیچ کدام از اینها نبود، نوبت به مرحله دوم می رسد.

۲ (مرحله دوم:

عبارت است از گرد و غبار چیزی که تیمم بر آن صحیح است؛ مانند: خاک (نه مانند آرد و...). البته باید دانست که وقتی انسان می تواند به گرد و غبار تیمم کند که نتواند از مجموع آنها خاک تهیه کند والاّ باید خاک تهیه کرده و بر خاک تیمم نماید، چون به مرحله اول بر می گردد ولی اگر نتواند به صورت خاک درآورد، باید بنابر احتیاط واجب، جایی را که گرد و غبارش بیشتر است، مقدم بدارد.

۳ (مرحله سوم:

عبارت است از گِل، و باید دانست که وقتی می توان بر گل تیمم کرد که نتوان آن را خشک کرده و از آن، خاک تهیه کرد و الاّ به مرحله اول بر می گردد؛ البته لازم به تذکر است که تمام این سه مرحله ای که گفته شد، دارای سه شرط هستند، که با دارا بودن تمامی این سه شرط در هر مرحله می توان بر آن تیمم کرد و اما آن سه شرط.:

۱ (پاک باشد.

۲ (با چیزی که تیمم بر آن صحیح نیست مخلوط نباشد؛ مانند: کاه خاک، خاک و خاکستر، مگر اینکه آنچه که مخلوط شده، خیلی کم باشد.

۳ (بنابر احتیاط واجب چیزی که بر آن تیمم می شود، غصبی نباشد.

و اگر هیچ کدام از این سه مرحله را با این شرایط ندارد، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون وضو و تیمم بخواند و بنابر احتیاط واجب بعداً (دوباره) آن را به جا بیاورد.

– اگر بر چیزی تیمم کند، با اعتقاد به اینکه آن از چیزهایی است که تیمم بر آن صحیح است، ولی بعد بفهمد تیمم بر آن صحیح نبوده و یا بر مرحله بعدی تیمم کند و بعد بفهمد وظیفه اش تیمم بر مرحله قبلی بوده، تیمم او باطل است و نمازی که خوانده، اگر در وقت است آن را اعاده و اگر وقت آن گذشته، قضا نماید.

عروهٔ الوثقی، فیما یصح التیمم به، مسأله ۱۲.

– تیمم کردن بر شن و زمین شوره زار، هرگاه نمک روی آن را نگرفته باشد (والاّ جایز نیست) و همچنین بر گودالها و خاکی که روی آن، راه رفته اند و خاک جاده مکروه است و مستحب است که انسان بر زمین بلند غالباً از معرض آلودگی و نجاست مصون است، تیمم نماید.

عروهٔ الوثقی، فی مایصح التیمم به، مسأله ۱۰ و توضیح المسائل، مسأله ۶۸۴، ۶۸۶ – ۶۸۹، ۶۹۲– ۶۹۴.

دستور تیمم

در تیمم ، چهار چیز واجب است :

اول :نیت

دوم : زدن تمام کف دو دست ، با هم ، بر چیزی که تیمم به آن صحیح است و بنابر احتیاط واجب ، همراه با ضربه باشد و گذاشتن دو دست بر زمین کافی نیست

سوم : کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن ، از جایی که موی سر می روید تا ابروها و بالای بینی و بنابراحتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم کشیده شود

چهارم : کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ .

احکام تیمم

تیمم بدل از غسل و بدل از وضو، با هم فرقی ندارند، ولی احتیاط مستحب است در تیمم بدل از غسل ، بلکه در هر تیممی ، بعد از مسح پیشانی ، یک بار دیگر کف دستها را به زمین بزند و پشت دستها را به همین صورتی که گفته شد، با کف دست دیگر مسح کند.

پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد.

انسان باید برای تیمم ، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها، مانعی باشد،مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید بر طرف کند.

●دستور تیمم برای افراد معلول.

کسی که نمی تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد تا او را تیمم دهد و نایب باید اگر امکان دارد اولاً با دستهای خود او، او را تیمم دهد و اگر امکان ندارد، دستهای خودش را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهای او بکشد و اگر نایب، مزد هم بخواهد – حتی به چند برابر اجرهٔ المثل – باید اگر به حالش ضرر ندارد آن را بپردازد و نایب بگیرد و اما کسی که یک دستش قطع شده یا ذراع دارد یا ندارد (یعنی از بالاتر از ذراع دستش قطع شده) اگر ذراع داشته باشد، باید یک دست سالمش را با ذراع دست دیگرش به زمین بزند و به صورتش بکشد و بنابر احتیاط مستحب دوباره با کف دست سالمش تمام پیشانی و دو طرف آن را مسح نماید و بعد با دست سالمش پشت ذراع و با ذراعش پشت دست سالم را مسح کند.

و اما اگر یک دستش سالم باشد و دیگری هم ذراع نداشته باشد، همان کف دست سالم را به زمین بزند و به پیشانی بکشد و بعد پشت دستش را به زمین بکشد و بنابر احتیاط واجب علاوه بر این کار نایب هم بگیرد، به این صورت که دو دستش را با هم به چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و به صورت بکشد و بعد نایب کف دستش را به پشت دست او بکشد.



واما کسی که هر دو دستش قطع شده است، این هم دو صورت دارد: یا ذراعهای او باقی است یا نیست و اگر ذراعها باشـــد، بـــه وسیله دو ذراع مانند دو کف دست تیمم می کند – چون دو ذراع حکم دو کف دست را دارند – و اگر ذراع نـــدارد آن وقـــت پیشانی خود را به زمین کشیده و بنابر احتیاط واجب نایب هم می گیرد.

تحریر الوسیله، ج۱، ص۱۱۰، مسأله ۳، ۴.

▪یادآوری.

۱ (کسی که حدث اکبر از او سرزده است، اگر حدثش جنابت باشد، اگر برای نمازش فقط یک تیمم بکند، کافی اســـت – اگـــر نمی تواند غسل کند – و اما اگر حدث اکبرش غیر از جنابت باشد، باید علاوه بر تیمم وضو هم بگیرد و اگر نمـــی توانـــد وضـــو بگیرد، باید دو تیمم بنماید: یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو.

تحریر الوسیله، ج۱، ص۱۱۲، مسأله ۳.

۲ (آنچه وضو را باطل می کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و آنچه غسل را باطل می کند، تیمم بدل از غـــسل را هـــم باطل می کند، بحثی که هست این است که آیا آنچه وضو را باطل می کند تیمم بدل از غسل را باطل می کند یا نه مثلاً کسی کـــه به خاطر جنابت، تیمم بدل از غسل کرده و بعد حدث اصغری از او سر زده، آیا باید دوباره تیمم کند یا نه، همان تیمم اول کـــافی است و فقط برای نماز باید وضو بگیرد حضرت امام می فرمایند: در این مسأله دو قول است.:

۱ (تیمم بدل از غسل را باطل می کند؛.

۲ (باطل نمی کند؛ ولی طهارت او را از بین می برد.

که قول اول مشهورتر است، ولی قول دوم قوی تر است. بنابراین به فرمایش ایشان، شخص جنب اگر بعد از تیمم بـــدل از غـــسل حدث اصغر از او سربزند، مثل کسی است که بعد از غسل حدث اصغر از او سرزده باشد و فقط باید برای نماز وضـــو بگیـــرد و همچنین زن حائضی که غسل حیض کرده، اگر حدث اصغر از او سر بزند،فقط وضو یا تیمم بدل از وضوی او را از بین می بـــرد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در جنب جمع کند بین تیمم بدل از غسل و وضو اگر امکان دارد – البته در صورتی کـــه نمـــی تواند وضو بگیرد – و اگر امکان ندارد یک تیمم به نیّت مافی الذمه انجام دهد و اما غیر جنب احتیاطاً دو تا تیمم کند: یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

تحریرالوسیله، ج۱، ص۱۱۲، مسأله ۵.

۳ (کسی که بجای غسل یا وضو تیمم می کند تا وقتی که تیمم و عذر او باقی است به حکم شخص طاهر است و تمـــام کارهـــایی که شرطش طهارت بود، می تواند انجام دهد، مگر اینکه تیممش به خاطر تنگی وقت یا نماز میّت یا تیمم برای خوابیدن بـــا وجـــود دسترسی به آب باشد که با این تیممها نمی تواند دست به خط قرآن بزند و یا اگر جنب است، نمی تواند سوره هایی را که ســـجده واجب دارد، بخواند و یا داخل مسجد شود؛ البته حضرت امام در مورد تیمم به خاطر تنگی وقت، احتیاط واجب دارند.

عروهٔ الوثقی، احکام تیمم، مسأله ۹.

۴ (اگر مسّ قرآن بر انسان واجب شود، تیمم واجب است و اما اگر مباح (جایز) باشد، تیمم برای مسّ آن مشروع نیـــست؛ ولـــی اگر برای هدف دیگری تیمم کند، می تواند دست به خط قرآن بزند.

عروهٔ الوثقی، احکام تیمم، مسأله ۳۳.

۵ (در مواردی که باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو، مانند: حائض و نفساء و کسی که مسّ میّـــت کـــرده و... بهتر است تیمم سومی هم به قصد پاک شدن بنماید، بدون توجه به بدلیّت از وضو و یا غسل؛ زیرا احتمال دارد یـــک تـــیمم بیشتر مطلوب نباشد (از باب تداخل) و اگر به وسیله تیمم دو قصد مافی الذمه کند، از تیمم سومی کفایت می کند.

فصل دوم- احکام

درس: شانزدهم

عنوان: احکام تیمم

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با احکام تیمم.
- شاگردان بتوانند متن درس را درست بخوانند.
- شاگردان بتوانند در صورت ضرورت تیمم را صحیح انجام دهند.

لغات و اصطلاحات:

مختصری: کمی

روش تدریس:

انفرادی، گروهی.

مواد ممد درسی:

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم با طرح سؤالات زیر درس گذشته را ارزیابی می کند. - کی می تواند مفهوم معاد را توضیح دهد؟ - معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان میپرسد که: - طهارت برای نماز و انجام اعمالی دینی به چند طریق صورت می گیرد؟	- شاگردان به دقت گوش می کنند وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	- بعد از دریافت جواب معلم محترم در مورد معنی کلمه تیمم برای شاگردان توضیح می دهد و عنوان درس را روی تخته می نویسد. - سپس شاگردان را متوجه درس نموده با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. - معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا خاموشانه درس را بخوانند. و بعد از چند شاگرد می خواهد تا به نوبت درس را بخوانند. - معلم محترم به گروه های درسی هدایت می دهد تا متن درس را بایکدیگر بخوانند و تیمم کردن را به طور صحیح یاد بگیرند. - معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند تا تمام شاگردان در فعالیت صنفی مشارکت نمایند. - معلم محترم از هر گروه یک نفر را خواسته تا پیش صنف آمده و درس را توضیح دهند. - معلم محترم شاگردان را کمک و راهنمایی می کند و آنان را تشویق می نماید.	- شاگردان گوش نموده و با رهنمایی استاد به فعالیت گروهی می پردازند.



۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را درست بخواند؟ • کدام یک از شما می تواند کلمه تیمم را تعریف نماید؟ • به نظر شما آگاهی از تیمم چه اهمیتی دارد؟ **خلاصهٔ درس: در تیمم چند کار واجب است** **اول:** نیت. دوم : زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. سوم :کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جا یي که موی سر میروید تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست ها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم :کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعـــد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.	- شاگردان به دقت گـــوش می کنند وجواب می دهند.

کارخانه گی:

- شاگردان درس را خوانده و در ۵ سطر خلاصه کنند.

درس: هفدهم

عنوان: چیز های که تیمم بر آن ها جایز است

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

- آشنایی با چیز های که تیمم بر آن ها جایز است
- شاگردان متن درس را درست بخوانند.

لغات و اصطلاحات:

روش تدریس:

انفرادی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان می پرسد که: - کی می تواند بگوید در تیمم چه چیز های واجب است؟	- شاگردان گوش نم.ده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم برای ایجاد انگیزه در شاگردان برای یادگیری بهتر درس از آنان می پرسد که: - تیمم بر چه چیز های جایز و صحیح است؟ - معلم محترم بعد از دریافت جوابات مختلف شاگردان عنوان درس را روی تخته نوشته و شاگردان را متوجه کتاب درسی کرده و درس را با صدای بلند می خواند و با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات بیشتر برای شاگردان ارائه می کند. - معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا متن درس را خاموشانه بخوانند و خوب یاد بگیرند. - معلم محترم از چند شاگرد می خواهد به نوبت متن درس را بخوانند. و اگر مشکلی در درس داشتند آن را برطرف می سازد. - معلم محترم شاگردان را تشویق می نماید تا در مورد چیز های تیمم بر آن ها صحیح است معلومات بیشتری را به دست آورند و یاد بگیرند.	- شاگردان مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را درست بخواند؟ • کدام یک از شما می تواند چیز های که تیمم بر آنها صحیح است را بیان نماید؟ • یاد گیری چیز های که تیمم بر آنها صحیح است چه اهمیتی دارد؟ **خلاصهٔ درس:** تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ اگر پاک باشند، صحیح است و نیز بر	- شاگردان گوش نم.ده وجواب می دهند.

	گِل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است. تیمم بر سنگ گچ، سنگ چونه و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ هـــا صحیح است؛ ولی تیمم بر جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، به گچ و چونة پخته تیمم نکند و اگر دسترسی به خاک و مانند آن ندارد و امر دایر است بین گچ یا چونة پخته و بین غبار یا گل، احتیاط واجب آن است جمع کند بین تیمم با هر دو.	

کارخانه گی:

– شاگردان متن درس را به طور کامل بخوانند و چیز های تیمم بر آنها صحیح است را یاد گرفتـــه و در کتابچـــه خـــود یادداشت نمایند.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

در این فصل راجع به نماز، اهمیت و آثار و فواید نماز جماعت، نماز عیدین و نماز جمعه بحث می گردد.

برای اینکه مشخص و روشن گردد که نماز چیست؟ بهتر است که اول نماز تعریف گردد:

نماز افعال و ارکان مخصوصی است که انسان مکلف در شبانه روز در وقتهای معین انجام می دهد، که شامل اذان و اقامه و تکبیرة الاحرام و قیام، حمد و سوره و رکوع و سجود و تشهد می باشد.

نماز در ادیان قبل از پیامبر ﷺ

همانگونه که انسانها فطرتاً شیفتهٔ پرستش بوده و نیایش و نماز را دوست میدارند، اخبار و احادیث و روایتهای اسلامی نیز نشان دهندهٔ این حقیقت است که در عصر تمامی انبیاء نماز وجود داشته اما شکل نماز و آداب و ترتیب اجرای آن و همچنین زمان انجام آن در ادیان مختلف آسمانی، متفاوت بوده و به همان شکل خاصی بوده که به آن پیامبر دستور داده می شده است.

در قرآن هم از زبان حضرت مسیح آمده است که: خداوند مرا به خواندن نماز و دادن زکات امر فرموده است، منتهی شکل نماز در شرایع مختلف یکسان و یک شکل نبوده است.

«در احادیث مربوط به معراج رسول اکرم ﷺ آمده است که آنحضرت فرمود: چون به مسجد الاقصی رسیدم، حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام و جمله انبیاء را دیدم که در آمدند و بر من سلام کردند و مرا پیش داشتند و با ایشان نماز کردم، چون رسیدم به سدرة المنتهی، عالمی دیدم پرنور، چندان روشنایی داشت که چشم خیره می شد. وقتی که نگاه کردم بر چپ و راست، همه فرشتگان روحانی را دیدم به عبادت مشغول، گفتم: ای جبرئیل اینان کیستند؟ گفت: هرگز هیچ کار نکنند جز عبادت و تسبیح».

معراج نامه ابوعلی سینا صفحه ۱۱۱-۱۱۲

در روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام که پند و اندرز های لقمان حکیم به پسرش را نقل فرموده اند آمده است که:

لقمان نماز را ستون دین معرفی کرده و در قسمتی از سخنان خود به پسرش سفارش کرده است که نماز را اول وقت بخوان و آنرا به تأخیر نینداز و حتی الامکان نماز را به جماعت بخوان. بحار الانوار جلد ۷۶ صفحه ۲۷۰

حضرت ابراهیم خلیل الله به درگاه خداوند عرض کرد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِن ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاء».

سوره ابراهیم آیه ۴۰.

پروردگارا! مرا برپاکنندهٔ نماز قرار ده و از فرزندانم نیز چنین فرما پروردگارا! دعای مرا بپذیر.

امام صادق علیه السلام میفرماید: در وقت ورود به شهر کوفه از مسجد سهله دیدن کن و در آن جایگاه با عظمت نماز بگذار و حل مشکلات دینی و دنیایی خود را در آنجا از خدای مهربان درخواست کن. مسجد سهله خانهٔ حضرت ادریس علیه السلام است، پیامبری که در آنجا به پیشهٔ خیاطی مشغول بود و نمازش را در آن جایگاه اقامه می کرد. عرفان اسلامی، مرتضی مطهری جلد ۵ صفحه ۲۱-۲۲

اهمیت و ارزش نماز:

نیایش و نماز در انسان یک نیاز موقتی و مرحله ای نیست و در طول زنده گی بشر لحظه ای نبوده که نیاز به حمد و ستایش و نماز و نیایش وجود نداشته باشد.

انسان همیشه به عبادت محتاج است و در عرصه های خطر محتاج تر، دربارهٔ اهمیت نماز بهتر است که به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام مراجعه کنیم.

خداوند در قرآن در سوره عنکبوت آیهٔ ۴۵ میفرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنكَرِ». نماز انسان را از فحشا و منکرات باز میدارد. و در سوره ط آیه ۱۴ میفرماید:« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي». نماز را برای یاد و توجه به من بپا دار، چه سعادتی بالاتر است از اینکه انسان با خداوند در ارتباط باشد و با او راز و نیاز کند.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید:« لَيسَ مِنّي مَن استَخَفَّ بِالصَّلاةِ لايَرِدُ عَلَى الْحَوْضِ لا وَاللهِ». بحار الانوار جلد ٦٦ صفحه ۴۹۵

آری به خدا قسم چنین است که اگر کسی نماز را سبک بشمارد، در حوض کوثر برمن وارد نخواهد شد.



حضرت علی علیه‌السلام میفرماید: روزی به اتفاق پیامبر اکرم ﷺ در مسجد به انتظار رسیدن وقت نماز نشسته بودیم. مردی وارد شد و عرض کرد یا رسول الله ﷺ گناهی مرتکب شده ام، تکلیفم چیست؟ حضرت توجهی نفرمود. پس از پایان نماز مجدداً همان کلام را تکرار کرد، رسول خدا ﷺ فرمود: مگر با ما نماز نخواندی؟ عرض کرد چرا یا رسول الله ﷺ خوانده ام حضرت ﷺ فرمود برو نمازت کفاره گناه توست. **تفسیر المیزان جلد ۱۱ صفحه ۱۶۷**

خداوند ایمان را برای پاک کردن از شرک و نماز را برای پرهیز از خود بزرگ بینی و تکبر واجب فرموده است.

نهج البلاغه کلمات قصار صفحه ۲۴۴.

پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید: چون بنده سلام نمازش را بگوید، خداوند درهای بهشت رابه روی او بگشاید و به او بگوید ای بنده از هر دری که دلت میخواهد وارد بهشت شو.

نماز مایهٔ نورانیت چهرهٔ نماز گزار و ممتاز گردانیدن او نسبت به دیگران است: از امام سجاد سؤال شد: چرا شب زنده داران ، صورتی زیباتر از صورت دیگران دارند؟ فرمود: چون آنان با خدای خود خلوت کرده اند خداوند از نور خود بر چهرهٔ آنان تابانیده اند.

میزان الحکمة جلد ۵ صفحه ۲۲۱

نماز موجب نجات حضرت یونس علیه‌السلام از شکم ماهی شد.

در قرآن کریم آمده است که اگر حضرت یونس از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی میماند.

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنْ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ. **سوره صافات آیه ۱۴۳الی ۱۴۴**

در تفسیر مجمع البیان از قول قتاده آمده است منظور از تسبیح یونس این است که او از نماز گزاران بودند و خداوند هنگام مصیبت و غم او را نجات داد. **مجمع البیان جلد ۷ صفحه ۵۹۱**

آتش دوزخ از محل سجده و وجود نماز گزار دور است.

در روایت آمده است: که روز قیامت خداوند به آتش دوزخ می گوید: ای آتش هرچیز را که میخواهی بسوزان اما به محل سجده نزدیک نشو. **منهج الصادقین جلد ۸ صفحه ۳۹۷**

نماز مایه بهجت و شادمانی است:

شبی که حضرت رسول اکرم ﷺ به معراج رفت به درگاه خداوند عرض کرد: پروردگار به شادمانی شگفتی دست یافتم، شادمانی مرا افزون فرما و راهی نشانم ده که همواره در این شادمانی بمانم، خدای تعالی او را به نماز خواندن فرمان داد و فرمود: ای محمد! نماز گزار پیوسته با خدای خود در نجوا و راز و نیاز است.

از حضرت رسول اکرم ﷺ روایت شده است که خداوند متعال فرمود: نماز گزار سه حق بر گردن من دارد:

۱- تا زمانی که در حال نماز است، او را از رحمت خود محروم نکنم.

۲- تا زمانی که در حال نماز است، تحت حمایهٔ فرشتگان باشد.

۳- خودم با او مناجات کنم، هرگاه بگوید: یارب، من هم لبیک بگویم، تفسیر کشف الاسرار جلد ۱۰ صفحه ۴۶۵

انواع نمازها:

در دستورات اسلامی دو نوع نماز داریم: ۱-نماز های واجب ۲- نماز های مستحب. نماز های واجب شش تا است:

۱- نماز های شبانه روزی ۲- نماز آیات ۳- نماز میت ۴- نماز طواف واجب خانهٔ خدا ۵- نماز های پدر و مادر که بر پسر بزرگ واجب است ٦- نمازی که بواسطه عهد و نذر و قسم به گردن انسان واجب می شود و نماز جمعه از نماز های شبانه روزی است (چون نماز جمعه بجای نماز ظهر خوانده می شود). (آیت الله محقق کابلی) نماز های مستحبی زیاد است و آنرا نافله گویند و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعت اند، که هشت رکعت آن نافلهٔ ظهر است و هشت رکعت نافلهٔ عصر، و چهار رکعت نافلهٔ مغرب، و دو رکعت نافلهٔ عشا و یازده رکعت نافلهٔ شب، دو رکعت نافلهٔ صبح می باشد.

فصل دوم– احکام

درس: هجدهم

عنوان: مکروهات نماز

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

هدف:

– آشنایی با مکروهات نماز.

– شاگردان بتوانند متن درس را درست بخوانند.

– شاگردان با معنی مکروه آشنا شوند و تعریف نمایند.

لغات و اصطلاحات:

مکروه: کاری که انجام دادن آن خوب نیست.

فقه: علمی که درباره احکام بحث می کند.

روش تدریس:

انفرادی، گروهی.

مواد ممد درسی:

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی.	
۳۰دقیقه	– معلم محترم با طرح سؤالات زیر درس گذشته را ارزیابی می کند. – کیفیت انجام تیمم را بیان کند؟ – کی می تواند بگوید که بر چه چیزی باید تیمم کرد؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان میپرسد که: – اگر شما با چشم بسته نماز بخوانید به نظر شما نماز شما صحیح است یا نه؟ چرا؟ – بعد از دریافت جواب معلم محترم در مورد معنی کلمه مکروه برای شاگردان توضیح می دهد و عنوان درس را روی تخته می نویسد. – سپس شاگردان را متوجه کتاب درسی نموده ودرس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا خاموشانه درس را بخوانند. و بعد از چند شاگرد می خواهد تا به نوبت درس را بخوانند. – معلم محترم به گروه های درسی هدایت می دهد تا متن درس را بایکدیگر بخوانند و مفهوم کلمه مکروه را یاد بگیرند. – معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند تا تمام شاگردان در فعالیت صنفی مشارکت نمایند.	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند. – شاگردان به دقت گوش می کنند و مطابق هدایات استاد عمل می کنند . – شاگردان به فعالیت گروهی می پردازند.



	- معلم محترم از هر گروه یک نفر را خواسته تا پیش صنف آمده و کلمه مکروه را تعریف نمایند. - معلم محترم شاگردان را کمک و راهنمایی می کند و آنان را تشویق می نماید.	
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را درست بخواند؟ • کدام یک از شما می تواند کلمه مکروه را تعریف نماید؟ • به نظر شما آگاهی از مکروهات نماز چه اهمیتی دارد؟ **خلاصهٔ درس:** مکروه به کار هایی گفته می شود که ترک آن بهتر است ولی انجام دادن آن نیز گناه ندارد و در نماز کسی که مکروهات نماز را انجام دهد از ثواب نمازش کم میشود ولی نماز باطل نمی شود. مکروهات نماز: ۱- بازی با انگشتان در نماز. ۲- بسته بودن چشم ها. ۳- سکوت برای شنیدن صدای افراد یا اشیا. ۴- برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ. ۵- انجام دادن هر کاری که خضوع و خشوع نماز را از بین می برد.	- شاگردان گوش داده وجواب می دهند.

کارخانه گی:

- شاگردان متن درس را خوانده و معنی کلمهٔ مکروه را یاد بگیرند.

معلومات تکمیلی

موارد وجوب سجده سهو:

به طور کلی، سجده سهو برای زیادی و نقصان (کاستی) غیر عمدی در نماز، واجب می شود و موارد وجوب سجده سهو به شرح زیر است:

– آن که در بین نماز، سهواً حرف بزند؛

– آن که یک سجده را فراموش کند؛

– آن که در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوّم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت؛

– در جایی که نباید نماز را سلام دهد مثلًا در رکعت اول سهواً سلام بدهد؛

– آن که تشهد را فراموش کند.

چگونگی انجام سجده سهو:

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیّت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بـر آن صـحیح اسـت بگذارد و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ» **ولـی بهتر است بگوید:** «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلامُ عَلَیکَ ایُّهَا النَّبیُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» **بعد باید بنشیند و دوباره به سـجده رود و یکـی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.**

– در مورد شرط بودن وضو و طهارت در سجده سهو، نظرات مراجع تقلید مختلف است:

بعضی از مراجع، وضو را لازم می دانند. (آیات عظام صافی، مکارم شیرازی، خامنه ای)

بعضی از مراجع، بنابر احتیاط، آن را واجب می دانند. (گلپایگانی، بهجت؛ المسائل (المحشی للإمام الخمینی)

و بعضی از مراجع، آن را واجب نمی دانند. (آیات عظام خوئی، خمینی، تبریزی، سیستانی، نوری همدانی)

– در سجده های واجب قرآن؛ لازم نیست سایر شرایط معتبر در سجده ی نماز مراعات شود. (توضیح المسائل امـام خمینـی(ره))، مثلا لازم نیست که رو به قبله باشند یا طهارت و وضو داشته باشند .

فصل دوم

درس: نزدهم

عنوان: سجده سهو

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با سجده سهو.
- شاگردان متن درس را درست بخوانند.
- شاگردان با موارد وجوب وکیفیت انجام سجده سهو آشنا شده و آنها را یاد بگیرند.

لغات و اصطلاحات:

روش تدریس:

انفرادی، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان می پرسد که: - کی می تواند کلمه مکروه را تعریف نماید؟	- شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم برای ایجاد انگیزه در شاگردان برای یادگیری بهتر درس از آنان می پرسد که: - آیا می دانید که سجده سهو در کدام موارد واجب می شود؟ - بعد از دریافت جوابات مختلف شاگردان، معلم محترم شاگردان را متوجه کتاب درسی کرده وعنوان درس را روی تخته می نویسد. - معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. - معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا متن درس را خاموشانه بخوانند و سجده سهو در نماز را یاد بگیرند. - معلم محترم به نوبت شاگردان را خواسته وسجده سهونماز را از آنها می پرسد و اگر مشکلی در درس داشتند آن را برطرف می سازد. - معلم محترم شاگردان را تشویق می نماید و در حل مشکلات با آن ها کمک می کند	- شاگردان به دقت گوش می کنند و مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را درست بخواند؟ • کدام یک از شما می تواند بیان نمایدکه در چند مورد سجده سهو واجب می شود؟ • کدام یک از شما می تواند بگوید سجده سهو چه وقت ادا می گردد؟	- شاگردان گوش داده وجواب می دهند.

	خلاصۀ درس: **سجدۀ سهو به دو سجده ای گفته می شود که اگر در حال نماز اشتباهي از انسان سر بزند و از روي سهو باشد، باید بعد از تمام شدن نماز آن را بــه جا آورد؛ به این صورت که بعد از ختم نماز بدون فاصله نیت سجدۀ سهو نموده، به سجده برود و بعد دوباره بنشیند و باز به سجده برود و بعــد از آن تشهد بخواند و سلام دهد و در هر دو سجدۀ سهو بهتر است این ذکر را** بخوانیم :بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْک اَیُّهَا النَّبِيُّ وَ رَ حمت الله و برکاته	

کارخانه گی:

– **شاگردان متن درس را به طور کامل بخوانند وخلاصه درس را در کتابچه خود یادداشت نمایند.**

معلومات تکمیلی

نماز جماعت

اهمیت نماز جماعت

واقیموالصلوة و اتوا الزکوة و ارکعوا مع الراکعین.

و نماز را برپا دارید، و زکات بپردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید. «سوره ي بقره ، آيه ي ۴۳.»

قرآن کریم دستور داده تا مسلمانان نماز را به بهترین و زیباترین شکلش، که جماعت است بخوانند.

حتي در قبل از اسلام، در اديان گذشته نيز، نماز جماعت مورد تأكيد خداوند بوده است.

روايات اسلامي در پاداش و ارزش نماز جماعت فراوان است.

بر اساس احاديث گهربار معصومين (عليهم السلام) رفتن به مسجد براي شركت در نماز جماعت و درك نماز جماعت از ابتداي تكبيرة الاحرام اجر و پاداش بسيار زيادي دارد و نماز جماعت كوتاه و مختصر بر نماز طولاني برتري دارد؛ و نيز پيامبر اكرمﷺ فرموده اند:

«در نماز جماعت حاضر شويد، اگر چه با دشواري و سختي باشد.»

حضرت امام صادقعليه‌السلام فرمودند:

در زمان پيامبر اكرمﷺ مردي به علت نابينايي در نماز جماعت شركت نمي كرد.

روزي به خدمت پيامبرﷺ رسيد و عرض كرد: من نابينايم و صداي اذان را مي شنوم، اما كسي نيست كه دستم را بگيرد و مرا به مسجد بياورد حضرت فرمودند: طنابي از خانه تا مسجد قرار بده و با آن خود را به نماز جماعت برسان. « وسايل الشيعه، ج۵، ص»

مستحب است نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا خصوصا برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است . و نمازهای مستحبی را نمی شود به جماعت خواند مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند.

در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت اگر تمام آسمان ها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن رابنویسند.

حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنایی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادا یعنی تنها خوانده شود، بهتر است . و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخواند، از نماز فرادا که آن را طول بدهند، بهتر می باشد.

وقتی که جماعت بر پا می شود مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوم او کافی است .

فصل دوم

درس: بیستم

عنوان: نماز جماعت

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- شناخت نماز جماعت.
- شاگردان با طریقه خواندن نماز جماعت آشنا شوند.
- شاگردان بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند و بطور صحیح اقتدا کنند.

روش تدریس:

انفرادی، گروهي.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند بگوید که درسجده سهو کدام ذکر خوانده می شود؟ - معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا دوست دارید طریقه خواندن نماز جماعت را یاد بگیرید؟	- شاگردان گوش داده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم عنوان درس را روی تخته می نویسد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند و با استفاده از معلومات تکمیلی در باره فوائید و طریقۀ خواندن نماز جماعت به شاگردان معلومات می دهد. - معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که درس را بخوانند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های مناسب تقسیم شوند و راجع به ادای نماز جماعت بین خود بحث کنند. - معلم محترم به شاگردان هدایت می دهد که طریقۀ خواندن نماز جماعت را خوب یاد بگیرند. - معلم محترم از گروه ها می خواهد که نتیجۀ بحث خود را در سه سطر نوشته و یک نفر از هر گروه به پیش روی صنف آمده و نوشتۀ خود را برای هم صنفی های خود بیان کنند. - معلم محترم گروه ها را تشویق می کند.	- شاگردان گوش می دهندو مطابق هدایت معلم عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند طریقه خواندن نماز جماعت را توضیح بدهد؟ • کی می تواند راجع به اهمیت نماز جماعت توضیح دهد؟ • چه کسی علاقمند است که در مورد نماز جماعت برای هم صنفی های خود صحبت نمایند؟	- شاگردان گوش داده و پاسخ می دهند.

	خلاصهٔ درس: نمازهای واجب؛ به خصوص نمازهای یومیه را مستحب است با جماعت بخوانیم .این حکم در نماز صبح، مغرب و عشا؛ مخصوصاً برای همسا یه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده است. در حدیث شریف آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتـــی ثواب شش صد نماز دارد و هرچه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفـــر برسند و زمانی که عده آنان از ده بگذرد، اگر تمام آسمان ها کاغـــذ و دریاها رنگ و درخت ها قلم و جن، انسان و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.	

کارخانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب یاد بگیرند و در مورد نماز جماعت با اعضای خانواده گفتگو کنند و نتیجـــهٔ گفتگـــوی خود را در چند سطر در کتابچهٔ خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

احکام نماز جماعت

- اگر امام یا مأموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد، اشکال ندارد.
- کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند.
- اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند چون اطاعت پدر و مادر واجب است، بنابر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید.
- موقعی که امام جماعت نماز یومیه می خواند هر کدام از نمازهای یومیه را می شود به او اقتدا کرد ولی اگر نماز یومیه اش را احتیاطاً دوباره می خواند فقط در صورتی که مأموم احتیاطش با امام یکی باشد می تواند به او اقتدا کند.
- اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می خواند می شود به او اقتداکرد، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می کند یا قضای احتیاطی نماز کس دیگر را می خواند اگر چه برای آن پول نگرفته باشد اقتدای به او اشکال دارد ولی اگر انسان بداندکه از آن کس که برای او قضا می خواند نماز فوت شده که در این صورت اقتدای به او اشکال ندارد.
- اگر انسان نداند نمازی را که امام می خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب نمی تواند به او اقتدا کند.
- اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد کسانی که دو طرف محراب ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند، نمی توانند اقتدا کنند، بلکه اگر کسی هم پشت سر امام اقتدا کرده باشد اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام رانمی بینند اشکال دارد، بلکه باطل است .
- اگر به واسطه درازی صف اول ، کسانی که دو طرف صف ایستاده اند امام را نبینند می توانند اقتدا کنند و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صف های دیگر، کسانی که دو طرف آن ایستاده اند، صف جلوی خود را نبینند، می توانند اقتدا نمایند.
- اگر صف های جماعت تا دروازه مسجد برسد کسی که مقابل دروازه پشت صف ایستاده نمازش صحیح است ، و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می کنند، صحیح می باشد ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده اند و صف جلو را نمی بینند، اشکال دارد، بلکه باطل است .
- کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأموم دیگر به امام متصل نباشد نمی تواند اقتدا کند. بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشد، ولی از صف جلو حتی یک نفر را هم نبیند، جماعت او صحیح نیست .
- جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد، اشکال ندارد. و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

• اگر جای مأموم بلندتر از جای امام باشد در صورتی که بلندی به مقدار متعارف زمان قدیم باشد مثل آن که امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام بایستد اشکال ندارد، ولی اگر مثل ساختمان های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.

• اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده اند بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد فاصله شـــود، چنانچه ندانند نماز او باطل است ، می توانند اقتدا کنند.

• بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز، و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده ، می تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

• اگر بداند نماز یک صف از صف های جلو باطل است، در صف های بعد نمی تواند اقتدا کند، ولی اگر نداند نماز آنان صحیح است یا نه ، می تواند اقتدانماید.

• هرگاه بداند نماز امام باطل است مثلا بداند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمی تواند به او اقتدا کند.

• اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده، یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلا بی وضـــو نماز خوانده ، نمازش صحیح است .

• انسان در بین نماز جماعت می تواند نیت فرادا کند.

• اگر مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادا کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادا نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند.

• اگر موقعی که امام در رکوع است ، اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امـــام نرسد، نمازش به طور فرادا صحیح می باشد و باید آن را تمام نماید.

• اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش صحیح است و فرادا می شود.

• اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکـــوع بردارد، می تواند نیت فرادا کند، یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعـــت اول نمـــاز خـــود حساب کند ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می خواند، باید نیت فرادا نماید.

• اگر در اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود امام سر از رکوع بردارد، نماز او به طور جماعت صحیح است ، و باید رکوع کند و خود را به امام برساند.

• مأموم نباید جلوتر از امام بایستد، و اگر مساوی او هم بایستد، اشکال دارد و به احتیاط واجب باید کمی عقب تر از امام بایستد، اگر چه قد او بلندتر از امام باشد، که در رکوع و سجود سرش جلوتر از امام باشد.

• در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی شود فاصله نباشد، و همچنـــین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است ولی اگر امام ، مرد و مأموم زن

باشد چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به بواسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

- اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او متصل به امام است پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی توان دید فاصله شود، نمازش فرادا می شود، و صحیح است .
- اگر بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام به قدر گشادی بین دو قدم فاصله باشد اشکال ندارد، و نیــز اگر بین انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده و انسان به وسیله او به امام متصل است به همــین مقــدار فاصله باشد نمازش اشکال ندارد، و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلــوی او ایستاده هیچ فاصله نداشته باشد.
- اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متــصل نباشد، چنانچه به اندازه گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است .
- اگر در نماز بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادا می شود و صحیح است .
- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادا نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد به طور جماعت صحیح ، و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادا می شود و صحیح است .
- اگر در رکعت دوم اقتدا کند قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تــشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، یا نیــت فرادا کند و نمازش صحیح است، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.
- اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعــت سوم امام است، بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد، و چنانچه برای گفتن ســه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.
- اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمــی رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.
- اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد بایــد حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد بهتر اســت کــه احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.
- کسی که می داند اگر سوره را بخواند در رکوع به امام نمی رسد، باید سوره را نخواند، ولی اگــر خوانــد نمازش صحیح است .
- کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید.

- کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع نرسد نمازش صحیح است .
- اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است .
- اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صحیح است . ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.
- اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره را بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است .
- اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت بر پا شود چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید.
- اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است جماعت بر پا شود چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.
- اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد لازم نیست نیت فرادا کند.
- کسی که یک رکعت از امام عقب مانده وقتی امام تشهد رکعت آخر را می خواند می تواند برخیزد و نماز را تمام کند و یا انگشتان دست، و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگه دارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد.
- کسی که ایستاده نماز می خواند نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند و کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند، اقتدا نماید.
- کسی که نشسته نماز می خواند می تواند به کسی که نشسته نماز می خواند اقتدا کند و همچنین کسی که خوابیده است می تواند به کسی که نشسته نماز می خواند اقتدا کند ولی کسی که نشسته نماز می خواند نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند، اقتدا نماید.
- اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند می شود به او اقتدا کرد ولی اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز می خواند بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.
- موقعی که مأموم نیت می کند باید امام را معین نماید، ولی دانستن اسم او لازم نیست ، مثلا اگر نیت کند اقتدا می کنم به امام حاضر نمازش صحیح است .
- مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد باید حمد و سوره را بخواند.

- اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود اگـــر چـــه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهوا بلند بخواند اشکال ندارد.
- اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است کـــه حمـــد و ســـوره را نخواند.
- اگر مأموم سهوا حمد و سوره بخواند یا خیال کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده نمازش صحیح است .
- اگر شک کند که صدای امام را می شنود یا نه، یا صدایی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کـــس دیگر، می تواند حمد و سوره بخواند.
- مأموم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.
- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده ، تکبیر نگوید.
- اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد نمازش صحیح است .

فصل دوم

درس: بیست و یکم

عنوان: احکام نماز جماعت

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- شناخت احکام نماز جماعت.
- شاگردان با طریقه خواندن نماز جماعت آشنا شوند.
- شاگردان بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند و بطور صحیح اقتدا کنند.

روش تدریس:

انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند بگوید که نماز جماعت چه فایده های دارد ؟ - معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا میدانید نماز جماعت چه احکامی دارد؟	- شاگردان گوش داده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم عنوان درس را روی تخته می نویسد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند و با استفاده از معلومات تکمیلی در باره احکام و طریقۀ خواندن نماز جماعت به شاگردان معلومات می دهد. - معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که درس را بخوانند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های مناسب تقسیم شوند و احکام نماز جماعت را بین خود بحث کنند. - معلم محترم به شاگردان هدایت می دهد که احکام وطریقۀ خواندن نماز جماعت را خوب یاد بگیرند. - معلم محترم از گروه ها می خواهد که نتیجۀ بحث خود را در سه سطر نوشته و یک نفر از هر گروه به پیش روی صنف آمده و نوشتۀ خود را برای هم صنفی های خود بیان کنند. - معلم محترم گروه ها را تشویق می کند.	- شاگردان گوش می دهند و مطابق هدایت معلم عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند دو حکم از احکام نماز جماعت را توضیح بدهد؟ • کی می تواند راجع به اهمیت نماز جماعت توضیح دهد؟ • چه کسی علاقمند است که در مورد احکام نماز جماعت برای هم صنفی های خود صحبت نمایند؟	- شاگردان گوش داده و پاسخ می دهند.

	خلاصهٔ درس: نماز جماعت احکامی دارد که خوب است با بعضی از آ نها آشنا شویم: -موقعی که مأموم نیت می کند، باید امام را معین نماید؛ مثلاً :بگوید اقتدا می کنم به امام حاضر ولی دانستن اسم او لازم نیست. -مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه ذکرهای نماز را خودش بخواند؛ ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند. -اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح، مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را آهسته بخواند. -مأموم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.	

کارخانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب یاد بگیرند و در مورد احکام نماز جماعت با اعضای خانواده گفتگو کنند و نتیجهٔ گفتگوی خود را در چند سطر در کتابچهٔ خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

نماز آیات:

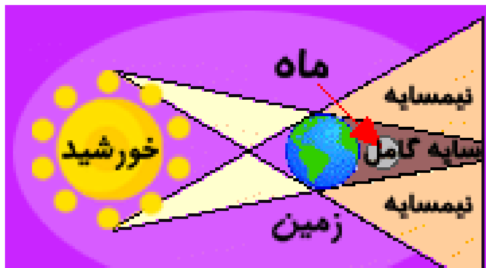
برخی پدیده هایی که در طبیعت رخ می دهد و حالت غیر عادی دارد، گاهی موجب وحشت انسانها می شود و گاهی نیز ممکن است افکار خرافی و شرک آلودی را در اذهان جاهلان و غافلان پدید آورد. اینجا است که توجه دادن اندیشه ها به عوامل اصلی آنها و جلوگیری از انحراف اذهان، بعنوان یک وظیفه برای ادیان حق جلوه می کند.

در اسلام برای این گونه پدیده ها، نماز خاصی واجب شده، تا مردم توجه به خدای هستی آفرین پیدا کنند و منشأ این تغییرات و حوادث را، قدرت الهی بدانند. نام این نماز نماز آیات است، چرا که برای بروز حوادثی خوانده می شود که از آیات و نشانه های الهی در جهان است.

در رساله های عملیه می خوانیم: که نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می شود: ۱- گرفتن خورشید (کسوف)
۲- گرفتن ماه (خسوف) ۳- زلزله ۴- رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ وحشت آور، که بیشتر مردم بترسند.

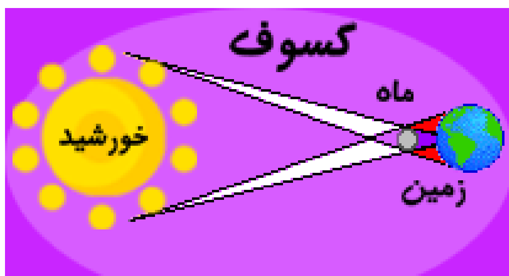
✱ خسوف (مهتاب گرفتگی):

وقتی در جریان حرکت انتقالی، زمین بین آفتاب و مهتاب در یک خط قرار گیرد، سایه زمین بالای مهتاب افتاده و خسوف رخ می دهد. یعنی مردم منطقه ای که خسوف رخ می دهد مهتاب را دیده نمی توانند و خسوف در روز های (۱۳-۱۴-۱۵) ماه قمری صورت می گیرد.



✱ کسوف (آفتاب گرفتگی):

وقتی که مهتاب بین آفتاب و زمین در یک خط مستقیم قرار گیرد، سایه مهتاب به روی زمین می افتد و حالت کسوف یا آفتاب گرفتگی رخ می دهد، یعنی مردم منطقه ای که کسوف رخ می دهد ، آفتاب را دیده نمی توانند. کسوف در روز های (۲۸-۲۹-۳۰) ماه قمری واقع میشود



بروز این گونه حوادث، در اذهان ساده لوحان، نشان نوعی قهر طبیعت و خشم خدایان به شمار میآمد ولی از کیفیت و علل آن خبر نداشتند، از خدا غافل می شدند و به طبیعت بی جان متوسل می شدند. به خصوص ، خورشید پرستان و ماه پرستان، افکار خاصی پیدا می کردند. خواندن نماز آیات، برای توجه دادن به منشأ اصلی آفرینش و دگرگونیهای طبیعت، یعنی خدای تواناست و درسی از توحید به مردم می آموزد.

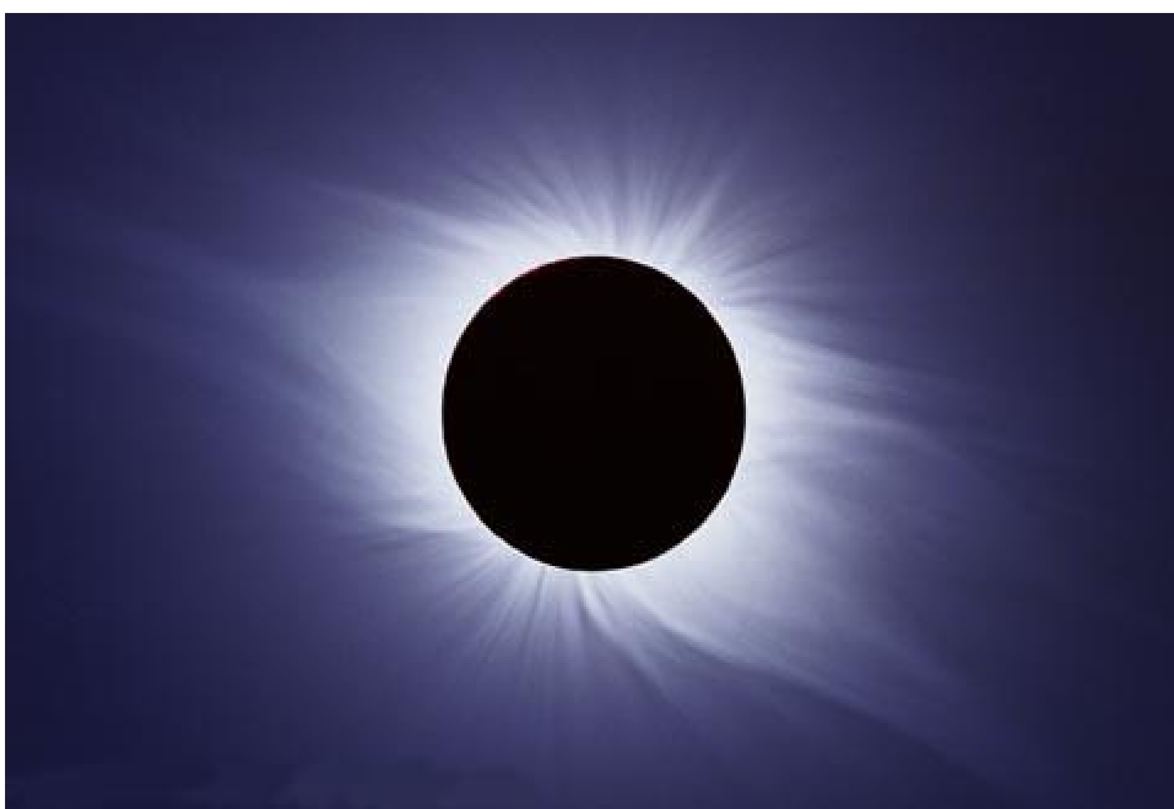
روایت است که هنگام درگذشت حضرت ابراهیم، فرزند کوچک پیامبر اسلام، خورشید گرفته شد، مردم با خود می گفتند کـــه ایـــن خورشید گرفتگی، بخاطر فقدان پسر رسول خدا است، پیامبر خدا برای تصحیح افکار و برداشت های مردم بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، فرمود: ای مردم خورشید و ماه دو نشانه از نشانه های الهی اند، به فرمان او حرکت دارند و مطیع او هستند، و بخاطر مرگ و زندگی کسی، گرفته نمی شوند. پس اگر هردو و یا یکی از آن گرفته شد نماز بگذارید. پس از این سخن، از منبـــر پایین آمد و با مردم نماز کسوف را خواند.

امام صادق(ع) از پدرش نقل می کند که فرمود: زلزله ها و گرفتگی ماه و خورشید و باد های سخت و وحشت زا، از نـــشانه هـــای قیامت است. هرگاه یکی از این ها را دیدید، به یاد برپایی قیامت بیفتید، به مسجد ها پناه ببرید و نماز بخوانید.

وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۱۴۵



خسوف (مهتاب گرفتگی)



کسوف (آفتاب گرفتگی)



زلزله



طوفان

فصل دوم

درس: بیست و دوم

عنوان: نماز آیات

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی شاگردان با نماز آیات.
- شاگردان با علت خورشید و ماه گرفتگی آشنا شوند.
- شاگردان وقت خواندن نماز آیات را یاد بگیرند.

روش تدریس:

انفرادی، بحث و گفتگو، گروهی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

عکسهایی از خورشید و ماه گرفتگی و زلزله.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم باطرح چند سؤال درس گذشته را ارزیابی می کند: - چه کسی می تواند فوایید نماز جماعت را نام ببرد؟ - معلم محترم جهت ایجاد انگیزه در شاگردان از آنها می پرسد که آیا تا کنون مهتاب گرفتگی و خورشید گرفتگی را دیده اید؟ - آیا میدانید که نماز آیات در چه مواقعی خوانده می شود؟ - معلم محترم درباره خورشید و ماه گرفتگی صحبت کرده و علت خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی را برای شاگردان بیان می کند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد درباره این پدیده ها اگر صحبتی دارند ارائه نمایند. - معلم محترم شاگردان را به چند گروه تقسیم می کند و از آنها می خواهد که درباره خورشید و ماه گرفتگی بین همدیگر گفتگو نمایند و علت آنرا خوب یاد بگیرند. - معلم محترم به نوبت در بحث تمام گروه ها شرکت می کند و مشکلات آنها را حل می کند. - معلم محترم از هر گروه یکی را برای توضیح علت خورشید گرفتگی پیش روی صنف فرا می خواند. - معلم محترم یکبار دیگر درس را می خواند و به شاگردان می گوید که اگر چنین اتفاقاتی رخ بدهد خواندن نماز آیات واجب می شود.	- شاگردان به حرفهای معلم توجه می کنند و جواب می دهند. - شاگردان به توضیحات معلم محترم گوش داده و مطابق هدایات معلم عمل می کنند

۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی علت خورشید گرفتگی را می گوید؟ • کدام یک از شما ماه گرفتگی را تشریح می کند؟ • به نظر شما دیدن این حوادث نشان دهندهٔ چیست؟ • اهمیت خواندن نماز آیات در چیست؟ **خلاصهٔ درس:** وقتی زمین میان ماه و خورشید واقع شد ماه گرفتگی رخ می دهد و ماه میان خورشید و زمین قرار می گیرد خورشید گرفتگی رخ می دهد. ما باید در هنگام وقوع این حوادث و زلزله و بادهای شدید نماز آیات بخوانیم. نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت ۵رکوع دارد. بعد از خواندن سوره حمد و یک سوره دیگر رکوع می کنیم پس بالا شده حمد و سوره می خوانیم بعد رکوع می کنیم به همین ترتیب ۵ دفعه رکوع میکنیم در رکعت دوم نیز چنین عمل می کنیم.	• شاگردان جواب می دهند.

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که دستور خواندن نماز آیات را حفظ کنند.

فصل دوم

درس: بیست و سوم

عنوان: احکام نماز آیات

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی شاگردان با احکام نماز آیات.
- شاگردان نحوه خواندن نماز آیات را یاد بگیرند

روش تدریس:

انفرادی، تمثیلی، دونفری.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سؤال ارزیابی می کند: - در هنگام چه اتفاقاتی ما نماز آیات می خوانیم؟ - آیا می توانید طریقه خواندن نماز آیات را بیان کنید؟	- شاگردان به حرفهای معلم توجه می کنند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم برای ایجاد انگیزه از شاگردان می پرسد - آیا دربارهٔ احکام نماز آیات چیزی می دانید؟ - معلم محترم عنوان درس را روی تخته نوشته و درس را برای شاگردان با صدای بلند می خواند. - معلم محترم از چند تن از شاگردان می خواهد که به نوبت پیش روی صنف آمده درس را با صدای بلند بخوانند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های دونفری در باره احکام نماز آیات با هم بحث کنند. - معلم محترم از چند تن از شاگردان می خواهد که هر کدام یک حکمی از احکام نماز آیات را توضیح دهد. - معلم محترم در حین توضیح احکام نماز آیات مشکلات شاگردان را برطرف می نماید. - معلم محترم در پایان درس وقت کافی برای سؤالات شاگردان می دهد و به سؤالات آنها پاسخ می دهد.	- شاگردان به توضیحات معلم محترم گوش داده و مطابق هدایات استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را با صدای بلند می خواند؟ • نماز آیات چند رکوع دارد؟ • آیا علاقه دارید احکام نماز آیات را به دیگران یاد دهید؟ • یاد گیری احکام نماز آیات چه اهمیت دارد؟	• شاگردان جواب می دهند.

	خلاصهٔ درس: نماز آیات احکامی دارد که با بعضی از آ نها در این درس آشنا می شویم: -اگر دریک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و ســوره بخوانــد و در رکعت دیگریک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، مانعی ندارد. -چیزها يي که در نماز یومیه واجب و مستحب است، در نماز آیــات هــم واجب و مستحب می باشند؛ ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه به قصد امید ثواب بگویند: «الصَّلاة. » ۳–مستحب است پیش از رکوع دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم قنــوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد که احکام دوم و سوم نماز آیات را در کتابچه های خود بنویسند.



معلومات تکمیلی

نماز جمعه:

نماز جمعه، نمازی است که مسلمانان هر جمعه، اول ظهر و به جای نماز ظهر برگزار می‌کنند. این نماز باید حتماً به صورت جماعت خوانده شود و به تنهایی نمی‌توان آن را خواند. نماز جمعه در نزد بسیاری از شیعیان واجب تخییری است و حضور در آن در زمان غیبت امام واجب نیست و معنای آن این است که مکلَف در ادای فریضه واجب ظهر جمعه بین خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر مخیر است.

نماز جمعه دو رکعت است و دو قنوت مستحبی دارد، یکی در رکعت اول، قبل از رکوع و دیگری در رکعت دوم، پس از رکوع. خواندن دو خطبه، توسط امام جمعه، قبل از نماز، واجب است. ترتیب اعمال در نماز جمعه بدین شرح است: تکبیرةالاحرام، حمد و سوره، قنوت، رکوع، دو سجده، حمد و سوره، رکوع، قنوت، دو سجده، تشهد و سلام.

درباره اهمیت نماز جمعه سفارش های زیادی شده است، رسول خدا ﷺ نماز جمعه را (حج مساکین) دانسته و آنرا موجب آمرزش گناهان شمرده است. **«وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۳»**

امیر المؤمنین حضرت علی علیه‌السلام زندانیان و متهمان دوسیهٔ قرضداری، تهمت و.... را برای نماز جمعه بیرون می آورد، تا در نماز جمعه حضور داشته باشند، و اولیاء آنان ضمانت می کردند که دوباره برگردند، فاسقان زندانی را هم برای شرکت در نماز جمعه، بیرون می فرستاد. **«مستدرک الوسایل جلد ٦ صفحه ٢٧»**

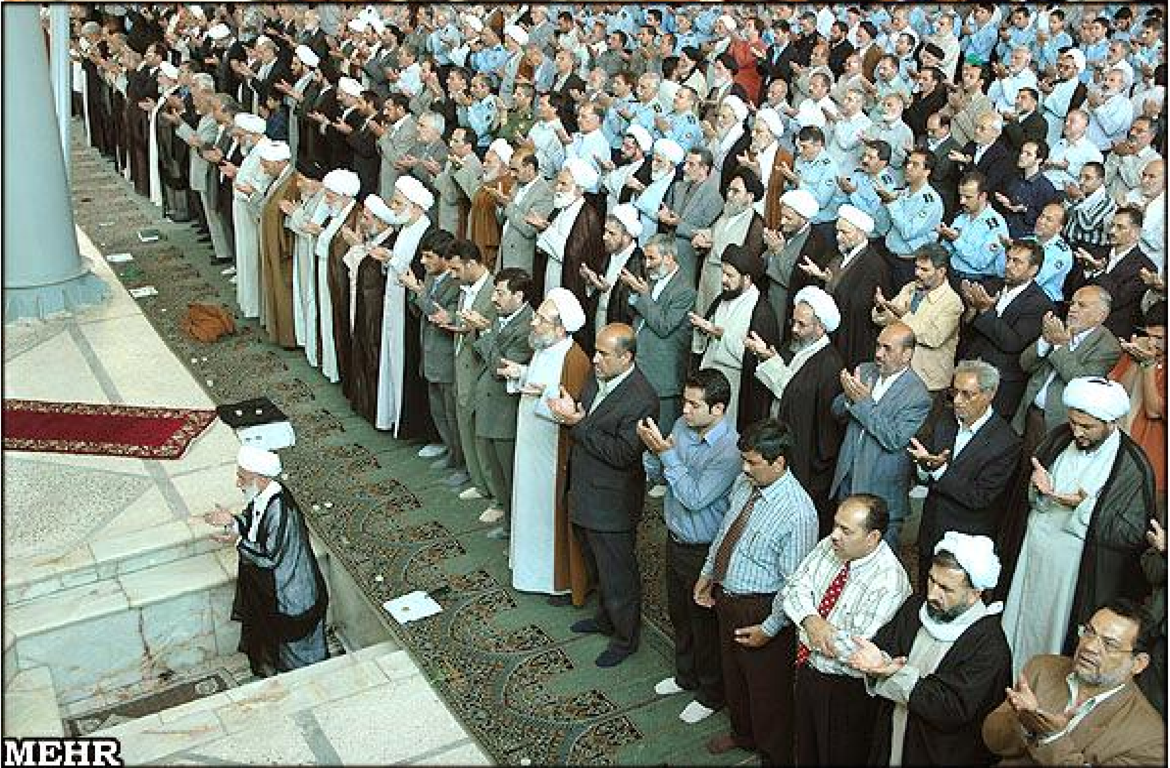
حضرت علی علیه‌السلام به عنوان بزرگداشت نماز جمعه و تعظیم این شعائر، پا برهنه به نماز جمعه حاضر می شدند و کفش های شان را در دست چپ می گرفتند و می فرمودند: این نماز، جایگاه خاصی الهی است، و این کار را از روی تواضع در برابر خداوند انجام می داد. **«بحار الانوار جلد ۸٦ صفحه ۲۵۵»**

از جابر ابن عبدالله آمده است که گفت: ما با پیامبر نماز می گذاردیم که کاروانی از شتران بار رسید مردم به سوی آن کاروان رفتند و جز دوازده نفر که من نیز جزء آنها بودم باقی نماندند، پس این آیه (آیه ۱۱ سوره جمعه) نازل شد. **«تفسیر نورالثقلین جلد ۵ صفحه ۳۲۵»**

و ابومالک حسن گفت: مردم مدینه دچار گرسنگی و گرانی نرخها شدند، در آنوقت دحیة بن خلیفه از طریق تجارت از شام روغن آورد، و در همان حال پیغمبر خطبهٔ روز جمعه را می خواند، چون مردم دحیه را دیدند از بیم آنکه دیگران در خریدن سبقت بگیرند در بقیع به نزد او رفتند و به خرید و فروش پرداختند، و همراه پیامبر ﷺ جز تنی چند نماندند، پس از آن این آیهٔ ۱۱ سوره جمعه نازل شد، و پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به آن که جان من در دست اوست، اگر همه بدنبال او می رفتید وحتی یک تن از شما باقی نمی ماند، این سرزمین برای شما تبدیل به آتش می شد. **« تفسیر نور الثقلین جلد ۵ صفحه ۳۲۵»**






MEHR



فصل دوم

درس: بیست و چهارم

عنوان: نماز جمعه

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

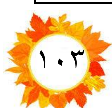
- شناخت کیفیت خواندن نماز جمعه.
- شاگردان با اهمیت نماز جمعه آشنا شوند.
- شاگردان با زمان خواندن نماز جمعه آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، دونفری.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: - کی می تواند طریقه خواندن نماز آیات را توضیح بدهد؟ - کی می تواند بگوید که طریقه کوتاه خواندن نماز آیات چگونه است؟	- شاگردان گوش نموده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: - آیا تا به حال در نماز جمعه اشتراک کرده اید؟ - معلم محترم عنوان درس را بروی تخته نوشته و با استفاده از معلومات تکمیلی در مورد موضوع درس برای شاگردان صحبت می نماید. - معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. - معلم محترم از دویا چند شاگرد می خواهد که درس را به نوبت بخوانند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که دونفر، دو نفر با یکدیگر درس را مرور کنند و در مورد درس با یکدیگر بحث کنند و خلاصه بحث خود را در چند سطر بنویسند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که نتیجۀ گفتگوی خود را به پیش صنف برای هم صنفی های خود بخوانند. - معلم محترم از دو یا چند شاگرد به طور داوطلب می خواهد که به پیش صنف آمده و معلم به روش سؤال و جواب چند سؤال از درس از آنها می پرسد. - معلم محترم شاگردان را تشویق می کند.	- شاگردان گوش نموده و مطابق هدایات معلم محترم عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند زمان خواندن نماز جمعه را بگوید؟ • کی می تواند در مورد درس توضیح بدهد؟	- شاگردان گوش نموده و پاسخ می دهند.



	• چه کسی علاقمند است که خواندن نماز جمعه را یاد بگیرد؟ • چه کسی می تواند بگوید که اهمیت خواندن نماز جمعه و جماعت در چیست؟ **خلاصهٔ درس:** اسلام یک دین جامع و کامل است که در همهٔ مراحل زنـــده گـــی فـــردی و اجتماعی به نیاز های بشر توجه داشته است. نماز جمعه و جماعت در تقویـــت روحیه اخوت و برادری و محکم شدن روابط انسانی بر معیار هـــای دینـــی و انسانی بسیار مفید و ارزشمند است که خواندن نماز جمعه در ظهر جمعه ثواب بسیار دارد و بطور فرادی صحیح نیست.	

کار خانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب بخوانند و در مورد نماز جمعه در خانه با خانوادهٔ خود بحث و گفتگو کننـــد و نتیجـــهٔ بحث خود را در سه سطر در کتابچهٔ خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

احکام نماز جمعه

– وقت نماز جمعه از اوّل ظهر است به مقداري که اذان و خطبه ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن این مقدار، وقت نماز جمعه پایان مي یابد و باید نماز ظهر خوانده شود.

– کساني که تا دو فرسخي از محلّ نماز جمعه قرار دارند مشمول حکم نماز جمعه هستند و در صورتي که نماز جمعه واجب عیني باشد حضور آنها در نماز جمعه واجب است.

– هرگاه کسي به خطبه ها نرسد و در نماز شرکت کند، یا فقط یک رکعت از نماز جمعه را درک نماید نماز او صحیح است، ولي احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.

– نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود و حدّاقلّ جمعیّت براي انعقاد جمعه، پنج نفر است (امام جمعه و چهار نفر دیگر).

– فاصله دو نماز جمعه باید کمتر از یک فرسخ نباشد که اگر در کمتر از یک فرسخ دو نماز جمعه خوانده شود نماز اوّلي صحیح و دومي باطل است.

– نماز جمعه بر «مسافران» و «زنان» و «بیماران» و «از کارافتادگان» واجب نیست، ولي اگر آنها در نماز جمعه حاضر شوند نمازشان صحیح است، امّا احتیاط واجب آن است که پنج نفر اصلي نماز جمعه (امام و چهار نفر دیگر) غیر آنها باشد.

فصل دوم

درس: بیست و پنجم

عنوان: احکام نماز جمعه

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شناخت کیفیت خواندن نماز جمعه.

– شاگردان با احکام نماز جمعه آشنا شوند.

– شاگردان با زمان خواندن نماز جمعه آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، دونفری.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – کی می تواند طریقه خواندن نماز جمعه را توضیح بدهد؟ – کی می تواند بگوید که نماز جمعه چند خطبه دارد ؟	– شاگردان گوش نموده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: – آیا می دانید نماز جمعه چه احکامی دارد؟ – معلم محترم عنوان درس را بروی تخته نوشته و با استفاده از معلومات تکمیلی در مورد موضوع درس برای شاگردان صحبت می نماید. – معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از دویا چند شاگرد می خواهد که درس را به نوبت بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دونفر، دو نفر با یکدیگر درس را مرور کنند و در مورد درس با یکدیگر بحث کنند و خلاصه بحث خود را در چند سطر بنویسند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که نتیجهٔ گفتگوی خود را به پیش صنف برای هم صنفی های خود بخوانند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد به طور داوطلب می خواهد که به پیش صنف آمده و معلم به روش سؤال و جواب چند سؤال از درس از آنها می پرسد. – معلم محترم شاگردان را تشویق می کند.	– شاگردان گوش نموده و مطابق هدایات معلم محترم عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند زمان خواندن نماز جمعه را بگوید؟	– شاگردان گوش نموده و پاسخ می دهند.

	• کی می تواند در مورد درس توضیح بدهد؟ • چه کسی علاقمند است که احکام نماز جمعه را یاد بگیرد؟ • چه کسی می تواند بگوید که اهمیت خواندن نماز جمعه و جماعت در چیست؟ **خلاصۀ درس:** نماز جمعه احکام زیادی دارد که در زیر به برخی از آ نها اشاره می شود: - نماز جمعه واجب تخییری است؛ یعنی انسان مسلمان در ظهر روز جمعه می تواند نماز ظهر را بخواند و می تواند به جای آن نماز جمعه را بخواند؛ ولی بهتر است انسان در نماز جمعه شرکت نماید. -امام جمعه باید عادل باشد؛ بنابراین، کسی که انسان او را عادل نمی داند و یا در عدالت اوشک دارد، اقتدا کردن به او صحیح نیست و نماز جمعه او هم صحیح نمی باشد. -نماز جمعه قضا ندارد؛ بنابراین، کسی که آن را ترک کند، باید به جای آن نماز ظهر را به جا آورد و اگر وقت نماز ظهر هم گذشته است، باید نماز ظهر را قضا نماید. -وقت نماز جمعه :بنا بر احتیاط باید در اول ظهر شرعی بلا فاصله اذان و سپس خطبه های جمعه شروع شود.	

کار خانه گی:

– شاگردان در خانه درس را خوب بخوانند و در مورد احکام نماز جمعه در خانه با خانوادۀ خود بحث و گفتگو کنند و نتیجۀ بحث خود را در سه سطر در کتابچۀ خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

نماز عید:

مناسبت های مختلف اسلامی زمینهٔ توجه به خدای متعال و زنده کنندهٔ یاد او در زنده گی و فکر مسلمانان است و برای بسیاری از این مناسبتها، اعمال و دعاهای مخصوصی، از جمله اقامه نماز بیان شده است. منظور از نماز عید، نماز دو رکعتی است، که در «عیدفطر» و «عید قربان» خوانده می شود.

در نخستین روز ماه شوال، که عید فطر است، پس از یک ماه عبادت و روزه، به شکرانهٔ این توفیق نماز باید خواند، این نماز در زمان حضور امام زمان عج واجب است و باید به جماعت خوانده شود ولی در زمان غیبت امام زمان (عج) مستحب است. وقت آن، از اول آفتاب روز عید، تا ظهر است ولی بهتر است که در آغاز روز پس از بلند شدن آفتاب بخوانند.

امام رضا علیه السلام می فرماید: خداوند روز اول ماه شوال را به این سبب عید فطر قرار داد، تا مسلمانان اجتماعی داشته باشندکه در آنروز جمع شوند و در برابر خداوند، بخاطر منت ها و نعمتهایش، به تمجید و شکر گزاری بپردازند پس آنروز، روز عید و تجمع و زکات و رغبت و نیایش است.

وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۱۴۱

امام باقر علیه السلام میفرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه روز اول ماه شوال (عید فطر) فرا میرسد، یک منادی از سوی خداوند، ندا می دهد: **اَیُّهَا المُؤمنونَ اُغْدوُا الیٰ جوائِزکُمْ.** بشتابید به سوی جایزه هایتان. **وسائل الشیعه جلد ۵ صفحه ۱۴۰**

در روایت است که حضرت علی علیه السلام در روز عید فطر خطبه ای خواند وخطاب به مردم فرمود: ای مردم، این روز شما، روزی است که نیکان پاداش می گیرند. در این روز بدکاران زیان می کنند. این روز شبیه ترین روز به قیامت شماست، با بیرون آمدن تان از خانه ها برای نماز، بیرون آمدن تان از قبرها را به یاد آورید. با توقف خود در جایگاه نماز توقف در حضور خداوند را در روز قیامت به خاطر آورید. با باز گشت خود به خانه ها، بازگشت تان را به خانه های خود در بهشت یا جهنم به یاد آورید.

من لایحضرالفقیه جلد۱ صفحه ۵۱۱

نماز عید قربان:

روز دهم ذی الحجه روز عید قربان (اضحیٰ) از بزرگترین اعیاد اسلامی است که اعمال و دعاهای خاصی دارد. یکی از نمازها «نماز عید قربان» است که نماز عید دو رکعت است، در رکعت اوّل بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده به جا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده به جا آورد و تشهّد بخواند و سلام گوید.

.چه در روز عید قربان و چه عید فطر پیش از نماز و پس از آن تکبیر هائی گفته می شود، که همه بزرگ شمردن خداوند و توحید و ستایش او و شکر بر نعمت خداوند است. **الله اکبر لااِلَهَ الاّ الله وَ اللهُ اکبر، الله اکبر، و لِلهِ الْحُمُدْ، الله اَکبَر عَلی مَا هَدانا.**

در قنوت این نماز هر دعایی کافی است، ولی مناسب است این دعا را به قصد ثواب بخواند

«اَللّهُمَّ اَهْلَ الْکِبْرِیاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ اَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ اَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ التَّقْوی وَالْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ هذَا الْیَوْمِ الَّذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیداً وَ لِمحَمَّد صَلَّی اللّهُ عَلَیْه وَ آله ذُخْراً وَ شَرَفاً وَ کرامَةً وَ مَزیداً اَنْ تُصَلِّی عَلی مُحَمَّد وَ آلِ مُحَمَّد وَ اَنْ تُدْخِلَنِی فی کلِّ خَیْرٍ اَدْخَلْتَ فیه مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد وَ اَنْ تُخْرِجَنی مِنْ کلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّد صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ ما سَئَلَکَ بِهِ عِبادُکَ الصّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِمّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُکَ الْمُخْلَصُونَ». در این دعا خدا را به عظمت، جبروت، عفو و رحمت و بخشش می شناسیم و یاد می کنیم و از او به حق و منزلت این روز بزرگ، که عید مسلمانان و مایهٔ شرافت و افتخار پیامبر و خاندان اوست، در خواست می کنیم که بر (محمد و آل او) درود فرستد و ما را از خیرها و برکات خویش بهره مند سازد.

جمله ای که در این دعا آمده، جامع ترین درخواستی است که می توان از خدا طلبید.

خدایا، به هرخیری که محمد و آل محمد را در این روز، وارد ساختی، مرا نیز داخل گردان. و از هر بدی که محمد و آل محمد در این روز بیرون ساختی، مرا نیز خارج گردان. خدایا من از تو بهترین چیزها را می طلبم که بندگان صالح تو، از تو خواسته اند و به تو پناه میبرم از هر بدی که بنده گان مخلصت، از آن به تو پنا هنده شده اند.

پرتوی از اسرار نماز – محسن قرائتی صفحه ۲۳۸-۲۴۳

فصل دوم

درس: بیست و ششم

عنوان: نماز عیدین

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شناخت اوقات وطریقه ادای نماز عیدین.

– شاگردان نظریات خود را در مورد فرار رسیدن عیدین و اعمال مربوط آن بیان کنند.

– شاگردان با فضیلت خواندن نماز عیدین آشنا شوند.

لغات و اصطلاحات:

ذیل: زیر **خطبه:** سخنرانی

اذکار: جمع ذکر (ذکرها)

مأموم: کسی که پشت سر امام جماعت نماز می خواند و به او اقتدا می کند.

روش تدریس: انفرادی، بحث و گفتگو.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی –معلم محترم از شاگردان می پرسد: – کی می تواند بگوید نماز جمعه چند رکعت است؟ – کی می تواند طریقه خواندن نماز جمعه را بیان کند؟	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان می پرسد که: – با فرا رسیدن دهۀ آخر ماه رمضان چرا شما احساس خوشی می نمائید و منتظر چه روزی می باشید؟ – با فرار رسیدن روز عید بزرگان خانواده به انجام چه کاری می پردازند؟ – معلم محترم بعد از دریافت جواب در مورد فضیلت عید فطر و همچنین عید قربان به کمک معلومات تکمیلی برای شاگردان صحبت می نماید. – معلم محترم عنوان درس را روی تخته نوشته نموده و متن درس را برای شاگردان می خواند و توضیح می دهد. – معلم محترم شاگردان را به چند گروه تقسیم می کند و از آنان می خواهد درس را بین خود بخوانند وبا شاگردان همراهی می کند و آنان را به انجام اعمال خوب و نیک تشویق می نماید.	– شاگردان به دقت گوش می کنند و مطابق رهنمایی استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند بگوید منظور از نماز عیدین کدام عید ها می باشد؟ • کی می تواند در مورد فضیلت نماز عیدین صحبت نماید؟ • به نظر شما نماز عیدین چند رکعت است؟	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.



	• نماز عیدین چند تکبیر دارد؟ **خلاصهٔ درس:** بعد از پایان ماه مبارک رمضان روز اول ماه شوال روز عید فطر می باشـــد. که مسلمانان در این روز نماز عید را که دو رکعت می باشد همه باهم مـــی خوانند که این نمونه وحدت بین مسلمانان است و روز ۱۰ ذی الحجه نیز روز عید قربان می باشد که در این روز نیز نماز عید خوانده می شود. ما خواندیم که نماز عیدین مانند نماز جمعه ۲رکعت اســـت کـــه طریقـــه خواندن آن با نماز جمعه فرق می کند و بعد از ختم نماز دو خطبه خوانـــده می شود و در آخر خطبه دعا برای خیرو صلاح جامعهٔ اسلامی.	

کارخانه گی:

– شاگردان کیفیت خواندن نماز عیدین را حفظ کنند.



معلومات تکمیلی

احکام نماز قضا

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد، اگرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه سستی یا کدام مصروفیت دیگر، نماز نخوانده باشد ولی نمازهای یومیه ای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده قضا ندارد.

اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید قضای آن را بخواند.

کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فورا آن را بجا آورد.

اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آن را بجا آورد.

قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود. مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده لازم نیست اول نماز عصر و بعداز آن نماز ظهر را قضا نماید.

اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلا بخواهد قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند لازم نیست آنها را به ترتیب بجا آورد.

اگر کسی نداند که نمازهایی که از او قضا شده کدام یک جلوتر بوده لازم نیست به طوری بخواند که ترتیب حاصل شود و هر یک را می تواند مقدم بداند.

اگر کسی که نمازهایی از او قضا شده، می داند کدام یک جلوتر قضا شده، احتیاط مستحب آن است که به ترتیب قضا کند و آنچه اول قضا شده اول بخواند و دومی را بعد و همین طور.

اگر برای میتی می خواهند نماز قضا بدهند، و می دانند آن میت ترتیب قضا شدن را می دانسته باز لازم نیست طوری قضا را بجا بیاورند که ترتیب حاصل شود.

اگر برای میتی که در مسأله پیش گفته شد بخواهند چند نفر را اجیر کنند که نماز بخوانند لازم نیست برای آنها وقت مرتب معین کنند که با هم شروع نکنند در خواندن نماز قضا .

اگر بدانند که میت ترتیب قضا شدن را نمی دانسته یا ندانند که می دانسته ، لازم نیست در خواندن نماز قضا او ترتیب را رعایت کنند.

کسی که چند نماز از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند مثلا نمی داند چهار تا بوده یا پنج تا، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است و همچنین اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده، اگر مقدار کمتر را بخواند کفایت می کند.

کسی که نماز قضا از همین روز یا روزهای پیش دارد می تواند قبل از خواندن نمازی که قضا شده، نماز ادایی را بخواند و لازم نیست نماز قضا را جلو بیندازد.

کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده و نمی داند نماز ظهر است یا عصر است یا عشا، اگر یک نماز چهار رکعتی بخواند به نیت قضای نمازی که نخوانده کافی است .

اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده، اگرچه لازم نیست نمازهای قضا را پیش از نماز ادا بخواند حتی اگرچه وقت داشته باشد و ترتیب بین نمازهای قضا را هم بداند ولی احتیاط استحبابی آن است که نمازهای قضا مخصوصا نماز قضای همان روز را پیش از نماز ادا بخواند.
تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاهای خود عاجز باشد دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید.
نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.
مستحب است بچه ممیز یعنی بچه ای که خوب و بد را می فهمد به نماز خواندن و عبادت های دیگر عادت دهند بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند.   توضیح المسایل – جمعی مراجع

فصل دوم

درس: بیست و هفتم

عنوان: نماز قضایی و احکام آن

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شناخت اوقات نماز قضایی و ترتیب آن.

– شاگردان با تعریف نماز قضایی آشنا شوند.

–شاگردان بتوانند نماز قضایی را به طور صحیح بخوانند.

لغات و اصطلاحات:

عذر: بهانه

روش تدریس: قصه گویی بحث و گفتگو، سؤال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی –معلم محترم درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند: – کی می تواند بگوید که منظور از عیدین کدام دو عید است: – کی می تواند طریقه خواندن نماز عیدین را بیان کند؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه در شاگردان از آنان می پرسد ۱– به نظر شما نماز قضا به کدام نماز گفته می شود؟ ۲–یا احکام نماز قضا را می دانید؟ – معلم محترم بعد شنیدن پاسخ شاگردان عنوان درس را روی تخته نوشته نموده و درس را با صدای بلند برای شاگردان می خواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد تا متن درس را به طوری فردی خاموشانه مطالعه نمایند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد در چند گروه تقسیم شوند و در مورد موضوع متن درس با یکدیگر به بحث بپردازند و نظریات خود را بیان نمایند. – معلم محترم نیز با آنان همراهی و کمک و رهنمایی می نماید و به سؤالات آنان پاسخ می دهد.	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند. – شاگردان شاگردان با علاقه و دقت گوش می دهند و مطابق هدایات استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند مفهوم داستان را به طور کوتاه بیان نماید؟ • کدام یک از شما می تواند در مورد ترتیب نماز های قضایی صحبت نماید؟	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.

	• به نظر شما خواندن داستان های کوتاه مذهبی چه تاثیری در اعمال و رفتار ما در زنده گی خواهد داشت؟ • کی می تواند نماز قضایی را تعریف نماید؟ • کدام یک از شما می تواند ترتیب خواندن نماز قضایی را بیان نماید؟ • به نظر شما آگاهی از ترتیب خواندن نماز قضایی چه تاثیری در اعمال شما دارد؟ آیا به شما کمک می کند تا اعمال تان را صحیح انجام دهید یا نه؟ چگونه؟ **خلاصه:** ما فهمیدیم که نماز های قضایی را باید حتماً بخوانیم و ترتیب خواندن آن را رعایت کنیم. نماز قضایی عبارت از خواندن نماز پس از وقت معین آن. وما باید قضایی نماز های واجب خود را به جا آوریم و ترتیب خواندن آن را مراعات کنیم.	

کار خانه گی:

– – شاگردان متن درس را درست بخوانند و تعریف نماز قضایی و ترتیب خواندن آن را یاد بگیرند.

معلومات تکمیلی

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند:

شرط اوّل: آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی (۴۴ کیلومتر تقریباً) نباشد.

ــ کسی که رفتن و برگشتن او و مجموعاً هشت فرسخ است، خواه رفتن یا برگشتنش کمتر از چهار فرسخ باشد یا نباشد، باید نماز را شکسته بخواند، بنابراین اگر رفتن سه فرسخ، و برگشتن پنج فرسخ، یا به‌عکس باشد، باید نماز را شکسته ــ یعنی دو رکعتی ــ بخواند.

ــ اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد، اگرچه روزی که میرود همان روز یا شب آن برنگردد، باید نماز را شکسته بخواند، ولی بهتر آن است که در این صورت احتیاط کرده تمام نیز بخواند.

ــ اگر سفر، مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد، یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند، و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، تحقیق کردن لازم نیست، و باید نمازش را تمام بخواند.

شرط دوّم: آنکه از اوّل مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، یعنی بداند که هشت فرسخ راه را می پیماید، پس اگر به‌جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند، و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اوّل قصد هشت فرسخ را نداشته باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود، یا مثلاً مسافتی برود که با برگشتن هشت فرسخ می‌شود، باید نماز را شکسته بخواند.

ــ کسی که نمیداند سفرش چند فرسخ است، مثلاً برای پیدا کردن گمشده‌ای مسافرت میکند، و نمیداند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند. ولی در برگشتن چنانچه تا وطنش یا جایی که میخواهد ده روز در آنجا بماند، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند، و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که مسافتی برود که با برگشتن هشت فرسخ می‌شود، باید نماز را شکسته بخواند.

شرط سوّم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد، یا مردّد شود، و مسافتی که رفته با برگشت از هشت فرسخ کمتر است، باید نماز را تمام بخواند.

ــ اگر بعد از پیمودن مقداری از راه که با برگشتن هشت فرسخ می‌شود، از مسافرت منصرف شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که همانجا بماند، یا بعد از ده روز برگردد، یا در برگشتن و ماندن مردّد باشد، باید نماز را تمام بخواند.

شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد و در آنجا توقف کند، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که میخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد و در آن توقف کند، یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند، و اگر میخواهد از وطن بدون توقف بگذرد باید احتیاطاً هم شکسته بخواند وهم تمام.

ــ کسی که نمیداند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش میگذرد یا نه، یا ده روز در محلی قصد اقامت مینماید یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

ـــ کسی که میخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد و در آن توقف کند، یا ده روز در محلــی بماند، و نیز کسی که مردّد است که از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر باقیمانده راه هرچند با برگشتن هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

شرط پنجم: آنکه برای کار حرام سفر نکند، و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمــام بخواند. و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آنکه برای او ضرری ــ که موجب مرگ یا نقص عضو است ــ داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

ـــ سفری که واجب نیست اگر سبب اذیت ــ ناشی از شفقت ــ پدر و مادر باشد حرام است، و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

ـــ کسی که سفر او حرام نیست، و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگرچه در سفر معصیتی انجام دهــد، مــثلاً غیبت کند یا شراب بخورد، باید نماز را شکسته بخواند.

شرط ششم: آنکه از کسانی نباشد که خانه‌شان همراه خودشان است، مانند صحرانشین‌هایی که در بیابان‌ها گردش میکنند، و هر جا آب و خوراک برای خود و چهارپایانشان پیدا کنند میمانند، و بعد از چندی به‌جای دیگــری میروند، پس این‌گونه افراد در این مسافرت‌ها باید نماز را تمام بخوانند.

ـــ اگر صحرانشین مثلاً برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتش سفر کند، چنانچه با بنه و دستگاه باشد که صدق کند خانه‌اش همراهش میباشد، نماز را تمام بخواند، و الاّ چنانچه سفر او هشت فرسخ باشــد، نمــاز را شکــسته بخواند.

ـــ اگر صحرانشین مثلاً برای زیارت یا حج، یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، اگر صدق عنوان خانه‌به‌دوش بر آن در این سفر نکند باید نماز را شکسته بخواند، و اگر صدق کند، نمازش تمام است.

شرط هفتم: آنکه «کثیر السفر» نباشد، و اما کسی که کارش متوقف بر سفر است مانند راننده و کــشتیبان، و پستچی و چوپان، یا کسی که زیاد سفر میکند هرچند کار او متوقف بر آن نباشد، مانند کسی که سه روز در هفته در مسافرت باشد هرچند برای تفریح یا سیاحت باشد، این‌گونه افراد باید نماز را تمام بخوانند.

ـــ کسی که شغلش در مسافرت است، اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نمــاز را شکسته بخواند، مگر آنکه عرفاً او را «کثیر السفر» بگویند، مانند کسی که دائماً سه روز در هفته مسافر اســت. ولی اگــر مثلاً راننده اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد، و در ضمن خودش هم زیارت کند، در هر حال باید نماز را تمام بخواند.

شرط هشتم: آنکه اگر از وطن حرکت میکند به حدّ ترخّص برسد، و اما در غیر وطن، حدّ ترخّص اثری ندارد، و همین که از محل اقامت خارج شود، نمازش قصر است.

ـــ حدّ ترخّص جایی است که اهل شهر حتی آنها که در خارج شهر و توابع آن هستند مسافر را نتوانند ببینــد، و نشانه آن این است که او اهل شهر را نتواند ببیند.– توضیح المسایل – جمعی مراجع

فصل دوم

درس: بیست و هشتم

عنوان: نماز مسافر

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با کیفیت نماز مسافر.

– شاگردان بدانند که از نظر شریعت اسلام به چه کسی مسافر گفته می شود.

– شاگردان بتوانند در حال سفر شرعی نماز خود را صحیح بخوانند

روش تدریس: انفرادی، گروهی، سوال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی . – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته، از شاگردان چند سوال مـی پرسد:	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	– نماز قضایی به چه نمازی گفته می شود؟ – قضای نماز واجب چه حکمی دارد؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان می پرسد: ۱– آیا می دانید که مسافر باید چگونه نماز بخواند؟ ۲– آیا شرایط نماز مسافر را می دانید؟ – معلم محترم عنوان درس را به روی تخته می نویسد و با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات لازم را به شاگردان می دهد. – معلم محترم درس را می خواند و تکرار می کند – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو دو نفر در مورد موضـــوع درس با یکدیگر بحث و گفتگو کنند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که نتیجهٔ گفتگوی خود را در سه سطر بنویسند و برای هم صنفی های خود بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که درس را خوب بخوانند و یـــاد بگیرند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد خواسته که پیش روی صنف آمـــده و بـــه سؤال و جواب با آنها می پردازد. – معلم محترم شاگردان را مورد تشویق قرار می دهد.	– شاگردان گوش می دهنـــد و مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** ۱–انسان مسافر نمازهایش را چگونه باید بخواند؟ ۲– کسی که برای انجام کار حرام سفر می کند، نماز او شکسته است یـــا	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.

	تمام؟ ۳- مسافر در چه صورت باید نمازهای خود را تمام بخواند؟ خلاصه: اسلام دین آسانی و سادگی است .اسلام نمی خواهد انسان را به مــــشقت و سختی گرفتار نماید؛ از این جهت از مسلمانان خواسته است در سفر، نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشاء)را دو رکعتی(شکسته =قصر)بخوانند؛ اما نمازهای دو رکعتــــی و سه رکعتی را مثل همیشه بخوانند .این تغییر نماز از چهار رکعتی به دو رکعتی شرایطی دارد.	

کارخانه گی:

- شاگردان شرط های یک و دو نماز مسافر را در کتابچه های خود بنویسند.

فصل دوم

درس: بیست و نهم

عنوان: احکام نماز مسافر

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آموختن احکام نماز مسافر.

– شاگردان با احکام و کیفیت ادای نماز مسافر آشنا شوند.

– شاگردان بتوانند در حال سفر نماز خود را صحیح بخوانند.

روش تدریس: انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی . – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته، از شاگردان می پرسد که: – آیا می توانید بگوئید که نماز مسافرچگونه ادا میگردد؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان میکند که: – آیا می دانید که نماز مسافر چه احکامی دارد؟ – معلم محترم عنوان درس را بروی تخته می نویسد و با استفاده از معلومات تکمیلی معلومات لازم را به شاگردان می دهد. – معلم محترم درس را می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که درس را بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که به گروه های مناسب تقسیم شوند و در گروه ها احکام نماز مسافر را با یکدیگر مرور کنند و حفظ نمایند. – معلم محترم از گروه ها می خواهد که از هر گروه یک نفر به پیش روی صنف آمده و هر گروه یکی از احکام نماز مسافر را برروی تخته بنویسند. – معلم محترم گروهی ها را مورد تشویق قرار می دهد.	شاگردان گوش داده و جواب می دهند. – شاگردان گوش می دهندو مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را به طور صحیح بخواند؟ • کی می تواند که یکی از احکام نماز مسافر را بگوید؟ • چه کسی می تواند بگوید که کدام نماز ها در سفر قصر خوانده می شود؟ **خلاصه:** نماز مسافر احکامی دارد که با برخی از آ نها در اینجا آشنا می شویم: -کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، اگر رفتن او بیشتر از چهار فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند؛ اما اگر رفتن او سه فرسخ و برگشتن او	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند.

	پنج فرسخ باشد، باید نمازرا تمام بخواند. -اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند؛ چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب. -کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید آن را دوباره تمام بخواند و اگـــر وقـــت گذشته قضا نماید.	

کارخانه گی: شاگردان دو حکم اول را در کتابچه های خود بنویسند.

بخش آداب و اخلاق

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

همان گونه که جسم آدمی نیاز به غذا؛ لباس و مسکن دارد، جان او نیز به (تعلیم ، تربیه و اخلاق) نیازمند است. انسانی که از حقایق آفرینش و هستی آگاه نشده و به روشهای پسندیده پرورش نیافته و به مکارم اخلاق آراسته نگردیده، و از رزایل و خصلت های زشت تزکیه نشده است اگر چه به ظاهر آدم است. ولی از کاروان آدمیت، فاصله دارد چنانچه که سعدی شیرازی گفته است.

تن آدمی شریف است به جان آدمیت — نه همان لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و بینی — چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد — که همان سخن بگوید به زبان آدمیت

اگر این درنده خوئی ز طبیعتت بمیرد — همه عمر زنده باشی به روان آدمیت

به همین جهت است که سر فصل برنامه های تمام انبیاء و اولیاء الهی را «تعلیم و تربیت» « تکمیل مکارم اخلاق و کمالات فاضله» تشکیل میدهد و این بزرگواران طبق مقتضیات زمان گاهی با روشهای علمی و رفتار آموزنده و گاهی با ایراد خطابه و القاء کلمات حکمت آمیز و گاهی نیز بانگارش نامه هایی در این باره گام برمیداشتند.

اخلاق چیست؟

طبق عقیده دانشمندان اسلامی، اخلاق عبارت از کلیه ملکات و صفاتی است که برای انسان، بر اثر تکرار عمل، یاوراثت یا فطرت حاصل می شود و شخصیت و منش او را تشکیل می دهد و در گفتار و کردار و افکار او اثر خوب یا بد دارد.

راغب در «مفردات القران» میگوید: دو کلمهٔ «خَلْقْ» و «خُلْقْ» در اصل یکی هستند، لیکن خَلْقْ به هیئت ها و شکل ها وصورت های ظاهری که با چشم دیده می شود اختصاص دارد ولی کلمهٔ خُلْقْ به نیروها و سجایای باطنی که باچشم دل مشاهده می شود اطلاق می گردد.

(مفردات راغب ذیل کلمهٔ خلق صفحه ۱۵۸)

علی علیه السلام نیز در این رابطه فرموده است: **حُسْنُ الْخُلْقِ لِنَّفْسِ وَحُسْنُ الْخَلْقِ لِلْبَدَنِ.** حسن خُلق مربوط به نفس و حُسن خَلْق مربوط به بدن است.

آری همانگونه که جسم آدمی دارای قالب و شکل خاصی است- بعضی زیبا و بعضی زشتند- روح و جان او نیز شکلهای مختلف دارد: برخی نیکو و زیبا و بعضی زشت و غیر انسانی می باشند، نهایت اینکه شکل ظاهر و ساختمان طبیعی آدمی ناشی از قوانین و نشان آفرینش است و چگونگی آن در اختیار ما نیست ، اما شکل نفسانی و صفات اخلاقی ما بیشتر اکتسابی است و از تلاش و کوشش و تحمل مشکلات ساخته می شود.

«ابن مسکویه» در کتاب « طهارة الاعراق» می نویسد «خُلْق» حالتی است برای نفس که او را بدون فکر و رویه به انجام کارهایش تحریک می کند و آن بر دو قسم است:

قسمی از آن، طبیعی و به اصل مزاج آدمی بستگی دارد، مانند کسی که از کوچکترین مشکل خشمگین می شود و یا از ناچیزترین حادثه ای می ترسد و یا افسرده می شود.

و قسمی دیگر ناشی از عادات و تمرین است و چه بسا در آغاز، از روی فکر و روش ناشی می شده ولی بر اثر تکرار، رفته رفته به شکل ملکه و خُلق و خوی ثابت در می آید، آنگاه بدون فکر و محاسبه عمل می کند.

(طهارة الاعراق صفحه ۳۸۵)

بنابر این حالات نفسانی تا به شکل خُلق و خوی ثابت در نیامده به عنوان اخلاق شناخته نمی شود، مثلاً اگر کسی یک بار و یا چند بار، بذل و بخشش کند، نمی شود گفت که سخی است و یا اگر احیاناً عمل شجاعانه ای از او دیده شد نمی شـود گفت شجاع است و یا اگر به طور اتفاقی به کسی مهربانی کرد نمی شود گفت: مهربان است و...

این گونه حالات آنگاه عنوان خُلق پیدا می کند که به شکل ملکه و خلق ثابت در آید و نیاز به فکر و رویه نداشته باشد.

ضرورت اخلاق نیک در زنده گی:

آدمی برای آن که بتواند از همه غرائز و امیالش در حد معقول و صحیح، بهره بگیرد، با خود و دیگران در صلح و آرامـش زنده گی نماید، وبه سعادت دنیا و آخرت نائل گردد، ناگزیر است از اینکه ضوابط اخلاقی را رعایت کند.

پیشرفت ها و پس رفت های جوامع بشری تنها به علم و پیشرفتهای مادی، منحصر نمی شود بلکه از عوامل مهـم ترقـی و انحطاط ملت ها رعایت و عدم رعایت موازین اخلاقی و عادت های نفسانی است:

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند   قومی که گشت فاقد اخلاق مرده است

گاهی رعایت نکردن یکی از موازین اخلاقی حوادث بزرگی چون جنگ های جهانی را به وجود میاورد، و یا همـهٔ کرامـت های یک شخص عظیم را تحت الشعاع قرار میدهد و برعکس به کار بستن یکی از اصول اخلاقی، فردی را که در لبهٔ پرتگاه سقوط قرار گرفته و یا دارای عیوب فراوان است، نجات داده و یا عیوبش را میپوشاند و عزیزش میدارد.

بنابراین اخلاق، برای همهٔ انسان ها به ویژه زمامداران ضروری خواهد بود و روی همین جهت است که قرآن مجید پـس از یازده سوگند، تأکید می کند: رستگار آن کسی است که روحش را از آلودگیهای اخلاقی پاک نماید و بدبخت کسی اسـت که آنرا آلوده سازد: (قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا).

سوره شمس آیهٔ ۹و ۱۰

و پیامبر بزرگوار اسلام نیز بخاطر داشتن عالیترین مراحل اخلاقی مورد ستایش الهی قرار گرفـت: (وَإِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ).

سوره قلم آیه ۴

محاسن ومکارم اخلاق:

در رهنمود های اخلاقی اسلام، اخلاق پسندیده به دو قسم است یکی محاسن اخلاقی و دیگری مکارم اخلاق. اخلاقی کـه مایهٔ بهترشدن روابط اجتماعی و باعث جلب منافع مادی و نشاط و رونق و زنده گی است از قبیل: پاکیزگی بدن و لبـاس، خوشرویی و تبسم، احترام به مردم، ادب در گفتار، عیادت از بیماران، دوری از کبر و عجب و غیبت و سؤظن به دیگـران و... از محاسن اخلاق به شمار می روند.

ولی خلقیاتی که معیار انسانیت و حاکی از بزرگواری طبع و تعالی روح و تمایلات عالی انسانی است از قبیل رعایـت حـق و فضیلت، به کار بستن انصاف و عدالت، وفا به عهد و ادای امانت، فداکاری و جوانمردی، ایثار و فـداکاری و ... از مکـارم اخلاق به حساب می آیند. نکتهٔ قابل توجه این است که: دست یافتن به محاسن اخلاق، کم و بیش برای تمـامی افـراد میـسر است، همه میتوانند با تمرین و ریاضت و مراقبت های لازم ولو برای نیل به منافع مادی، خود را به اخلاق خـوب اجتمـاعی، مسلح سازند، با مردم به گرمی بر خورد کنند، وظایف خویش را به شایستگی انجام دهند، در گفتار و عمل ادب داشته باشـند، از بیماران عیادت کرده و از کبر و عجب و غیبت و سؤظن اجتناب کنند از نتایج مفید و ثمربخش آن ها بهره مند گردند.

ولی رسیدن به مکارم اخلاق و خصلت های عالی انسانی بسیار دشوار است و رسیدن به آن برای هـرکس مقـدور و میـسر نیست، تنها کسانی می توانند به اخلاق نیکو دست یابند که از روحی بسیار بلند برخوردار اند، و برهوای نفـس خـود کـاملاً غالب بوده، جز احترام به اصول انسانی و تسلیم در برابر اراده خداوند نظر دیگری نداشته باشند.

در تعالیم آسمانی اسلام، اولیاء گرامی دین، همواره مردم را به محاسن و مکارم اخلاق، ترغیب فرموده انــد. پیـــامبر بزرگــوار اسلام فرمود: (اَفْضَلُ النّاسِ ایْماناً اَحْسَنُهُمْ خُلْقا). **بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۳۸۳**

برترین مردم از لحاظ ایمان کسانی هستند که از جهت اخلاق خوش اخلاق تر باشند.

حضرت علی علیه‌السلام میفرماید: (ذَلِّلُوْ اَخْلاقَهَمْ بِاالْمَحاسنِ وَقُوْدُوْهٰا الِیٰ المکارِمْ). **تحف العقول صفحه ۲۲۴**

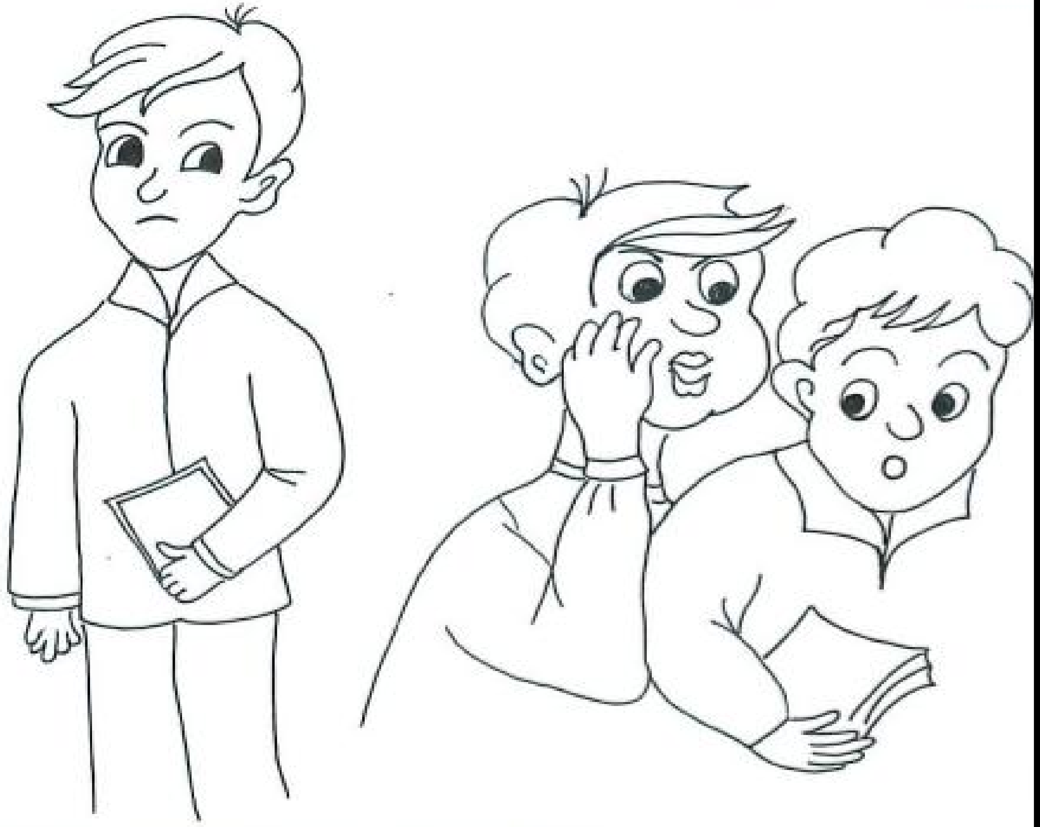
اخلاق خود را با صفات حمیده رام کنید و سپس آنرا به سوی مکارم اخلاق و سجایای انسانی سوق دهید.

(اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی، زین العابدین قربانی لاهیجی).

«اعوذبالله من الشطان الرجيم»

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

«سورة الحجرات آيه ١٢»



فصل سوم

درس: سی ام

عنوان: اخلاق نیکو

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با مفهوم اخلاق نیکو.

– شاگردان بتوانند اخلاق و رفتار خود را نیکو بسازند.

لغات و اصطلاحات:

تأکید: سفارش کردن، استوار و محکم کردن.

مبعوث: برانگیخته شده از جانب خدا، فرستاده خدا

مکارم: بزرگی ها، جوانمردیها، نیکومنشی ها

خصلت: خوی و صفت خواه نیک یا بد باشد

روش تدریس:

انفرادی، گروهی، سوال و جواب.

مواد ممد درسی: تصویر مربوط به غیبت کردن

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی . – معلم محترم درس گذشته را ارزیابی می کند. – کی می تواند بگوید که کدام نماز ها در سفر قصر خوانده می شود؟ – کی می تواند یکی از احکام نماز مسافر را بیان کند؟	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم جهت تولید انگیزه در شاگردان تصویر را به آنان نشان می دهد و می پرسد که: – شما در این تصویر چه را می بینید؟ – آیا عملی را که این افراد انجام می دهند کار درست است یا نه؟ چرا؟ – سپس معلم محترم به کمک معلومات تکمیلی در مورد اخلاق نیکو با شاگردان صحبت می کند و نظریات آنان را می پرسد. – معلم محترم توجه شاگردان را به صفحه کتاب جلب می کند و درس را با صدای بلند می خواند و لغات مشکل درس را معنی می نماید. – معلم محترم به شاگردان فرصت می دهد تا درس را خاموشانه بخوانند. – سپس از چند شاگرد می خواهد که به نوبت آمده و درس را پیش روی	– شاگردان به دقت گوش می کنند و مطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.



	صنف بخواند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو دو نفر درس را از یکدیگر سوال و جواب نمایند. – معلم محترم بر فعالیت شاگردان نظارت کرده و آنـان را کمـک و راهنمایی می کند و برای یادگیری بهتر درس آنان را تشویق می نماید.	
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند متن درس را درست بخواند؟ • کی می تواند اخلاق نیکو را تعریف نماید؟ • داشتن اخلاق خوب در زنده گی شما چه تاثیری می گذارد؟ • داشتن اخلاق نیک چه تأثیری در روابط انسانها دارد؟ **خلاصه:** ما خواندیم که: اسلام بر داشتن اخلاق نیک و حسنه تأکید زیادی کرده است و پیـامبر اسلام نیز مبعوث شد تا مکارم اخلاق را تکمیل نماید. و فضایل اخلاقـی یعنی خصلت های اخلاقی که وجدان و عقل انسان آنها را می پسندد. ما باید تلاش کنیم تا خصلت های نیک را شناخته و در عمل پیاده کنـیم و گوش دادن به سخنان استاد و خواندن کتاب های اخلاقی و دینی به مـا کمک می کند تا اخلاق پسندیده داشته باشیم و این امر باعث می شود تا محبت بین ما زیاد شود.	– شاگردان گوش داده وجواب می دهند.

کارخانه گی:

شاگردان حدیث را با ترجمة آن حفظ کنند.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

اهمیت وفایی به عهد در اسلام:

در منابع اسلامی به قدری دربارهٔ وفایی به عهد تأکید شده که در مورد سایر احکام کمتر دیده می شود.

رعایت عهد یکی از مصادیق بارز اصلاح، معروف و عدالت است، چنان که پیمان شکنی و نقض عهد و خیانت در امانت نیز از مصادیق آشکار ظلم، منکر و فساد است.

قرآن در آیه های بسیاری وفایی به عهد را مورد توجه قرار داده است، در بعضی از این آیات به طور مطلق بر رعایت تأکید کرده میفرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛** مؤمنان کسانی هستند که مراقب امانت ها و عهد خویش باشند. **سوره معارج آیه ۳۲.**

و همچنین در روایاتی از منابع شیعه و اهل تسنن از پیامبر بزرگوار اسلام نقل شده است: آيَةُ الْمُنافِقِ ثَلاٰثٌ اِذا حَدَّثَ كَذَبَ وَ اِذٰاوَعَدَ اَخْلَفَ وَ اِذا اُتُمِنَ خانَ. نشانه منافق سه چیز است:

۱- دروغگویی ۲- پیمان شکنی ۳- خیانت به امانت.

صحیح ترمذی و نسایی به نقل از تفسیر المنار. تفسیر نمونه جلد ۳ صفحه ۴۷۹

یکی از مسائل اخلاقی و بسیار مهمی که انسان را می تواند به درجات بالائی از کمالات روحی برساند وفای به عهد است.

این مسئله به قدری اهمیت دارد که به دفعات در قرآن کریم خدایتعالی برای بندگانش مثال زده و کسی که به عهدی که با خدایتعالی ، پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام) بسته است پایدار باشد و در اجتماع و روابطش با دیگران هم به این مورد اهمیت بدهد نتایج بسیار عالی و بالایی از این صفت حسنه عایدش میشود که اهمش محبوبیت در بین مردم و بالاتر از آن محبوبیتش بین اولیا دین بالاخص حضرات معصومین و حضرت بقیه الله (عج) می باشد.

عهد با مردم:

وفای به عهد و پیمان یکی از فرایض و از جمله آداب معاشرت و حسن سلوک با مردم به شمار می رود، باید همیشه مورد توجه همه ما انسانها در تمامی شرایط از جمله کسب و کار، ازدواج، قول و قرار و ... باشد.

خداوند در آیه ۹۱ سوره نحل می فرماید: « **وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا** »هر گاه عهدی بستید به عهدتان وفا کنید و بعد از قسم یاد کردن، آنها را نقض نکنید، در حالیکه خداوند را گواه قسم خود قرار دادهاید.

گاهی اوقات سوگند یاد کردن، محدودیت هایی برای انسان ایجاد خواهد کرد که وفا دار بودن به آن خلاف شرع و اخلاق است، در این موارد شکستن قسم، جزایی دارد که باید پرداخت؛ امّا کسی که قسم یاد کرده و خلاف آن عمل می کند به این نیّت که جزایش را می‌پردازد، گناه کار است، و کسی که آگاهانه گناه می کند، مغفرت شامل حالش نمی‌گردد.

از پیامبرﷺ و همینطور از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده است که: کسی که به عهد خود وفا نکنـــد دیـــن ندارد. در دو آیه قرآن کریم خداوند ﷻ می فرماید که از عهد سؤال می شود:

- سوره احزاب آیه ۱۵ « **وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ۚ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا**» (در حالی که) **آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهـــی مـــورد سؤال قرار خواهد گرفت** (و در برابر آن مسؤولند)!

- سوره اسراء، آیه ۴۳ « **وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۖ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا**» **خداوند می فرماید: وفا کنید بـــه عهدتان که از وفای به عهد سوال می شود.**

فصل سوم

درس: سی و یکم

عنوان: وفای به عهد

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه یی)

اهداف:

- آشنایی با نظر اسلام درباره وفای به عهد.
- شاگردان با معنی و مفهوم وفای به عهد آشنا شوند.
- شاگردان تشویق شوند همیشه به عهد خود وفا کنند.

روش تدریس:

انفرادی، سوال و جواب، مقالوی

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم درس گذشته را با پرسیدن چند سوال ارزیابی می کند: - چه کسی اخلاق نیک را تعریف می کند؟ - کدام یک از شما چند نمونه از اخلاق نیکو را می گوید؟	- شاگردان به حرفهای معلم گوش می دهند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم محترم برای دادن انگیزه به شاگردان از آنها می پرسد که وفای به عهد چه اهمیتی در زنده گی ما دارد؟ - اگر کسی به عهد خود با شما عمل نکند شما چه عکس العمل نشان می دهید؟ - معلم محترم از یکی از شاگردان می خواهد که درس را با صدای بلند بخواند و اگر شاگرد در خواندن مشکل داشت معلم او را کمک می نماید. - معلم محترم از شاگردان می خواهد درس را خاموشانه بخوانند. - معلم محترم از چند شاگرد می خواهد تا پیش صنف آمده و درس را بخوانند. - معلم محترم آیه درس را روی تخته به همراه معنای آن می نویسد و آنرا تکرار می کند. - معلم درباره وفا به عهد صحبت می نماید و از شاگردان می خواهد که هرکدام ۳سطر درباره وفای به عهد بنویسند و آنرا مقابل صنف بخوانند. - معلم محترم شاگردان را به وفای به عهد تشویق نموده و از شاگردان می خواهد که هریک از آنها اگر خاطره ای از وفای به عهد دارند در صنف بگویند.	- شاگردان گوش نموده ومطابق هدایات استاد فعالیت می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را می خواند؟	- شاگردان گوش می دهند و جواب می دهند.



	• آیه ای که در درس آمده را چه کسی معنی می کند؟ • مفهوم آیه درس درباره چیست؟ • اهمیت وفای به عهد را توضیح دهید؟ **خلاصه:** در دین اسلام در بارة وفا کردن به عهد تأکید زیادي شده است .در قرآن کـــریم وفای به عهد یکي از صفات مؤمنین شمرده شده است .خداوندﷻ در سورة مؤمنون، آیـــة ۸ می فرماید :والَّذِینَ هُمْ لَامأَنَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ ؛ یعني[مؤمنین]کساني اند که امانت و پیمان خود را رعایت مي کنند .حضرت علی علیه‌السلام فرموده اند :همانـــا عهد و پیمان ها گردنبندهایی درگردن ها هستند تا روز قیامت .کسی که بـــه آن وفا نماید، خداوند او را به(هدفش) می رساند وکسی که به عهد و قول خـــود عمل نکند، خداوند با او کمک و یاری نمی کند.	

کارخانه گی:

– معلم محترم به شاگردان هدایت می دهد تا حدیث متن درس را حفظ کنند.

معلومات تکمیلی

تعريف نظم

نظم ، يعني داشتن برنامه ي پيوسته و مداوم براي پاسخگويي به مسئوليت ها و برنامه ها ؛ در واقع با نظم و انضباط رفتار خود را در خدمت هدف هاي خاص قرار ميدهيم.

مزاياي منظم بودن

– براي داشتن زندگي هدفمند ، داشتن نظم و انضباط لازم است.

– بدون نظم و انضباط نمي توان با مشکلات زندگي مقابله کرد.

– از طريق نظم و انضباط است که اقدامات سالم و مناسب را براي رسيدن به هدف ، انجام ميدهيم و به همه ي جنبه هاي زندگي توجه ميکنيم.

– از اين طريق افراد ميتوانند برنامه ي زماني براي کارهاي خود تنظيم کنند.

نکته :

منظم بودن ، فقط در مرحله ي برنامه ريزي کافي نيست بلکه افراد در مرحله ي عمل نيز نيازمند نظم و ترتيب هستند.

تعريف خود نظمي و انواع آن

به تلاشي که افراد با استفاده ي مناسب از منابع ، زمان و فرصت ها براي رسيدن به اهداف انجام ميدهند ، خود نظمي ميگويند.

نظم در انديشه

– انجام هر کاري دو مرحله دارد : یک بار در ذهن ، که تصميم به انجام کار ميگيريم و بار ديگر ، زماني که عملا آن را انجام مي دهيم.

– همه ي کارهايي که انسان در ذهن خود تصميم به انجام دادن آنها ميگيرد اگر آن ها را باور داشته باشد به واقعيت تبديل ميشوند ، به همين دليل است که داشتن نظم در ذهن و فکر نقش مهمي در زندگي دارد.

– خود نظمي در عمل ، نيازمند نظم در فکر و انديشه است.

نظم در برنامه هاي روزانه

– استفاده ي مفيد و مناسب از فرصتهاي زندگي ، از طريق برنامه ريزي و نظم ممکن مي شود

– نظم موجب مي شود که افراد کنترل زندگي خود را به دست بگيرند.

– افراد با نظم و برنامه ريزي مي توانند براي رسيدن به اهداف ، به کارهاي خود جهت دهند.

– اگر انسان توانايي نظم دادن به کارهاي خود را نداشته باشد ديگران در مورد کارهاي او تصميم مي گيرند و او مجبور مي شود که دستور آنها را اجرا کند.

نظم در محيط کار

– ميز و دفتر کار افراد موفق ، هميشه مرتب است. نويسنده هاي موفق هميشه در وقت معيني شروع به نوشتن مي کنند.

– در شركت هاي موفق ، اشياء در جاي مناسب و معين قرار دارد و كاركنان سر كارشان غيبت نمي كنند.
– داشتن نظم در كارهاي جمعي و اداري ضروريتر است چون عدم توجه به اين امر ، موجب ناراحتي ديگر اعضاي گروه و مردم مي شود.

– نبود نظم در كارهاي اداري و جمعي موجب مي شود كارهايي را انجام دهيم كه نياز به انجام آنها نبوده در نتيجه هزينه ي موسسه يا اداره زياد مي شود كه ناراحتي و نا رضايتي ديگر افراد را به همراه دارد.
– متاسفانه امروزه ، به خاطر رعايت نكردن نظم از سوي بعضي از كاركنان باعث ميشود منابع ، وقت و انرژي زيادي هدر برود.

نام مولف : مريم كياني فر – دانستنيهاي زندگي.

هفت قانون مفید و سازنده

۱ـ تعیین هدفی مشخص و سعی و تلاش برای رسیدن به آن.

۲ـ تعیین مدت زمانی مشخص برای اتمام آن هدف. در صورتی که در آن زمان موفق به اتمام آن کار نشدید با برنامه ریزی تازه ای از نو شروع کرده و زمان جدیدی را برای خود تعیین کنید.

۳ـ برای رسیدن به انضباط شخصی به اولویت های فیزیکی تان اهمیت دهید تا انرژی کافی برای کار را داشته باشید به این ترتیب که ساعت خواب و خوراکتان را تنظیم کنید تا با خواب آلودگی و گرسنگی کار نکنید. به اندازه ی کافی استراحت کنید و هرگز بیش از حد توانتان از بدنتان کار نکشید. چون کاری که با خستگی انجام شود نتیجه ای نخواهد داد.

۴ـ برای تقویت روحیه تان قوانینی داشته باشید. به طور مثال در طی روز با انجام کارهایی که به شما انرژی می دهند به خودتان روحیه بدهید، به موسیقی مورد علاقه تان گوش کنید، با دوستانتان رفت و آمد کنید، به سفر بروید، یک نوشیدنی گرم بنوشید تا خستگی کار از تنتان بیرون آید و با روحیه ی بیشتری ادامه دهید.

۵ـ در زندگی خود قانونی برای انجام نوعی ورزش به طور منظم ایجاد کنید. در هفته سه روز یا بیشتر در کلاس های مورد علاقه ی ورزشی تان ثبت نام کنید تا به صورت گروهی با نتیجه ای بهتر ورزش کنید. با ورزش روحیه ای شاد و سالم خواهید داشت.

٦ـ داشتن نظم در امور مالی؛ این یکی از مهمترین مواردی است که باید در مورد آن نظم خاصی اعمال کرد. بدین منظور ابتدا با در نظر گرفتن درآمدتان مقداری پول برای خرج های ماهیانه ی خود در نظر بگیرید و حتما مبلغی را به عنوان پس انداز در هرماه کنار بگذارید. با برقراری این نظم پس از مدت زمان نه چندان زیادی شما پس انداز قابل ملاحظه ای خواهید داشت و بین دخل و خرجتان نظم و قانونی برقرار خواهد شد.

۷ـ داشتن نظم و برنامه ریزی برای کارهایی که باید در روزهای آینده انجام دهید بسیار حائز اهمیت است. این کار یکی دیگر از روش های برقراری انضباط شخصی است. برای این منظور یک دفتر سررسید یا دفتر یادداشت ترجیحا تاریخ دار تهیه کرده و هرروز آن کارهایی را که باید فردا انجام دهید یادداشت کنید. به طور مثال: تلفن های مهم، قرارهای ملاقات و ...پس از انجام هریک از آنها مقابل آن کار را یک تیک یا ضربدر بزنید تا مطمئن شوید که آن کار انجام شده است.

حال پس از ایجاد این انضباط ها شما به ادامه ی این روش عادت کرده و به فردی منضبط که کارهای تان روی حساب و کتاب است تبدیل خواهید شد. شما حس و حال بهتری خواهید داشت. دیگر به ضعف ها فکر نمی کنید و به فردی مثبت اندیش تبدیل می شوید. اعتماد به نفس تان بالا می رود و شادتر خواهید بود. دیگران برایتان احترام بیشتری قائل شده و رویتان حساب می کنند.

کسی که در زندگی شخصی اش دارای نظم و انضباط است به طور حتم در مابقی کارهایش هم موفق و پیروز خواهد بود.

فصل سوم

درس: سی و دوم

عنوان: نظم در زندگی

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه یی)

اهداف:

– آشنایی با معنای نظم در زندگی.

– آشنایی با نظر اسلام درباره نظم.

– شاگردان بتوانند در زندگی خود نظم داشته باشند.

روش تدریس:

انفرادی، سوال و جواب، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سوال ارزیابی می کند: – به نظر شما وفای بعهد چه معنایی می دهد؟ – درباره اهمیت وفای به عهد چه کسی صحبت می کند؟	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم برای ایجاد انگیزه در شاگردان درباره اهمیت نظم در زنده گی روزمره صحبت می کند. – معلم محترم از یکی از شاگردان می خواهد که درس را با صدای بلند بخواند. – معلم محترم شاگردان را به چند گروه مساوی تقسیم کرده از آنها می خواهد که درس را بین همدیگر تکرار کنند. – معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند واز سهم گیری تمام شاگردان در کار گروهی اطمینان حاصل می کند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد دربارۀ فواید نظم و ضرر های بی نظمی بین همدیگر بحث نمایند. – معلم محترم به نوبت از تمام شاگردان می خواهد در باره فایده های نظم در زندگی نظر بدهند. – معلم محترم در جریان ارائه نظرات توسط شاگردان شاگردان را تشویق می کند.	– شاگردان به توضیحات استاد گوش داده و مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کند.
۱۰دقیقه	ارزشیابی: • مفهوم نظم در زندگی چیست؟ • کی می تواند فایده های نظم را بگوید؟ **خلاصه:**	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند.

	یکی از راه های موفقیت هر انسان در زندگی، درس خواندن و دیگر کارها نظم است؛ یعنی هر انسانی که بخواهد موفق باشد، باید در زندگی خـــود نظم داشته باشد .نظم به این معنا است که شخص کارهای خود را بر اساس یک برنامه و تقسیم اوقات مشخص و برای رسیدن به یک هدف مشخص انجام دهد. به همین خاطر است که خداوند متعال جهان و انسان را با یک نظم خاص آفریده است؛ شب و روز بر اساس نظم است؛ حرکت ماه و خورشید و زمین بر اساس نظـــم است و دین مقدس اسلام نیز برای نظم دادن به زندگی انسان فرستاده شده است.	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان می خواهد در یک ورق یک تقسیم اوقات برای تمام ساعت های یک هفتهٔ خود درست نموده و تلاش کنند که آن را اجرا نمایند.

معلومات تکمیلی

عیادت مریض

اسلام دینی است اجتماعی که افراد بشر را به اجتماعی زیستن فرا می خواند . این امر در برنامه ها و معارف آن به خوبی آشکار است. یکی از دستورات مهم اسلام درباره کیفیت و چگونگی عیادت از مریض یا افرادی است که به هر نحو سلامتی خود را از دست داده اند؛ چه افرادی که کسالتی جزئی دارند و چه کسانی که دچار معلولیت و مریضی دوام دار هستند .

آنکه بیمار می شود چشم به راه است تا دوستان و بستگان از او دیدار کرده، احوال او را جویا شوند؛ چرا که مریض از تفقد آنان خوشحال می شود . از نظر اسلام عیادت از بیمار جزء حقوقی است که برادران و خواهران دینی موظف اند نسبت به همدیگر مراعات کنند .

در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که حضرت فرمودند: «من حق المسلم علی المسلم اذا لقیه ان یسلم علیه واذا مرض ان یعوده واذا مات ان یشیع جنازته؛ [1] از حقوق هر مسلمان بر مسلمان دیگر این است که هرگاه با او دیدار کند، بر او سلام کند و هرگاه مریض شود از او عیادت نماید و هرگاه از دنیا رفت، در تشییع جنازه اش شرکت کند .

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام «معلی بن خنیس » می گوید: از حضرت سؤال کردم که حق مسلمان بر گردن مسلمان چیست؟ فرمود: هر مسلمان بر گردن برادر مسلمان خود هفت حق واجب دارد که همه آنها بر او واجب است و اگر چیزی از آن حقوق را تضییع نماید، از ولایت و بندگی خدا خارج می شود و خداوند از بندگی او بهره ای ندارد (بندگی خدا را نکرده است . (گفتم: فدایت شوم! آن هفت حق کدامند؟ فرمود: ای معلی! من نگران توام؛ می ترسم که اگر بگویم، آنها را مراعات نکنی و آنها را تباه سازی و نگه نداری و آنها را بدانی و به آنها عمل نکنی . گفتم: لاقوة الا بالله . فرمود: «... والحق السابع ان تبر قسمه وتجیب دعوته وتعود مریضه وتشهد جنازته واذا علمت ان له حاجة تبادره الی قضائها ...[2] ؛ ... و حق هفتم آن است که سوگندش را قبول کنی و دعوتش را بپذیری، از بیمارش عیادت کنی و در تشییع جنازه اش شرکت کنی و اگر می دانی که حاجتی دارد، برای برآوردن آن تلاش کنی» .

ثواب عیادت بیمار

اسلام پس از آنکه عیادت از مریض را از حقوق واجب مسلمانان نسبت به یکدیگر شمرده و آن را وظیفه الهی – انسانی دانسته، جهت ایجاد انگیزه و تشویق مؤمنین به این کار، با بیان پاداشهای اخروی، عیادت کنندگان را به این فریضه مهم فرا می خواند . امام صادق علیه السلام درباره ثواب عیادت از مریض می فرماید: « هر مؤمنی که برادر مؤمنش را در بیماری اش عیادت کند، اگر صبح باشد هفتاد هزار ملک او را تشییع (بدرقه و همراهی) کنند و چون نزد او بنشینند رحمت [خدا] او را فرا گیرد و تا شب برای او استغفار کنند، و اگر شب باشد همین اجر تا صبح برای او خواهد بود ».

در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده که حضرت فرمودند: « [4] هنگامی که انسان به عیادت برادر مسلمان خود می رود، در میان میوه های چیده نشده بهشتی راه می رود تا آن گاه که [نزد بیمار] بنشیند، و هنگامی که نشست، رحمت [خدا] او را فرا می گیرد . اگر صبح باشد تا صبح دیگر هفتاد هزار فرشته بر او درود می فرستند ».

آداب عیادت

۱– هدیه بردن

یکی از توصیه های ائمه معصومین علیهم السلام جهت عیادت، همراه داشتن هدیه است؛ اما نباید بـــرای بـــردن و دادن هدیه، عوض و جایگزینی انتظار داشت ؛ چرا که دنبال عوض و معوض بودن و گلایه از آن، نشانه کم ظرفیتی است . توصیه حضرت علی علیه‌السلام در این خصوص این است که «عد من لا یعودک واهد الی من لا یهدی الیک؛ [۵] به عیادت کسی برو که از تو عیادت نمی کند و برای کسی هدیه ببر که برای تو هدیه نمی آورد »

یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام می گوید: یکی از آشنایان بیمار شد، جمعی از دوستان به ملاقات او می رفتیم که در راه به امام صادق علیه‌السلام برخوردیم . حضرت فرمودند: کجا می روید؟ گفتیم: برای عیادت فلانی می رویـــم . فرمودنـــد: بایستید . ما نیز ایستادیم . پرسیدند: «مع احدکم تفاحة او سفرجلة او اترجة او لعقة من طیب او قطعة مـــن عـــود بخور؟ فقلنا: ما معنا شی من هذا، فقال: اما تعلمون ان المریض یستریح الی کل ما ادخل به علیه؛ آیا [برای مریض هدیه ای از قبیل] سیب، به، ناک، عطر یا قطعه ای از عود با خود می برید؟ عرض کردیم: چیزی از اینها همـــراه نداریم . حضرت فرمودند: مگر نمی دانید مریض با چیزی که برایش برده می شود، آرامش خاطر پیدا می کند؟ [۶]»

۲–کوتاهی زمان عیادت

دستور قرآن حکیم و عترت طاهرین علیهم السلام به ما این است که وقتی به عیادت بیمار رفتید، زیاد ننشینید و زود برخیزید؛ چرا که اولا او خسته است و رنج می برد، ثانیا به خاطر مراعات حال عیادت کننده ها، علی رغم میـــل باطنی، خود را به زحمت می اندازد . به این خاطر، بهترین عیادت کوتاه ترین آن است [۷] . در روایات برای کسی که در عیادت از مریض به کم ترین زمان بسنده کند، وعده اجر و پاداش داده شده؛ چنان که از علی علیه السلام رسیده که فرمودند : «انّ من اَعظَم العَوادِ اَجرا عِندَالله عَزّوَجَل لِمَن اِذا عادَ اَخاه خَففَ الجُلُوس الا اَن یَکُونَ المَریضُ یُحب ذلک ویُریده؛ [۸] از عیادت کنندگان، کسی بیشترین پاداش را از خداوند می برد که هرگاه به عیادت برادر خود می رود، نشستن را کوتاه کند، مگر آنکه خود بیمار دوست داشته باشد و از او بخواهد .» همچنین حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «اَعظَمُکُم اَجرا فِی العَیادَةِ اَخَفکُم جُلُوسا؛ [۹] از عیادت کنندگان آن کسی از شـــما پاداش بیشتری دارد که کمتر بنشیند »

۳– دلداری دادن بیمار

بهترین شیوه های درمانی خصوصا در مورد امراض روانی این است که به بیمار دلداری و قوت قلب داده شـــود . استفاده از روش تلقین در بهبود بیماریها دارای جایگاه ویژه ای است . ضروری است عیادت کنندگان به این مطلب توجه کرده، توصیه رسول گرامی را مراعات نمایند که فرمود: «اذا دخلتم علی المریض فنفسوا له فی الاجل فـــان ذلک لایرد شیئا وهو یطیب النفس؛ [۱۰] هرگاه بر بیمار وارد شدید، اندوه او را نسبت به زمان مرگ برطرف سازید [و او را به آینده امیدوار کنید]. این کار گر چه چیزی را برنمی گرداند [و مقدرات را تغییر نمی دهـــد]، امـــا موجب آرامش روح می گردد ».

۴– پرسش از حال بیمار

یکی دیگر از آداب عیادت بیمار پرسش از حال و احوال مریض است و اینکه عیادت کننده دقـــایقی را از وضـــع جسمانی و مریضی او پرسش کند . رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله همه عیادت را در این می دانند که دیدار کننده از حال

و وضع بیمار پرسش کند و جویای احوال او باشد: «تمام عیادة المریض ان یضع احدکم یده علیه ویساله کیف هو، کیف اصبحت وکیف امسیت وتمام تحیتکم المصافحة؛ [۱۱] همه عیادت بیمار به این است که یکی از شما دست خودش را بر او بگذارد و از او بپرسد که حال او چگونه است؛ چگونه صبح کردی و چگونه روزت را گذراندی؟ و تحیت کامل شما دست دادن است ».

۵- دعا برای بیمار

از توصیه های معصومین علیهم السلام در خصوص آداب عیادت این است که برای مریض دعا کنید و از خداوند سلامتی و عافیت او را درخواست نمایید . همچنین از او بخواهید برای شما دعا کند که دعای مریض مستجاب است [۱۲] . رسول اکرم ﷺ فرمودند: « بیماران را عیادت کنید ... و برای مریض دعا کنید و بگویید: خدایا! او را به شفای خودت شفا عطا کن و با دوای خودت مداوا کن و از بلای خود سلامت بخش»

سیره خود حضرت بر این بوده که هنگام عیادت مریض، برای بیمار طلب عافیت می کرد . نقل شده وقتی به عیادت سلمان فارسی آمدند و خواستند از بالین سلمان برخیزند، فرمودند: «یا سلمان! کشف الله ضرک وغفر ذنبک وحفظک فی دینک وبدنک الی منتهی اجلک؛ ای سلمان! خداوند رنج تو را برطرف سازد و گناهت را ببخشد و دین و بدن تو را تا آخر عمرت حفظ کند »

٦- توقع پذیرایی نداشتن

از آنجا که هدف از عیادت بیمار اظهار محبت و ادای حق مسلمانی و کسب اجر معنوی است، کسی که به دیدن بیمار می رود نباید انتظار پذیرایی داشته باشد؛ چرا که بیمار خود گرفتار بیماری است و خانواده او نیز گرفتار پرستاری از مریض هستند . پس ادب حکم می کند که هنگام عیادت از مریض تا جایی که ممکن است خانواده او را به زحمت نیندازیم .

امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل می کند که علی علیه السلام فرمود :

«ان رسول الله ﷺ نهی ان یؤکل عند المریض شی ء اذا عاده العائد فیحبط الله بذلک اجر عیادته [۱۵] ؛ پیامبر خدا ﷺ از اینکه چیزی نزد بیمار خورده شود - در زمانی که عیادت کننده از او عیادت می کند - نهی کرده است؛ زیرا این کار سبب می شود که خداوند پاداش عیادتش را از بین ببرد »

(مکارم الاخلاق، رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی قم، چهارم، ص ۳۵۹ .

(۲کافی، ثقة الاسلام کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ج ۲، ص ۱٦۹، ح ۲ .

(۳مکارم الاخلاق، ص ۳٦۱ .

(۴کنزالعمال، المتقی الهندی، مؤسسه الرسالة، بیروت - لبنان، ج ۹، ص ۹۹، ح ۲۵۱٦۴ .

(۵من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۳۰۰، ح ۴۰۷۵ .

(٦کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳ .

(۷کنزالعمال، المتقی الهندی، ج ۹، ص ۹۴، ح ۲۵۱۳۹، قال رسول الله ﷺ: «خیر العیادة اخفها؛ بهترین عبادت کوتاه ترین آن است .» و همان، ج ۹، ص ۹۷، حدیث ۲۵۱۴۹، قال ﷺ: اعظم العیادة اجرا اخفها؛ پراجرترین عیادت، کوتاه ترین آن است .

(۸کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ٦ .

(۹مکارم الاخلاق، ص ۳٦۱ .

(۱۰کنزالفوائد، شیخ ابوالفتح کراجکی، انتشارات دارالذخائر قم، اول، جلد ۱، ص ۳۷۹ .

(۱۱مکارم الاخلاق، ص ۳۵۹ .

در باب عیادت مریض، سخن را با حکایتی آموزنده که شهد شیرینی است برگرفته از آیات و روایات، به پایان می بریم. منقول است از مرحوم حاجی سبزواری که برای عیادت بیماری می رفت و عده ای هم با او بودند . نزدیک منزل بیمار که رسید، برگشت و نرفت . اطرافیان پرسیدند: آقا چرا تا اینجا آمدید و حالا برمی گردید؟ آقا جواب داد که خطوری به قلبم کرد که بیمار وقتی مرا ببیند از من خوشش خواهد آمد و می گوید که سبزواری چه انسان والا و بزرگی است که به عیادت من بیمار آمده است . حالا برمی گردم تا هنگامی که «اخلاص » اولیه را بیابم و تنها برای «خدا» به عیادت بیمار بیایم[۱۶] .

فصل سوم

درس: سی و سوم

عنوان: عیادت مریض

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه یی)

اهداف:

- آشنایی با معنای عیادت از مریض.
- آشنایی با نظر اسلام درباره عیادت مریض.
- شاگردان بتوانند با علاقه به عیادت مریض بروند.

روش تدریس:

انفرادی، سوال و جواب، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سوال ارزیابی می کند: - به نظر شما نظم در زندگی چه معنایی می دهد؟ - درباره اهمیت نظم در زندگی چه کسی صحبت می کند؟	- شاگردان گوش داده و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم برای ایجاد انگیزه در شاگردان درباره اهمیت و ثواب عیادت بیمار صحبت می کند. - معلم محترم از یکی از شاگردان می خواهد که درس را با صدای بلند بخواند. - معلم محترم شاگردان را به چند گروه مساوی تقسیم کرده از آنها می خواهد که درس را بین همدیگر تکرار کنند. - معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند واز سهم گیری تمام شاگردان در کار گروهی اطمینان حاصل می کند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد دربارۀ فواید عیادت بیماران بین خود با همدیگر بحث نمایند. - معلم محترم به نوبت از تمام شاگردان می خواهد در باره فایده های عیادت بیماران نظر بدهند. - معلم محترم در جریان ارائه نظرات توسط آنها شاگردان را تشویق می کند.	- شاگردان به توضیحات استاد گوش داده و مطابق رهنمایی استاد عمل می کند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • مفهوم عیادت بیمارچیست؟ • کی می تواند فایده های عیادت مریض را بگوید؟	- شاگردان گوش داده و جواب می دهند.

	خلاصه: **وقتي يكي از دوستان مان مريض مي شود، بايد به ديدار و عيادتش برويم و از حالش خبردار شويم.** **پيامبر مهربان ما هم اگر دوستش را تا سه روز نمي ديد و مي فهميد كه مريض است، حتماً به عيادتش مي رفت مي دانيد وقتي كسي به ديدن مريضي مي رود، فرشته ها اطراف او را مي گيرند و برايش دعا مي كنند؟ زيرا امام صادق مى فرمايد :هركس به عيادت مريضى برود، هفتادهزار فرشته او را همراهى كرده و براى او طلب آمرزش مى كنند تا هنگامى كه به جايگاه خود باز گردد.**	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان میخواهد که از والدین خود در باره عیادت مریض و چگونگی آن سؤال کنند و جوابهای آنها را در کتابچه های خودشان بنویسند.

معلومات تکمیلی

عفو و گذشت

از جمله اخلاق کریمانه که شخصیت انسانی را به مکارم اخلاقی نزدیک می کند و اوج اخلاقی شخص را به نمایش می گذارد، عفو و گذشت از گناه، خطا و لغزش های دیگری و خودداری از مجازات و تنبیه است. در آیات قرآنی این گونه رفتار از مصادیق احسان دانسته شده و در روایات معتبر از معصومان(ع) اوج مکارم اخلاقی و بزرگواری ها معرفی گردیده است.

گذشت، از فضایل برتر انسان

انسان موجودی است که همواره در معرض خطا و اشتباه و حتی گناه است. براساس آموزه های قرآنی جز کسانی که خداوند ایشان را خالص گردانیده و در مقام عصمت از گناه و هرگونه رجس و پلیدی هستند برخی از صفات ذاتی در انسان این مسئله را تشدید می کند که به خطا و گناه بیفتد از جمله صفت جهول (احزاب، آیـه ۷۲) و عجول (اسراء، آیه ۱۱) و مانند آن موجب می شود که انسان به ظلم دچار شود (احزاب، آیـه ۷۲) و براســاس هواهای نفسانی، رفتاری افراطی داشته باشد و از مسیر حق و عدالت خارج شود. در این میان وسوسه های شیطانی از جن و انس (ناس، آیات ۵ و ٦) نیز در تشدید شر و بدگرایی انسان کمک می کند و او را به خطا و اشتباه می افکند. (اعراف، آیه ۲۱)

بنابراین، اگر عفو و گذشت در میان مردمان نبود، هیچ کسی نمی توانست در امان از مجازات باشد؛ زیرا خطا و اشتباه و گناه های کوچک و بزرگ از سوی انسان بسیار انجام می شود و اگر بخواهیم هر کسی را به سبب آنها مجازات کنیم، کسی نمی ماند که از مجازات در امان باشد. لذا زندگی بس دشوار و سخت می شد. امیر مومنان علی(ع) برای رهایی از مشکلاتی که به سبب این مسئله پدید می آید خواهان تغافل و چشم پوشی از گناهان دیگران می شود و می فرماید: مَنْ لَمْ یَتَغافَلْ وَ لایَغض عن کثیر من الامور تنغصت عیشته؛ کسی که تغافل نکند و از بسیاری از امور چشم پوشی ننماید، زندگی اش تیره و تار خواهد بود. (فهرست غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۹۷)

در ارزش فضیلت عفو و گذشت همین بس که خداوند بارها در قرآن بر آن سفارش کرده و کسانی را که دارای این صفت هستند به عنوان اهل احسان معرفی کرده و آنان را محبوب خود شمرده است. (آل عمران، آیه ۱۳۴؛ مائده، آیه ۱۳)

کسانی می توانند به این فضیلت دست یابند که دارای اراده ای قوی و عزم پولادین باشند و بگونه ای که هیجانات، ایشان را به تصمیم گیری وادار نمی سازد، بلکه براساس منطق الهی تعامل می کنند؛ در حقیقت صفت الهی فقدان نفسانیت در آنها به گونه ای دیگر تجلی می کند و با آن که دارای نفس و هواهای نفس و تجلیــات هیجــانی آن هستند، اما چنان خدایی شده اند که دیگر تحت تاثیر هیجانات نفسانی عمل نمی کنند و تصمیم نمی گیرند. از این رو این افراد به عنوان صاحبان عزم ستوده و معرفی می شوند.(شوری، آیه ۴۳)

کسی که اهل احسان است که تجلی آن در عفو و گذشت از خطاها و گناهان دیده می شود، دارای همه فــضایل اخلاقی به ویژه صبر است (فصلت، آیات ۳۴ و ۳۵) که به شخص اجازه می دهد تا خداگونه رفتار کند.

بنابراین می توان گفت که احسان در بهترین وجه در شکل عفو و گذشت تجلی و ظهور می کند و اهل احسان اهل عفو و گذشت از خطاها و گناهان دیگران هستند.

امام علی(ع) با اشاره به سیره نبوی (ص) ، گذشت را در اوج مکارم اخلاقی قرار می دهد و می فرماید: تو را سفارش می کنم به مدارای با مردم و احترام به علما و گذشت از لغزش برادران (دینی)؛ چرا که سرور اولین و آخرین، تو را چنین ادب آموخته و فرموده است: گذشت کن از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه برقرار کن با کسی که با تو قطع رابطه کرده و عطا کن به کسی که از تو دریغ نموده است. (اعلام الدین، ص ۶۹)

پیامبر(ص) خود نیز در بیان شبیه ترین مردم به خود به حسن خلق اشاره کرده و به عفو و گذشت به عنوان یکی از مصادیق اصلی مکارم الاخلاق خود توجه می دهد و می فرماید: آیا شما را از شبیه ترین تان به خودم با خبر نسازم؟ گفتند: آری ای رسول خدا! فرمودند: هر کس خوش اخلاق تر، نرم خوتر، به خویشانش نیکوکارتر، نسبت به برادران دینی اش دوست دارتر، بر حق شکیباتر، خشم را فروخورنده تر و باگذشت تر و در خرسندی و خشم با انصاف تر باشد. (کافی، ج ۲، ص ۲۴۰، ح ۵۳)

آن حضرت(ص) از سفارش های الهی به خود را عفو و گذشت دانسته و می فرماید: پروردگارم هفت چیز را به من سفارش فرمود: اخلاص در نهان و آشکار، گذشت از کسی که به من ظلم نموده، بخشش به کسی که مرا محروم کرده، رابطه با کسی که با من قطع رابطه کرده و سکوتم همراه با تفکر و نگاهم برای عبرت باشد. (کنزاالفوائد، ص ۱۸۴)

همین جایگاه ارزشی فضیلت اخلاقی احسان و عفو از گناهان و خطاهای دیگران است که عفو را در اوج چکاد فضیلت های انسانی نشانیده و تاج مکارم اخلاقی دانسته است. امام علی(ع) در تبیین مقام ارزشی عفو در میان مکارم اخلاقی می فرماید: العفو تاج المکارم؛ گذشت، اوج بزرگواری هاست. (غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۵۲۰)

گذشت یک فضیلت و عدم گذشت، یک رذیلت است. همان گونه که اهل عفو در اوج مکارم اخلاقی نشسته اند، مقابل آن در اوج رذیلت اخلاقی است. علی(ع) می فرماید: شر الناس من لایعفو عن الزله و لایستر العوره ؛ بدترین مردم کسی است که خطای دیگران را نبخشد و عیب را نپوشاند. (غررالحکم، ج ۴، ص ۵۷۱، ح ۵۳۷۵)

اهل عفو به سبب اینکه در اوج قدرت و توانایی بر مجازات و تنبیه، از شخص خاطی و گناهکار در می گذرند، پاداش این عمل خویش را از محبوب خویش می گیرند؛ چرا که تنها محبوب است که می تواند پاداش حبیب خویش را بدهد. رسول اکرم(ص) می فرماید: هنگامی که بندگان در پیشگاه خدا می ایستند، آواز دهنده ای ندا دهد: آن کس که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته می شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می گوید: گذشت کنندگان از مردم. (کنز العمال، ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۹۰۰۷)

●خط قرمزهای عفو و گذشت

البته گذشت و عفو در زمانی پسندیده است که اصل دین یا ایمان مردم در خطر نباشد؛ بنابراین می توان برای عفو و گذشت نیز خط قرمزی را مشخص کرد و اینگونه نیست که انسان در هر چیزی عفو و گذشت داشته باشد بخصوص در مسائل اجتماعی و مربوط به حقوق مردم و جامعه و دین گذشت عملی خائنانه خواهد بود. همان گونه که خداوند برخی از گناهان را به شدت در همین دنیا عقوبت می کند و برای آخرت نمی گذارد باید شخص خطاکار در امور دین و اجتماع را به سرعت مجازات کرد. امام علی(ع) در بیان خط قرمز عفو می فرماید: جاز بالحسنه و تجاوز عن السیئه ما لم یکن تلما فی الدین او وهنا فی سلطان الاسلام؛ (بدی یا خوبی را) به نیکی پاداش

ده و از بدی درگذر، به شرط آن که به دین لطمه ای نزند یا در قدرت اسلام ضعفی پدید نیاورد. (غررالحکم، ج۳، ص۳۷۳، ح۸۸۷۴)

آن حضرت به مؤمنان هشدار می دهد که در اجرای قاعده عفو و گذشت به این نکته توجه داشته باشند که در باره هر کسی و هر عملی نمی شود این قاعده را اجرا کرد؛ چرا که گاه این امر می تواند موجبات تشدید خلافکاری های شخص شود و فساد را در جامعه افزایش دهد. از این رو هشدار می دهد و می فرماید: ألعفو یفسد من اللئیم بقدر اصلاحه من الکریم؛ عفو و گذشت به همان اندازه که در اصلاح شخص بزرگوار موثر است شخص فرومایه را تباه می کند. (بحارالانوار، ج۷۴، ص۲۴)

پس روشن است که آنچه در مورد عفو و گذشت بیان شد بیشتر ناظر به مسائل و مراودات شخصی افراد جامعه است نه مسائل کلان جامعه و دین.

●آثار و برکات عفو و گذشت

عفو و گذشت از دیگران پیش از اینکه به دیگری سود بخشد به خود عفو کننده سود می رساند، چرا که معلوم می کند تا چه اندازه در برابر مشکلات و ناملایمات اهل صبر و استقامت است (نحل، آیه۱۲۶) و می تواند هیجانات نفسانی خویش را مدیریت و مهار کند و تقوای خویش را که نشانه انسانیت است به نمایش گذارد (آل عمران، آیات۱۳۳ و ۱۳۴) و در اوج قدرت و توان از دیگری بگذرد و صفت الهی غفران و عفو در قدرت را در خود بیازماید. (شوری، آیه۴۳)

از آثار مهم عفو آرامش و آسایش خود شخص است؛ چرا که اگر بخواهد به همه گیر دهد نمی تواند با کسی زندگی کند و می بایست از اجتماع کناره گیرد و در تنهایی زندگی کند؛ چرا که همه انسان ها به شکلی دچار خطا و لغزش می شوند و اگر اصل عفو و احسان رعایت نشود و بخواهد عدالت را رعایت کند می بایست همیشه درگیر مجازات و تنبیه باشد و این گونه آرامش و آسایش را از خود سلب می کند (فهرست غرر الحکم و درر الکلم، ص۲۹۷)

از این رو در روایات یکی از علل و عوامل افزایش عمر در شخص، عفو و گذشت دانسته شده است. البته شاید علل ماورایی برای این افزایش عمر باشد، ولی شکی نیست که آرامش و آسایش و نوعی بی خیالی در این زمینه خود عامل تعیین کننده در سلامت روح و روان آدمی است و آرامش و آسایش در زندگی موجب افزایش عمر نیز است.

رسول اکرمﷺ در بیان آثار و برکات عفو می فرماید: من کثر عفوه مد فی عمره؛ هر کس پرگذشت باشد، عمرش طولانی شود. (اعلام الدین، ص۳۱۵)

از مهم ترین کارکردهای اجتماعی عفو و گذشت، جلب محبت مردم و افزایش انسجام و وحدت اجتماعی است. عفو وگذشت لازمه زندگی اجتماعی است؛ چرا که مردم همواره به علل درونی و بیرونی دچار لغزش و گناه و خطا می شوند و اگر از ایشان نگذریم باید همواره با آنان درگیر باشیم، اما گذشت از خطاها و لغزش های آنان موجب می شود که دل ها به سوی گذشت کننده جلب و جذب شود و در یک فرآیندی وحدت و انسجام اجتماعی تقویت گردد. از این رو خداوند عفو و گذشت در برابر بدیها را بستری برای ایجاد دوستی ها و پیوندهای محکم می داند. (فصلت، آیه ۳۴)

امام صادق(ع) به نقش بسیار مثبت عفو و گذشت در زندگی اجتماعی و جلب قلوب مردمان اشاره کـــرده و مـــی فرماید: سه چیز است که در هر که باشد آقا و سرور است: خشم فرو خوردن، گذشت از بدکردار، کمک و صله رحم با جان و مال. (تحف العقول، ص ۳۱۷)

انسان ها اگر از یکدیگر در گذرند خداوند نیز از خطاها و گناهان ایشان در می گذرد و اینگونـــه کمتـــر دچـــار بدبختی ها و مصیبت های الهی می شوند؛ چرا که اگر خداوند از خطاها نگذرد باید به سبب گناه دچار مـــصیبت الهی شوند ولی عفو خداوند موجب می شود تا مصیبت ها کم شود. خداوند در آیه ۳۰ شوری می فرماید که عفو خداوندی از بسیاری از گناهان و خطاهای انسانها، مانع بروز مصیبت های بیشتر بر آنان شده است؛ چرا که اگـــر رحم کنید و عفو نمایید خداوند نیز رحم و عفو می کند و چون اهل عفو را دوست و محبوب خود می دانـــد (آل عمران، آیه ۱۳۴؛ مائده، آیه ۱۳)، نسبت به محبوب چشم پوشی و گذشت خواهد داشت و بر ایشان رحم مـــی آورد و این گونه در سلامت از مصیبت ها و سختی ها خواهند بود.

گرفته شده از مقاله علی جواهردهی

فصل سوم

درس: سی و چهارم

عنوان: عفو و گذشت

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه یی)

اهداف:

– آشنایی با معنای عفو و گذشت.

– آشنایی با نظر اسلام درباره عفو و گذشت.

– شاگردان بتوانند با علاقه از اشتباه دیگران بگذرند.

روش تدریس:

انفرادی، سوال و جواب، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه ۳۰دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سوال ارزیابی می کند: – درباره اهمیت عیادت مریض چه کسی صحبت می کند؟ – معلم محترم برای ایجاد انگیزه در شاگردان درباره اهمیت عفو و گذشت صحبت می کند. – معلم محترم از یکی از شاگردان می خواهد که درس را با صدای بلند بخواند. – معلم محترم شاگردان را به چند گروه مساوی تقسیم کرده از آنها می خواهد که درس را بین همدیگر تکرار کنند. – معلم محترم بر کار گروه ها نظارت می کند واز سهم گیری تمام شاگردان در کار گروهی اطمینان حاصل می کند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد دربارهٔ فواید عفو گذشت بین خود با همدیگر بحث نمایند. – معلم محترم به نوبت از تمام شاگردان می خواهد در باره فایده های عفو و گذشت نظر بدهند. – معلم محترم در جریان ارائه نظرات توسط شاگردان آنها را تشویق می کند.	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند. – شاگردان به توضیحات استاد گوش داده و مطابق رهنمایی استاد فعالیت می کند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • مفهوم عفو و گذشت چیست؟ • کی می تواند فایده های عفو و گذشت را بگوید؟ **خلاصه:** يكي از بزرگترين فضائل اخلاقی، عفو و گذشت است .دين مبين اسلام تأكيد زيادي بر	– شاگردان گوش داده و جواب می دهند.

	رعايت عفو و گذشت دارد .نمونه اي از عفو و گذشت در اسلام را مي توان در رفتار پيامبربزرگ اسلام در فتح مكه مشاهده كرد. زماني كه پيامبر اسلام در مكه مردم را به دين مبين اسلام دعوت مـــي كـــرد، مـــردم مشرک مكه به سركردگي ابوجهل و ابوسفيان، پيامبر اسلام و پيروان او را به شـــدت آزار مي دادند. اما رسول خدا با وجود همه نامهرباني هايي كه از اهل مكه ديده بـــود، بعد ازفتح مكه از همه بدرفتاری آن ها گذشت و آن ها را بخشيد و به اسلام دعـــوت فرمود.	

كارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان می خواهد که حدیث حضرت علی عليه‌السلام را حفظ کنند.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

یکی از مسائل مهمی که جوامع بشری به آن نیاز دارد صلح و آرامش است.

در سایهٔ صلح و دوستی است که انسان ها در کنار همدیگر زنده گی می کنند، صلح ضامن آسایش و آرامش انسانها است، با نبودن صلح و عدم زنده گی مسالمت آمیز در کنار همدیگر محل زنده گی انسان ها تبدیل به یک جنگل شده که هرکسی اگر قدرتی داشته باشد به دیگری حمله ور شده و زنده گی همنوعان ضعیفش را تلخ و با خطر مواجه می سازند چنانچــه در تاریخ نمونه های زیادی را سراغ داریم که قدرتهای زور مند و قوی جوامع ضعیف و کم قدرت را مورد تجاوز قرار داده اند و زنده گی میلیونها انسان را به مخاطره انداخته اند، نمونه بارز آن جنگ جهانی دوم می باشد، که قدرتهای بزرگ زنده گی کشورهای ضعیف را مورد حمله قرار دادند و در این جنگ میلیونها انسان را در کام مرگ فرو بردند.

از تجاوز قدرت های متجاوز وقتی کاسته شد، که پیمان صلح در بین کشورها بسته شد و حقوق دیگران مورد احترام قـــرار گرفت. و در سایهٔ صلح و آرامش بود که کشور ها در قسمت علم و فرهنگ وصنعت رشد کردند.

اسلام که یک دین کامل می باشد، در تمام موضوعات، دستورات و سفارشهایی دارد که از جملهٔ آن موضــوعات، صـــلح و زنده گی مسالمت آمیز در کنار همدیگر است. اسلام به ما دستور می دهد که از جنگ ، خونریزی و تجاوز به زنـــده گـــی دیگران بپرهیزید و به سوی زنده گی ای که توأم با صلح و آرامش است روی آورید، چرا که جنگ و تجاوز پایه های زنـــده گی اجتماعی تان را سست می سازد.

پیامبر بزرگوار اسلام که درود خداوند بر او باد خود از پیش گامان صلح و امنیت بود و با دشمنان اسلام پیمان های صـــلح می بست مگر آنکه آنان پیامبرﷺ و سپاه اسلام را مورد تجاوز قرار میدادند، که در این صورت پیامبر ﷺ از کیان اســـلام دفاع می کردند، که به طور مثال به چند نمونه از صلح که پیامبرﷺ با دشمنان اسلام بسته بودند اشاره می گردد:

پیامبر ﷺ چه در بخش داخلی و چه در بخش خارجی با دشمنان قسم خورده ای مواجه بودند، در بخش داخلی کفار قریش مکه حکومت نوپای اسلام را مورد تهدید قرار میدادند، و در بخش خارجی یهودیان که خطر بزرگ برای جامعه اســـلامی و رهبریت بزرگوار آن به شمار می آمدند. لذا پیامبر ﷺ وقتیکه وارد محیط (یثرب) می شود، بعد از مدتی با گروه های زیادی پیمان می بندد، ازجمله انعقاد قرارداد صلح میان مهاجران و انصار بود باوجود اهمیت فراوانی که تاریخ نویسان متاخر برای این پیمان نامه قائلند و آنرا از شاهکارهای دولت مدینة الرسول می دانند، مؤرخان اولیه چندان اهمیتی به آن نمی دادند.مـــتن این پیمان که ابن هشام آن را قبل از داستان برادری مهاجران و انصار آورده طولانی است. در این جا به بخش های از آن که مورد نظر است توجه می کنیم:

ابن اسحاق می گوید: رسول خداﷺ بین مهاجران و انصار نوشته ای امضا کرد و در آن با یهود پیمان بست. آنانرا بر دین و اموالشان تثبیت کرد و به سود و زیان آنان شرایطی مقرر فرمود: متن پیمان چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم: این نوشـــته ای است از محمد پیامبر بین مسلمانان قریش و یثرب و کسانی که به ایشان ملحق شوند و به همراه شان جهاد کنند. آنـــان ملتی واحد را تشکیل می دهند. مهاجران در پرداخت دیه و فدیه بر آداب پیش از اسلام باقی اند و به نیکی و عـــدالت آنـــرا میدهند. بنی عوف، بنی ساعده، بنی حارث، بنی جشم، بنی نجار، بنی عمرو بن عوف، بنی نبیت و بنی اوس هم بر دین پـــیش از اسلام باقی اند...

هر یهودی که از ما پیروی کند یاری می شود و با دیگر مسلمانان مساوی است، بر او ستم نمی شود و دشمنش یاری نمـــی شود... یهودیان هنگام جنگ همراه مسلمانان هزینهٔ جنگی را میپردازند. یهود بنی عوف و بنده گانشان با مسلمانان در حکم یک ملتند یهودیان دین خود را دارند و مسمانان دین خود را، اما هرکه ستم کند خود و خانواده اش را به هلاکت خواهـــد انداخت. برای یهودیان بنی نجار، بنی حارث، بنی ساعده، بنی جشم، بنی اوس، بنی ثعلبه، جفنه بنی ثعلبه و بنی شطیبه همـــان

حقوق بنی عوف ثابت است. نزدیکان ایشان هم از این مزایا برخوردارند. کسی بدون اجازهٔ محمد ﷺ از ایـــن مجموعـــه بیرون نمی رود، از قصاص جراحتی کوچک هم گذشت نخواهد شد. هرکه دیگری را ترور کند خود و خـــانواده اش را در معرض ترور قرار داده مگر اینکه با او ستم شده باشد. یهودیان و مسلمانان هزینهٔ جنگ را به سهم خود مـــی پردازنـــد.... قریش و دوستانشان پناه داده نمی شوند. اگر کسی به مدینه حمله کرد همه دفاع خواهند کرد. یهود اوس و دیگران نیـــز از این حقوق برخوردار اند.

سیرة ابن هشام جلد ۱ صفحه ۵۰۱، الاموال صفحه ۲۹۱

این قرارداد همان گونه که پیداست میان مهاجران و انصار و یهودیان وابستهٔ به آنان منعقد شده است. یهودیان که نامشان در این پیمان آمده شهرتی ندارند و در گزارشهای تاریخی توجه چندانی به آن نشده است. گویا این یهودیان همان کسانی اند که یعقوبی دربارهٔ آنان میگوید: گروهی از اوس و خزرج به خاطر همسایگی با یهود، آئین یهود را برگزیدند. این گروه هـــا بـــه جهت اوس و خزرج بودنشان کمترین تنش ها را با مسلمانان داشته اند، و به نظر میرسد کم کم اسلام آورده و ارتباطی بـــا یهودیان اصیل نداشته اند.

و علت معروف شدن این پیمان به موادعهٔ یهود شرکت نمودن این گروه از متهودین (یهودی شدگان) در آن است.

پیمان با سه گروه معروف یهود:

متن این قرارداد را که رسول خدا ﷺ با سه قبیله بنی نضیر، بنی قریظه و بنی وقین قاع امضا کرده مرحوم طبرسی در اعـــلام الوری از علی بن ابراهیم چنین نقل کرده است:

یهود بنی قریظه و بنی نضیر و بنی وقین قاع نزد پیامبر ﷺ آمده گفتند مردم را به چه میخوانی؟ فرمود به گـــواهی دادن بـــه توحید و رسالت خودم، من کسی هستم که نامم را در تورات می یابید و علمایتان گفته اند از مکه ظهور می کنم و به ایـــن منطقه (مدینه) کوچ می کنم....

یهودیان گفتند آنچه گفتی شنیدیم. اکنون آمده ایم تا با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یـــاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم. تو هم متعرض ما و دوستان ما نشوی... پیامبر ﷺ پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر ﷺ یا یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، نه در پنهانی و نه آشکار، نه در شب و نه روز اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است. پس اگر یهود تعهدات را نادیده بگیرند رسول خدا ﷺ می تواند خون ایـــشان را بریزد... آنگاه برای هر قبیله از این یهودیان نسخه ای جداگانه تنظیم شد. مسؤل پیمان بنی نضیر حیی بن اخطب، مـــسول پیمان قریظه کعب بن اسد و مسؤل پیمان بنی وقین قاع مخیریق بود.

پیامبر و یهود حجاز صفحه ۶۶-۷۷ مصطفی صادقی.

نمونهٔ دیگر پیمان نامه صلح پیامبر ﷺ بامشرکان مکه است. پیامبر بزرگوار اسلام در سال ششم هجرت برای ادای مراســـم حج عمره به طرف مکه حرکت می کند، وقتی که پیامبر و یارانش به نزدیک مکه میرسند، سروصدای فراوانی در مکه ایجاد می شود که پیامبر می خواهد به مکه حمله کند، لذا مانع ورود پیامبر در داخل مکه می شوند. پیامبر با یارانش مشورت مـــی کند که چکار کنیم؟ آیا موافقید که به راه خود ادامه دهیم و با هر کسی که با ورود ما به مکه در برابر مـــان مـــی ایـــستد بجنگیم یانه؟ یاران پیامبر ﷺ نظرات مختلف میدهند از جمله بدیل بن ورقاء خزاعی با جنگ مخالفت کرد، پیامبر ﷺ بـــدیل را نزد قریش فرستاد، بدیل با قریش به طریق دوستی گفتگو کرد، نپذیرفتند و دوباره به حضور پیامبر ﷺ بازگشت و آنچـــه گذشته بود گزارش داد و افزود یا رسول الله قریش تصمیم گرفته اند که با تو پیکار کنند. بالاخره با رد و بدل شدن نماینـــده گانی از هر دو طرف توافق صورت گرفت که پیامبر ﷺ امسال به مدینه برگردد و صلح نامه ای بین پیامبر و کفار قریش در ده ماده نوشته شد.

دوسال از (پیمان صلح) و همزیستی مسالمت آمیز گذشت. قریش بدنبال فرصتی بود تا بار دیگر قدرت خود را بیازمایند و به بهانه های مختلف موجبات تضعیف اسلام را فراهم آورد. بویژه که خبر شهادت گروهی از رزمنـــدگان اســـلام را در نبـــرد (موته) شنیده بودند و از اینکه سه هزار جنگاور دلیر مسلمان نتوانستند، در برابر دوصد هزار سرباز تا به دندان مسلح رومی پایداری کنند، شاد شدند. به گمان اینکه سر و جان مسلمانان در این نبرد نا برابر شکسته شده است، بر آن شدند و به نبرد مسلحانهٔ دست زدند.

ماجرا از آنجا آغاز شد که شاعر مشرکی بنام انس بن ایتم که از قبیله بنی بکر بود، شعری سروده و در آن شعر بـــه پیـــامبر اکرم ﷺ اهانت کرده بود. نوجوانی از بنی خزاعه که طبق پیمان حدیبیه در پناه اسلام بود. او را از این بیهوده گـــویی بـــاز داشت. شاعر اعتنایی به او نکرد و شعرش را تکرار نمود، نوجوان خزاعی با شاعر در آویخت. آن شاعر نزد بنی بکـــر، داد خواهی نمود بنی بکر آمادهٔ پیکار با بنی خزاعه شدند، به مکه آمدند و گروهی از سران قریش را با خود همدست کردنـــد و بعضی مانند؛ سهیل بن عمرو و عکرمه بن ابی جهل و صفوان بن امیه و .. با لباس مبدل و نقاب بر چهره، به صورت ناشناس به حمایت (بنی بکر) شتافتند و نیمه شبی بر(بنی خزاعه) تاختند و بیست تن از آنان را کشتند و عده ای را اسیر گرفتند و بـــا این رفتار خود پیمان صلح حدیبیه را از اعتبار انداختند.

یاد نامه محمد رسول الله صفحه ۱۱۷-۱۲۹ منصور پویا.

پرسشی که درباره پیمان رسول خدا ﷺ به خصوص پیمان آنحضرت با یهودیان مطرح است، این که آیا ایـــن قـــرارداد هـــا استراتیژی و روش او بود، یا تا کتیکی برای مبارزهٔ با آنان به شمار میاید. یعنی اگر یهودیان و مشرکان مکه نقض پیمان نمـــی کردند پیامبر ﷺ همچنان به آن پای بند بود، یا پس از قدرت رسیدن، یکطرفه آنرا نقض می کرد؟

با توجه به سیره رسول خداﷺ با اطمینان می توان گفت پیمان ها برنامه حکومتی آن حضرت بوده و هدف از آن، زنده گی مسالمت آمیز با گروه های مختلف از جمله مخالفان بوده است. اما اینکه آنحضرت از راه غیب میدانست یهودیـــان پیمـــان شکنی خواهند کرد یا اینکه قرآن از آن ویژه گی آنان سخن گفته است- به فرض که این آیات پیش از پیمان شـــکنی یهـــود نازل شده باشد- دلیلی بر غیر واقعی قرار دادها نیست.

اگر این گروه زنده گی مسالمت آمیزی با مسلمانان داشتند قطعاً رسول خداﷺ با آنان نمی جنگید.

به طور کلی اولیاء الهی بر پای بندی بر عهد و پیمان تأکید فراوان داشتند و حتی اگر به ضرر ایشان و امت اسلامی بود آنرا نقض نمی کردند، نمونه بارز آن صلح حدیبیه و پیمان حکمیت است. اگر قریش به پیمان شکنی دست نمی زدنـــد، رســـول خداﷺ نمی خواست چنین کند، چنانچه امیرمؤمنان حضرت علیعليه‌السلام به رغم پافشاری خوارج، پیمان حکمیت را تا موعـــد قانونی اش نقض نکرد و پس از آن که حکمین طبق قرارداد عمل نکردند امادهٔ نبرد با شامیان شد.

فصل سوم

درس: سی و پنجم

عنوان: اهمیت صلح در اسلام

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شاگردان با معنی صلح آشنا شوند.

– شاگردان اهمیت وجود صلح در زنده گی جوامع را بدانند.

روش تدریس: انفرادی، سوال و جواب

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی . – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته، از شاگردان می پرسد که: – کی می تواند بگوید پیامبر اسلام بعد از فتح مکه با مردم آنجا چه کرد؟ – معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند:	– شاگردان گوش می دهند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	– به نظر شما صلح چه اهمیتی در زنده گی ما دارد؟ – معلم محترم عنوان درس را بروی تخته می نویسد و درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از دو یا چند شاگرد می خواهد که درس را بلند بخوانند و تکرار کنند. – معلم محترم با استفاده از معلومات تکمیلی در مورد موضوع درس برای شاگردان معلومات می دهد. – معلم محترم با دادن زمان کافی به شاگردان از آنها می خواهد که درس را خوب یاد بگیرند. – معلم محترم از چند شاگرد به طور داوطلبانه می خواهد که به پیش صنف آمده و به سوالات معلم دربارۀ درس پاسخ دهند. – معلم محترم شاگردانی که به سوالات خوب پاسخ می دهند را مورد تشویق قرار می دهد.	– شاگردان گوش می دهند و مطابق هدایات استاد به فعالیت ها سهم می گیرند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • کی می تواند یکی از شرایط ضروری زنده گی را بگوید؟ • کی می تواند در مورد این که اگر یک جامعه از نعمت صلح برخوردار نباشد چه اتفاقی می افتد چند سطر بنویسند. • چه کسی علاقمند است که در مورد صلح در اسلام یک داستان برای هم صنفی های خود تعریف کند؟ • چه کسی اهمیت حفظ صلح و آرامش در اسلام را می تواند توضیح بدهد.	– شاگردان گوش می دهند و جواب می دهند.

	خلاصه: یکی از شرایط ضروری زنده گی، صلح و آرامش است. هرجامعه ای کـــه از نعمت صلح برخوردار نباشد به نابودی وفلاکت دچار می شود و دین اســـلام بر حفظ صلح و آرامش تأکید دارد. در زمان رسول گرامی اسلام دو قبیله ای به نام های«اوس» و «خزرج» در مدینه زندگی می کردند .ایـــن دو قبیلـــه همیشه با هم در جنگ و درگیری به سر می بردند که به خاطر همین جنگها افراد زیادی از این دو قبیله کشته شده بودند .بعد از آنکه پیامبر گرامی اسلام به مدینه آمدند، میان این دو قبیله صلح و آشتی ایجاد نمودند؛ بنابراین، صلح به معنای آشتی و داشتن زندگی صلح آمیز و عادلانه و از بین بردن کینه ها و دشمنی ها است .صلح یعنی اینکه انسان خود و دیگران را دوست داشته باشد؛ به همه موجـــودات احترام بگذارد و یاد بگیرد که اجازه ندارد حق حیات و زندگی را از کـــسی بگیرد.	

کارخانه گی:

– شاگردان چند جمله ای از درس را که به نظر آنان مهم میرسد، در کتابچه های خود بنویسند.

دانش لازمی برای معلم:

بنام خداوند بخشنده و مهربان

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. **اِنّ اللهَ جَمیْلٌ یُحِبُّ الْجَمالَ.** **وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۳۴۰**

این نکته که مضمون احادیث زیاد است در شکل ظاهری انسانهای مسلمان هم تجلی میابد و خداوند، زیبایی و آراستگی و نظافت را برای بنده گان و مومنان می پسندد و ژولیده گی و عدم رعایت نظافت را بر آنان روانمی دارد. چنانچه امام علیعليه‌السلام میفرماید: **اَلتَّجَمُلُ مِنْ اَخْلاقِ الْمُومِنِیْن.** آراستگی از اخلاق مؤمنان است.

رسول گرامی اسلام نیز فرموده است: **اِنَّ اللهَ یَبْغِضُ اْلوسَخَ وَالشَّعَثَ.** **نهج الفصاحة حدیث شماره ۷۴۱**

پروردگار، ناپاکی و ژولیدگی را دشمن میدارد.

با توجه به مطلوب بودن پاکی و آراستگی از دیدگاه اسلام به بررسی گوشه هایی از این شیوهٔ رفتاری، در سیرهٔ پیامبر خدا می پردازیم: آراستگی سر وصورت و ضعیت موی و چهره از نشانه های بارز اهمیت دادن به سنت اسلامی است.

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در آیینه نگاه می کرد، موی خود را شانه می زد، گاهی هم به جای آیینه، در ظرف آب نگاه می کرد و موی خود را مرتب می ساخت و علاوه بر این که خود را برای خانواده آراسته و مهیا می کرد، برای برادران دینی هم خود را می آراست: **وَکانَ یَنْظُرُ فِی الْمِرآةِ وَیُرَجِّلُ جَمَّتَهُ وَیَمْشِطُ وَرُبَّما نَظَرَ فِی الْماءِ وَسَوّیٰ جَمَّتَهُ فِیْهِ وَلَقَدْ کانَ یَتَجَّملُ لِاْ صْحابِه فَضْلاً عَلی تَجَمُّلِه لِاْ هْلِه.** **بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۲۴۹**

و نیز نقل شده است که وقتی همسرش بی بی عایشه رض الله تعالی عنها، دید که آن حضرت صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم در ظرف آبی نگاه می کند که در اطاق اوست و خود را می آراید گفت: پدر و مادرم فدایت! تو پیامبری و بهترین آفریده گان، چرا چنین می کنی؟ فرمود: **اِنَّ اللهَ تَعالیٰ یُحِبُّ مِنْ عَبْدِه اِذا خَرَجَ اِلیٰ اِخْوانِه اَنْ یَتَهَیَّأَ لَهُمْ وَیَتَجَّملَ.** **بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۲۴۹**

خداوند از بنده اش این را دوست دارد که هرگاه نزد برادران دینی اش بیرون می رود، خود را برای آنان آماده و آراسته سازد. از نشانه های دیگر آراستگی و نظافت، استفاده از عطرها و مواد خوشبو کننده است که هم عامل نشاط در روحیهٔ خود شخص معطر است، هم به دیگران نشاط و سرور می بخشد. برعکس بوی زشت و تعفن در بدن و لباس و دهان وجوراب مایهٔ رنجش و فرار دیگران می گردد.

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم آنقدر عطر و مواد خوشبو کننده بر سر و صورتش می زد که گاهی براقی آن در موهای سرش دیده می شد و با مشک و عنبر خود را خوشبو می ساخت. **مکارم الاخلاق– طبرسی– صفحه ۲۳**

خرج کردن در این راه پسندیده است و اسراف هم به حساب نمی آید. چنانچه امام صادقعليه‌السلام می فرماید:

قٰالَ رَسُولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم یُنْفِقُ عَلَی الطِّیْبِ اَکْثَرَ ما یُنْفِقُ عَلَی الطَّعٰامِ.

پیامبر خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بیش از آنچه که برای خوراکی و طعام خرج کند، در راه عطریات خرج می کرد.

بحار الانوار جلد ۱۶ صفحه ۲۴۸

پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم به این نکته آن قدر اهمیت میداد و معطر می زیست که هرگاه ازکوچهٔ می گذشت، پس از عبورش، آنان که از آن مسیر می گذشتند. از رایحهٔ خوش بر جای مانده، می فهمیدند پیامبرصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم از این کوچه عبور کرده است، هرگاه عطری به آن عرضه می شد از آن استفاده می کرد ومی فرمود: بوی آن خوش است سنگینی هم ندارد! و استفاده از بوی خوش را همیشه دوست داشت و از آن لذت می برد.

یکی از سیره های مهم رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نظافت بدن بود.

حمام کردن، شستشو و نظافت بدن و زدودن موهای آن، از عوامل تأمین سلامتی و نظافت و از نشانه های آراستگی است.

گرفتن ناخن زدودن موهای اضافی بدن نیز از همین نمونه ها است.

پیامبرﷺ جمعه به جمعه، موهای اضافی بدن را می زد، و ناخن هایش را می گرفت . چنانچه امام صادقعليه‌السلام میفرماید: آن حضرت، روز جمعه پیش از این که برای برپایی نماز جمعه از خانه بیرون رود، ناخنهایش را می چید و بروت هایش را کوتاه می کرد. چرا که بلند شدن بروت و ناخن موجب آلودگی و جمع شدن چرک و میکروب در آن می گردد. چیدن و کوتاه کردن ناخن به نظافت آن کمک می کند. پیامبرﷺ به این کارها، حتی در مسافرتها هم توجه داشت و هرگاه به سفر می رفت، همیشه پنج چیز را با خود داشت: آئینه، سرمه دان، شانه، مسواک، و قیچی.

رسول خداﷺ اهمیت زیادی به مسواک میداد، دندانهایش پیوسته براق و سفید بود و امت خویش را هم به مسواک زدن توصیه می کرد، هرگاه میخوابید، مسواک را بالای سر خود می گذاشت. قبل از خواب مسواک می زد و وقتی از خواب بیدار می شد مسواک می زد. این نکته نظافتی، توصیهٔ خداوند به آن حضرت بود. می فرمود: آن قدر از سوی خداوند به مسواک فرمان داده شده ام که ترسیدم برمن واجب شود. نسبت به امت خویش نیز فرموده است: اگر بر امتم دشوار نمی شد آنان را امر می کردم که با هر نماز مسواک بزنند. **سفینة البحار صفحه ۲۵۳، محدث قمی.**

خود آنحضرت، به این سنت عمل می کرد، سنتی که خداوند به آن توصیه کرده است و در خواص و آثار آن میفرماید: مسواک هم پاکیزه کننده دهان است و هم موجب رضای الهی و از سنت های موکد است که خداوند توصیه کرده است.

آنچه که از سیره و روش پیامبرﷺ بدست میآید این است که آنحضرت به نظافت اهمیت میداد بخاطر آن بود که نظافت و پاکی ضامن صحت و سلامتی بدن انسان می شود.

پس ما مسلمانان که از پیروان پیامبر ﷺ هستیم زنده گی آن بزرگوار برای ما بهترین الگو و نمونه است، در رفتار فردی، اجتماعی، راه و روش، رعایت نمودن نظافت، از او پیروی کرده و نباید مدلهای را که دیگران بعنوان الگوی خویش قرار داده بعنوان الگو قبول نمائیم. **سیرهٔ اخلاقی و رفتاری پیامبر اعظم ﷺ صفحه ۵۷-۶۴ جواد مجدثی.**

فصل سوم

درس: سی و ششم

عنوان: ارزش صحت در اسلام

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– شاگردان با ارزش صحت آشنایی پیدا نمایند.

– آشنایی شاگردان با دیدگاه اسلام درباره اهمیت صحت.

– شاگردان با نظافت شخصی آشنا شوند.

روش تدریس:

انفرادی، بحث و گفتگو، سوال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند. – چه کسی درباره اهمیت صلح صحبت می کند؟ – صلح چه اهمیتی در زنده گی ما دارد؟	– شاگردان به حرف های معلم محترم توجه می کنند و جواب می دهند.
۱۰دقیقه	– معلم محترم برای ایجاد انگیزه در شاگردان از آنها می پرسد که برای حفظ صحت خود ما باید چه کارهایی انجام بدهیم؟ – صحت مندی در زنده گی ما چه اندازه اهمیت دارد؟ – معلم محترم یکبار درس را با صدای بلند برای شاگردان می خواند.	
۳۰دقیقه	– معلم محترم دربارهٔ ارزش و اهمیت صحت به کمک معلومات تکمیلی برای شاگردان صحبت کرده و آنها را به حفظ نظافت و پاکی تشویق می نماید. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که یک حدیث و یا روایت در مورد حفظ سلامتی و رعایت نظافت بیان کنند. – معلم محترم چند مثال مانند: النظافه من الایمان– عقل سلیم در بدن سالم است. را روی تخته می نویسد و درباره آن توضیح می دهد. – معلم محترم به همراه شاگردان به بحث و گفتگو و سوال و جواب در مورد صحت و سلامتی و طریقهٔ حفظ آن میپردازند.	– شاگردان به دقت گوش می دهند و مطابق هدایات استاد عمل می کنند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی متن درس را می خواند؟ • چه کسی حدیث شریف درس را معنی می کند؟ • به نظر شما نظافت و پاکی چه اهمیتی دارد؟	• شاگردان جواب می دهند.

	خلاصه: **پاکی برای انسان خیلی مفید است و انسان مریض نخواهد شـــد. در اســـلام تأکید زیادی بر حفظ صحت شده است و انسان با انجام دادن کارهای ســـاده ای چون گرفتن ناخن، حمام کردن، شستن دستها در هنگام غـــذا خـــوردن، مسواک زدن و .... سلامتی خود را حفظ می نماید.**	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد درباره اهمیت نظافت ۴سطر بنویسند.

معلومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

اهمیت شورا و مشورت در اسلام

اسلام که یک دین تام و کاملی می باشد، برای تمام مسائل فردی و اجتماعی مقررات و قوانینی دارد، از جمله دستوراتی که اسلام دربارۀ مسائل اجتماعی دارد مسئله شورا و مشورت کردن با یکدیگر است، چرا که انسانها در زنده گی اجتماعی سرنوشت مشترکی دارند. و در زنده گی مشترک باید از تمام آراء و نظریات استفاده شده و از دیگران مشورت خواسته شود و از طرف دیگر هر شخصی به اندازۀ حضورش در جامعه نظرات متفاوت و سازندۀ دارد که خواستن نظرات و شریک ساختن آنان در مشورت موجب بهبود وضعیت زنده گی می شود.

قبل از اینکه به اهمیت شورا و مشورت در اسلام پرداخته شود بهتر است که شورا و مشورت از نظر لغت و اصطلاح مورد توجه قرار گیرد:

شورا در لغت به معنای نصیحت کردن ، اندیشیدن، نشان دادن، فکر و عقیده را بیان داشتن، است و در اصطلاح بمعنای بررسی کردن و تجزیه و تحلیل نمودن به طور دسته جمعی و گروهی است برای کشف و استخراج بهترین رأی و نظر.

اسلام کوچکترین مسایل اجتماعی همانند (از شیر گرفتن کودک) را امری مشورتی بین پدر و مادر تلقی می کند گرچه مادر در اثر دادن یا شیرندادن کودک اختیار تام دارد، (می تواند شیر بدهد یا ندهد) اما توصیه می شود که اگر خواستید فرزند خود را از شیر بگیرید، با یکدیگر مشورت کنید، فَإِنْ أَرَادَا فِصَالاً عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلاَ جُنَاحَ عَلَيْهِمَا.

(سوره بقره آیه ۲۳۳)

اگر پدر و مادر بخواهند با مشورت یکدیگر طفل را از شیر باز گیرند مانعی بر آنها نیست.

کلمۀ تشاور در آیۀ فوق از موقعیت ویژۀ حقوقی برخوردار است، چرا که تشاور از باب تفاعل است و بمعنای شور متقابل می باشد یعنی زن و مرد هر دو باید نظر بدهند و به توافق برسند.

پیامبر ﷺ تک نظری را مذمت نموده و آنرا مایۀ خود بزرگ بینی و خود پسندی بر دیگران دانسته است و تنها عامل بیرون رفت از عجب و خود پسندی را مشاوره نمودن با دیگران دانسته است چرا که در مشاوره، شریک دانستن دیگران در رأی مساوی دانستن خود با دیگران است. (**وَحْدَهُ اَوْحَشْ مِنَ الْعُجْبِ وَلاٰ مظاهِرُ اوثَقُ مِنَ الْمُشٰاوَرَه**)

(نور الثقلین جلد ۱ صفحه ۴۰۴)

پیامبرﷺ می فرماید:

عجب و خود پسندی را امر وحشتناک میدانیم و در عوض مشاورۀ با مردم را بهترین راه بیرون رفت از عُجب و خود پسندی میدانیم.

حضرت علی علیه السلام میفرماید: و لاظهیره کاالمُشاوره. هیچ پشتیبانی همچون مشورت دادن نیست.

نهج البلاغه حکمت ۵۱

چه بسا که خود رأیی و تکبر و غرور نسبت به تفکر خویش، انسان را از شناخت ابعاد گوناگون مسایل و خطرات ناشی از آن غافل خواهد نمود و هلاکت و تباهی را در پی خواهد داشت. **مَنْ اسْتَبَدَّ برأيه هَلَکَ وَ مَنْ شاوَرَالّرِجالَ شارَکَها فی عقولَهٰا.** **نهج البلاغه حکمت ۱۵۳**

هر آنکس به خودسری گراید تباه شود و هرکس دیگران را به مشورت گیرد وهوش و خرد آنان را در کار شریک کرده است.

مشورت با دیگران همانند آن است که عقلهای آنان را در یک کار شریک بسازی. هر فردی ممکن است از زاویۀ مخصوص به مسئله نگاه کند، و یا هرکس می تواند یک یا چند جانب قضیه را دریابد، شور و مشورت باعث می گردد تا مسایل از

دیدگاه های متفاوت و از زوایای گوناگون بررسی شود و کشف گوشه های مجهول و نقاط مخفی برای ما میسر گردد و ما را از ابتلا به تک اندیشی و یک بعد اندیشی مصون بدارد. (**مَنْ استَقْبَلَ وجوهَ الا راءِ عَرَف مواقِع الخطا**).

(نهج البلاغه حکمت)۱۶۴

کسیکه به اندیشه های دیگران روی آورد (با دیگران مشورت نماید) مواقع و جاهای خطا و اشتباه را خواهد شناخت. هرگاه حل و فصل مسایل را به شیوهٔ مشورتی برگزار کنیم چون با آراء و افکار مختلف تجزیه و تحلیل می شوند امکان خطـا در تصمیم گیری کاهش می یابد و هرقدر دائره شورا را باز ترکنیم و با افراد بیشتری به رای زنی بپردازیم براه درست نزدیـک تر می شویم و خطا را به حد اقل ممکن میرسانیم. **رَویَ عَنِ النَبیْ ﷺ مامِنْ رَجُلِ یُشاوِرُ اَحَداً الاّ هدی الّرشاد.**

نور الثقلین جلد ۴ صفحه ۵۸۴.

کسیکه به مشورت با دیگران بپردازد یقیناً به راه رشد هدایت خواهد شد.

اگر به وسیله کاربرد صحیح مشاوره در اسلام و رعایت همه جوانب امر، بتوانیم ضریب خطا در تصمیم و عمل را به، صـفر برسانیم به هدایت واقعی دست یافته ایم در صورتیکه اگر خود را بی نیاز از نظریات بدانیم خود را در معرض خطر انحـراف و سقوط جاهلانه قرار داده ایم این است که راه یابی صحیح به هدایت جز به مشورت و برخورد و تشریک اندیشه ها ممکن نیست. **وَاْلاِستَشاره یَمیْنُ الْهدایَة وَقَدْ خاطَرَ من استَغْنٰی.** **نهج البلاغه حکمت ۲۰۰**

مشورت عین هدایت است و بی گمان کسیکه نسبت به رأی دیگران خود را مستغنی و بی نیاز بداند در معرض مخاطره قرار دارد.

انسان با اتکاء به مشورت هرگز دچار شقاوت و بدبختی نخواهد شد و با استبداد و خود رایی هرگـز بـه سـعادت و بـه نیکبختی نخواهد رسید. **ماشَقٰی عَبْدُ قَطُّ بَمَشْوَرَة ولا بِاسْتبْداد.**

نهج الصادقین جلد ۸ صفحه ۲۲۲ شورا در اسلام محمد ملکی

به راستی که تک رأیی و استبداد در رأی انسانها را به مخاطره می اندازد چنانچه وقتی مابه تـاریخ مراجعـه مـی کنـیم و سرگذشت دولت ها و ملت ها را مورد مطالعه قرار می دهیم می بینیم دولتها و ملتهایی با بحران مواجه شده اند که در رأس آن حاکمان مستبد و خود رأی و خود کامه قرار داشته اند که هیچ رأیی جز رآی خود شان را نمیخواسـته انـد، وقتـی از استبداد حاکمان جامعه کاسته شد، که شورا ها و مجالسهای ملی تشکیل و نمایندگان واقعی مردم در آن راه پیدا کردند.

یکی از علتهای موفقیت اسلام هم همین موضوع بود که پیامبر بزرگوار اسلام به جز مسائل اعتقادی و اخلاقـی در مـسائل اجتماعی با مسلمانان مشورت می کرد، با اینکه از نظر تعداد افراد و تجهیزات نظامی در وضعیت پائین قرار داشتند باز هـم به موفقیت های بزرگی دست یافتند.

فصل سوم

درس: سی و هفتم

عنوان: مشورت در اسلام

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- آشنایی با مفهوم شورا.
- شاگردان به اهمیت مشورت آشنا گردند.
- شاگردان بدانند در اسلام اهمیت فراوانی به مشورت داده شده است.

روش تدریس:

انفرادی، سوال و جواب.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	- فعالیت مقدماتی. - معلم محترم درس گذشته را با پرسیدن چند سوال ارزیابی می کند: - چه کسی یک حدیث دربارهٔ ارزش صحت بیان می کند؟ - به نظر شما نظافت و پاکی در زنده گی چقدر ارزش دارد؟	- شاگردان به حرف های معلم محترم توجه می کنند و جواب می دهند.
۳۰دقیقه	- معلم جهت ایجاد انگیزه در شاگردان از آنها می پرسد آیا تا به حال با کسی درباره مشکلی مشورت کرده اید؟ - آیا معنی شورا را می دانید؟ - معلم محترم درباره مشورت و تشکیل شورا به کمک معلومات تکمیلی برای شاگردان صحبت کرده علاوه می کند که درس امروز ما دربارهٔ اهمیت مشورت می باشد. - معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و از شاگردان می خواهد که تکرار کنند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که بصورت انفرادی درس را بخوانند. - معلم محترم از چند تن از شاگردان می خواهد که پیش صنف آمده و درس را با صدای بلند بخوانند. - معلم محترم دربارهٔ اهمیت شورا در اسلام با شاگردان صحبت نموده و آیهٔ «وَشُورىٰ بَيْنَهُمْ» را روی تخته می نویسد و معنی می کند. - معلم محترم از شاگردان می خواهد که یک مثال و یا داستانی را که در آن اهمیت مشوره کردن نشان داده شده را بیان نماید.	- شاگردان درس راگوش داده و طبق رهنمایی استاد فعالیت می کند.
۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی درس را می خواند؟	• شاگردان جواب می دهند.



	• آیا علاقه دارید که در کارهایتان مشورت کنید؟ • اهمیت مشورت در چیست؟ • چه کسی خلاصهٔ درس را می گوید؟ • چه کسی اهمیت شورا را بیان می کند؟ • آیا شورا در بهتر شدن زنده گی ما اهمیت دارد؟ **خلاصه:** اسلام به ما توصیه کرده که با یکدیگر مشورت نماییم و اهمیت زیادی بـــه آن داده است. مشورت باعث می شود کارها بهتر انجام پذیرد. شورا در اســـلام از اهمیت زیادی برخوردار است و در قرآن کریم به پیامبر اسلام دستور داده شده است که با یاران خود مشورت نمایند، با برگذاری شورا ما بهتر مـــی تـــوانیم مشکلات زنده گی خود را حل نماییم.	

کارخانه گی:

– معلم محترم از شاگردان عزیز می خواهد از روی درس یک مرتبه بنویسند.

معومات تکمیلی

بنام خداوند بخشنده و مهربان

خداوند متعال انسان ها را به گونه ای آفریده است که هم از نظر عاطفی و هم از لحاظ فیزیکی نیازمند همـــدیگر هـــستند. فطرت و طبیعت انسانها طوری است که در اکثر موارد به تنهایی قادر به انجام امور نبوده و در عرصه های مختلـــف زنـــده گی، نیازمند کمک و مساعدت همنوعان خویش می باشند.

در واقع نظام اجتماعی، اقتضاء دارد که انسان همواره به جای نگرش های فردی، اجتماعی زیستن را بعنوان یک اصل کلـــی مدنظر قرار دهد.

این نگرش مهم و اساسی، هم در مسایل مادی و هم در مسایل معنوی جریان دارد. چه بسا گره ها، پیچیدگیها و مـــشکلات زیادی که د رزنده گی انسانها پیش میاید و توسط زنان و مردان خیرخواه برطرف شده و چه بسا مشکلات روحی و روانی، عقده های درونی و معضلات اخلاقی و اجتماعی که با همفکری و همیاری دلسوزانه انسانهای خیر اندیش رفع می گردد.

در دین مقدس اسلام گره گشایی، تعاون و همکاری، جایگاه بسیار برجسته و ممتازی داشته و از جملۀ حقـــوق مـــسلمانان نسبت به همدیگر به شمار میاید. بر این اساس یک مسلمان، مکلف و موظف است در برابر بـــرادر و خـــواهر مـــسلمانش احساس مسؤلیت کرده و شادی او را شادی خود و غم و غصه او را غم و غصۀ خود بداند و به هر نحوی که می توانـــد در مواقع نیاز به یاری او بشتابد.

بدین ترتیب جامعۀ اسلامی مظهر صفا، یک رنگی، یک دلی و صمیمیت شده و نیاز های فکری، فرهنگی، معنوی، اجتماعی و مادی افراد جامعه با احساس مسؤلیت آنها نسبت به همدیگر برطرف می شود.

موضوع تعاون و همکاری و رسیده گی به مشکلات مردم آنقدر از نظر مبانی دینی و ارزشی اسلام مهم است که از آن تعبیر به نعمت و لطف الهی شده و پاداش بسیار فوق العاده ای برای کسانی که در صدد همکاری با مردم بر میایند مقرر گردیـــده است این موضوع آن قدر اهمیت دارد که در حدیثی قدسی آمده است:

اَلْخَلْقُ عَيٰالی فَأَصَبَّهُمُ اِلَیَّ اَلْطفَهُمْ بِهِمْ وَاَسْعٰاهُمْ فِیْ حوائجِهِمْ. **میزان الحکمة جلد ۲ صفحه ۵۳۷**

پروردگار عالم می فرماید: مردم خانواده و عیال من هستند، پس محبوب ترین و دوست داشتنی ترین مردم نزد من کـــسانی هستند که بیشترین لطف را در حق آنان نموده و بیشترین تلاش را برای رفع حاجات و مشکلات آنها مبذول میدارند نکتـــۀ مهمی که در اینجا قابل ذکر است این است که همکاری و تعاون مؤمنین به همدیگر جهت رفع حوائج باید به قصد قربت و خلوص نیت انجام شود، تا از پاداشی که برای همکاری به دیگران داده می شود بهره مند گردد.

همچنین قرآن کریم اصرار دارد که این خدمت و کار نیک (تعاون و همکاری نسبت به همدیگر) بدون منت انجام شود. در شان یک مسلمان نیست خدمتی که نسبت به دیگری انجام داده را به رخ او بکشد، چنانچه در این آیه شریفه به ایـــن نکتـــه اشاره شده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تُبْطِلُواْ صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالأَذَى. **سوره بقره آیه ۲۶۴**

ای مؤمنین کار های نیک و صدقات خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل نکنید.

نکته ای دیگری که حائز اهمیت است این است که تعاون و همکاری ورفع نیاز شخصی که با همکاری صورت مـــی گیـــرد همراه با حفظ آبروی آن باشد، چرا که مؤمن در پیشگاه خدا عزیز بوده و آبروی او بسیار محترم است. چنانچه در روایـــت وارد شده است، روزی پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ به خانۀ کعبه نظر انداخته و فرمود: به به عجب خانۀ با شکوهی! چقدر این خانه نزد خدا احترام دارد. سپس فرمود: به خدا سوگند آبروی مؤمن از خانه کعبه بزرگتر و محترم تر است.

بحار الانوار جلد ٦٧ صفحه ٧١

همچنین باید گفت که تعاون و همکاری با مردم در حوائج و نیازمندیشان صرفاً در چارچوب قوانین شرع و در موضوعات مشروع مجاز است، و اگر فردی احیاناً خواسته های غیر مشروع داشت و یا از راه حرام دنبال تأمین نیاز خود بود کمک



کردن به وی جایز نیست. چنانچه خداوند ﷻ در قرآن در سوره مائده آیهٔ ۲ میفرماید: وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. در مسیر تقوی، پرهیزکاری و فعالیتهای خیر با همدیگر همکاری داشته باشید و لکن در مسیر گناه و دشمنی به همدیگر کمک نکنید.

پیامبر ﷺ در حدیثی میفرماید: **مَنْ سَعٰی فِیْ حاجَةِ اَخِیْهِ الْمُؤمِنِ فَکَاَنَّمٰا عَبَدَ اللهَ تَسْعَةَ آلافِ سِنَةً صٰائِماً نَهارُهُ و قائِماً لَیْلُهُ...**

بحار الانوار جلد ۷۱ صفحه ۳۱۵

هرکس در ادای حاجت و برآورده کردن نیاز برادر مؤمن اش تلاش ورزد به منزلهٔ این است که نه هزار سال عبادت خدا را بجا آورده است در حالیکه روزهایش را روزه بوده و شبهایش را شب زنده داری می کرده است. بر این اساس خدمت به مؤمنین، گره گشایی از کار مردم، کمک به مستمندان و نیازمندان جامعه، اگر به قصد قربت و برای انجام تکلیف شرعی صورت گیرد از عبادات ارزشمند و ذی قیمت به شمارمی آید در حدیثی دیگری از پیامبر ﷺ نقل شده است که میفرماید: آگاه باشید هرکس یک گره از مشکلات دنیایی فردی را باز کند و بدین وسیله غم و غصه را از دل او بزداید، خداوند متعال هفتاد و دو بلا و غصهٔ آخرتی وهفتاد و دو غصه دنیایی را از او برطرف می نماید.

من لایحضرالفقیه جلد ۴ صفحه ۱۵

همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: **من اَصبَحَ وَلا یَهتَمَّ بَاُمُوْرِ الْمُسْلمینَ فَلَیْسَ مِنْهُمْ .** **اصول کافی جلد ۲ صفحه ۱۶۴**

هرکس روزش را شروع کند، در حالیکه در فکر حل مشکلات و گرفتاری های مردم (برادران و خواهران مسلمانش) نباشد جزء مسلمان محسوب نمی شود.

در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: **مَنْ سَمِعَ اَجُلاً یُنادِیْ یاَلَلْمُسْلمیْن فَلَمْ یَجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ.**

اصول کافی جلد ۲ صفحه ۱۶۳

هرکس صدای مظلومیت و استغاثه مسلمانی را بشنود و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.

پیامبر اعظم ﷺ و روابط اجتماعی صفحه ۷۱-۷۷ مسعود صفی یاری

فصل سوم

درس: سی و هشتم

عنوان: تعاون و همکاری

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

– آشنایی با فواید تعاون و همکاری.

– شاگردان بدانند که معنی تعاون چیست؟

– شاگردان بتوانند چند مثال در مورد همکاری در جامعه را بگویند.

روش تدریس: انفرادی، دونفری.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی . – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته، از شاگردان پرسان می کند: – کی می تواند بگوید که مشوره در کار ها چه اهمیتی دارد؟ – کی می تواند بگوید که کدام سوره در قرآن است که دلالت بر اهمیت شورا در اسلام را می کند؟	– شاگردان به سخنان استاد گوش داده وجواب میدهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند: – در خانهٔ شما کار های خانه توسط چی کسانی انجام می شود؟ – معلم محترم عنوان درس را به روی تخته می نویسد و پرسان می کند که کی می تواند بگوید که تعاون یعنی چه؟ – معلم محترم درس را با صدای بلند می خواند و تکرار می کند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو یا چند شاگرد درس را بخوانند. – معلم محترم با استفاده از معلومات تکمیلی در مورد درس توضیح می دهد. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو دو نفر با یکدیگر در مورد موضوع درس با یکدیگر گفتگو کنند و نتیجهٔ گفتگوی خود را در دو سطر بنویسند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد در مورد اعضای فامیل خود و وظایفی که آنها در خانه دارند با یکدیگر گفتگو کنند سپس در یک جمله تعاون را تعریف کنند. – معلم محترم جمله های شاگردان را بروی تخته نوشته و شاگردان را مورد تشویق قرار می دهد.	– شاگردان به توضیحات معلم محترم گوش داده و مطابق هدایات او عمل می کنند.

۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** • چه کسی می تواند تعاون را تعریف کند؟ • چه کسی می تواند درس را درست و روان بخواند؟ • چه کسی علاقمند است یک مثال در مورد همکاری و تعاون در جامعهٔ شهری را بگوید؟ • چه کسی می تواند اهمیت تعاون و همکاری را در جامعه امروزی بگوید؟ **خلاصه:** انسان در زنده گی فردی و اجتماعی خود مدیون جامعه است و جامعه بشری هر اندازه پیشرفته تر باشد بیشتر به تعاون و همکاری نیازمند است در یک جامعه ابتدایی روستایی یک نفر کارهای زیادی را انجام می دهد مثلاً یک نفر دهقان گندم می کارد، درو می کند، آرد می کند و حتی نان می پزد و غذا درست می کند درحالی که در یک جامعه شهری وصنعتی پیشرفته هر کاری نیاز به تخصص دارد و یک نفر نمی تواند همه کار ها را انجام دهد.	• شاگردان جواب می دهند.

کارخانه گی:

– شاگردان درس را خوب بخوانند و دو مثال در مورد تعاون و همکاری در جامعه را نام بگیرند و در کتابچهٔ های خود بنویسند.

معلومات تکمیلی

انتخاب رفیق خوب

پیدا کردن دوست خوب همیشه مشکل است اما اینکه تشخیص بدهیم که دوست ما واقعا" دوست خوبی است یا خیر کار سخت تری است.

اما دانستن مشخصات یک دوست خوب در یافتن یک دوست واقعی به ما کمک می کند.

وفاداری

وفاداری یک فاکتور اصلی و ضروری در دوستی و یا هر ارتباط دیگری است. یک دوست خوب همیشه به دوستی اش وفادار است و وفادار بودن یعنی اینکه به شایعات و حرفهای بدی که درباره دوستتان گفته می شود توجه نکنید و از گفتن شایعات و یا حرفهای زشت درباره آنها پرهیز کنید. اگرچه دوستان خوب هم گاهی ازدست یکدیگر ناراحت و عصبانی شوند اما هرگز پشت سرهم ، حرف بدی نمی زنند.

درک

دوست واقعی کسی است که به حرفهای ما گوش می کند و سعی می کند ما را درک کند . یک دوست خوب وقتی چیزی را نمی فهمد یا درک نمی کند درباره آن موضوع سئوال می کند تا موضوع را کاملا" متوجه شود.

صداقت

یک دوست خوب همیشه صادق است و واقعیت را می گوید حتی اگر حرفش آزار دهنده باشد. یک دوست خوب برای اینکه شما احساس بهتری داشته باشید به شما دروغ نمی گوید در عوض حقیقت را می گوید و شما را نصیحت می کند. مثلا" اگر لباسی مناسب شما نیست یک دوست خوب با مهربانی می گوید:" این لباس خیلی خوب نیست ، من فکر می کنم این یکی بهتر است."

درک کردن تفاوتها

یک دوست خوب از شما انتظار ندارد که همیشه حرف او را تایید کنید. در عوض وقتی شما عقیده متفاوتی دارید و با او موافق نیستید ، به نظر شما احترام می گذارد. این کار باعث می شود روابط شما جذابتر شود زیرا دوستان خوب می توانند نظرات مختلف خود درباره موضوعات مختلف را با هم در میان بگذارند.

سخاوت

بخشندگی و سخاوت یکی از علامتهای یک دوست خوب است. یک فرد سخاوتمند حتی زمانیکه توانایی ودارایی کمی برای بخشش دارد با کمال میل آنچه که می تواند را می بخشد. این نشانه فردی است که ارزش دوستی دارد زیرا این خصوصیت اخلاقی نشان می دهد که او ذهن و قلبی بخشنده دارد.

دوست و رفیق خوب را با توجه به احادیث ذیل بهتر بشناسیم

حدیث (۱) رسول اکرم ﷺ:

ثَلاثَةٌ تُخلِصُ المَوَدَّةَ: إهداءُ العَيبِ، وَحِفظُ الغَيبِ، وَالمَعونَةُ فِي الشِّدَّةِ؛

سه چیز دوستی را یکرنگ می سازد: هدیه کردن عیب های یکدیگر، در غیبت دوست پاس خاطر او را داشتن و بدگویی نکردن و یاری رساندن در سختی. تنبیه الخواطر، ج۲، ص۱۲۱

حدیث ۲) امام صادق علیه السلام :

لا يَنبَغي لِلمَرءِ المُسلِمِ أن يُواخيَ الفاجِرَ وَلاَ الحمَقَ وَلاَ الكَذّابَ؛



سزاوار نیست که مسلمان با بدکار و احمق و دروغگو رفاقت کند. کافی، ج۲، ص۶۴۰، ح

حدیث (۷) امام علی علیه السلام :

خَیرُ إخوانِکَ مَن دَعاکَ إلی صِدقِ المَقالِ بِصِدقِ مَقالِهِ وَ نَدَبَکَ إلی أفضَلِ العمالِ بِحُسنِ أعمالِه؛

بهترین برادرانت (دوستت)، کسی است که با راستگویی اش تو را به راستگویی بخواند و با اعمال نیک خود، تو را به بهترین اعمال برانگیزد.

غررالحکم، ج۳، ص۴۳۴، ح۵۰۲۲

حدیث (٦) امام علی علیه السلام :

مَن لَم یُقَدِّم فِی اتِّخاذِ الإخوانِ الاِعتِبارَ دَفَعَهُ الاِغتِرارُ إلی صُحبَةِ الفُجّار؛

هر کس در انتخاب برادران (دوستان) امتحان را مقدم ندارد، فریب خوردگی او را به مصاحبت با بـــدکاران مـــی کشاند.

غررالحکم، ج۵، ص۳۹۸ف ح۸۹۲۲

حدیث (۴) لقمان حکیم رحمه الله :

یا بُنَیَّ اتَّخِذ ألفَ صَدیقٍ وَألفُ قَلیلٌ وَلاتَتَّخِذ عَدُوّا واحِدا وَالواحِدُ کَثیرٌ؛

فرزندم هزار دوست بگیر که هزار دوست هم کم است و یک دشمن مگیر که یک دشمن هم زیاد است.

بحارالأنوارف ج۱۳، ص۴۱۳، ح۴

حدیث (۱) لقمان حکیم علیه السلام :

یا بُنَیَّ لاتَعدُ بَعدَ تَقوَی اللّه مِن اَن تَتَّخِذَ صاحِبا صالِحا؛

فرزندم! بعد از تقوای الهی، از گرفتن دوستِ شایسته نگذر.   الاخوان، ص ۱۱۰، ح ۲۵

فصل سوم

درس: سی و نهم

عنوان: انتخاب رفیق خوب

وقت: یک ساعت درسی (۴۵ دقیقه)

اهداف:

- شاگردان رفیق و دوست خوب را بشناسند.
- شاگردان با اهمیت انتخاب رفیق خوب آشنا شوند.
- شاگردان بتوانند رفیق خوب را تشخیص داده و انتخاب نمایند.

روش تدریس:

انفرادی، گروهی.

جریان درس:

وقت	فعالیت های معلم	فعالیت های شاگرد
۵ دقیقه	– فعالیت مقدماتی. – معلم محترم جهت ارزیابی درس گذشته از شاگردان پرسان می کند: – کی می تواند تعاون را تعریف کند؟ – آیا یک نفر می تواند همه کار های ساختن کامپیوتر را انجام دهد؟	– شاگردان گوش داده و پاسخ می دهند.
۳۰دقیقه	– معلم محترم جهت تولید انگیزه از شاگردان پرسان می کند. – آیا می توانید بگویید که در دین اسلام برای دوست خوب چه خصوصیات بیان شده است؟ – معلم محترم عنوان درس را بروی تخته می نویسد و درس را با صدای بلند می خواند – معلم محترم با استفاده از معلومات تکمیلی در مورد درس برای شاگردان معلومات می دهد. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که دو یا چند شاگرد درس را بخوانند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که در گروه های چند نفره تقسیم شوند و در مورد رفیق خوب و رفیق بد با یکدیگر بحث کنند و نتیجهٔ آن را در سه سطر بنویسند. – معلم محترم از شاگردان می خواهد که نتیجهٔ گفتگوی خود را برای هم صنفی های خود بیان کنند. – معلم محترم از گروهها می خواهد که یک مثال در مورد رفیق خوب را نام بگیرند. – معلم محترم گروهها را مورد تشویق قرار می دهد.	– شاگردان به توضیحات معلم محترم گوش داده و مطابق هدایات استاد عمل می کنند

۱۰دقیقه	**ارزشیابی:** کی می تواند بگوید که دین اسلام چه خصوصیات برای رفیق خوب بیان کرده است؟ چه کسی می تواند بگوید که اهمیت انتخاب رفیق خوب در چیست؟ **خلاصه:** انسان موجودی اجتماعی است و به تنهایی و دور از جامعه نمی تواند زندگی خوب و قابل قبول داشته باشد و بدین جهت در ادامه زندگی نیازمند دوستانی صمیمی و دلسوز است. انسان باید تلاش کند که در طول زندگی برای خود دوستی با وفا و رفیقی همراه پیدا نماید و دوست مهربانی که دارد به واسطه رفتار نامناسب و مسائل جزئی او را از خود دور نکند. پس خوب است انسان در زندگی خود با افراد خوب، صادق و کسی که اخلاق سالم اجتماعی دارد، دوست و رفیق شود؛ چون رفاقت و دوستی در اخلاق و رفتار انسان تأثیر می گذارد وموارد بسیاری وجود دارد که رفیق بد انسان های پاک و خوب را بدبخت کرده است و یکی از عوامل مهم تربیت انسان، دوستان و هم نشینان او هستند.	• **شاگردان جواب می دهند.**